

ستبران ۱

(۱۲۲)

نشریه سراسری سندیکای صنعت برق ایران
بهار ۹۹، دوره جدید، شماره یک (۱۲۲ از سری متوالی)
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تحلیل روز:
چهار سناریوی کسب و کارها در دوران پسا کرونا

یادداشت تحلیلی:
زنجره مصائب صنعت برق

اعضای روی خط:
مطالبات، کابوس تمام نشدنی صنعت برق



در گفت و گو با مرتضی عمادزاده
اقتصاددان

SMEها بایستی حاضر شوند با ارائه سهام در فرابورس مالکیت خود را تا حدی رقیق کنند؛ البته این اتفاق به این سرعت رخ نمی دهد اما مالکان این شرکتها به هر حال باید بپذیرند که ...

بسیاری از شرکت های صنعت برق ورشکست و یا کوچک تر از قبل شده اند، تمرکشان به نیروی انسانی و کیفیت محصول یا خدمتی که ارائه می دهند کم شده است. نیروی انسانی کارآمد و متخصص این صنعت به دنبال ...

در یادداشتی از امیرحسین طاهرزاده مدیرعامل و نایب رئیس هیات مدیره شرکت مهندسی توان گستر دقیق

در محور اول علل و عواملی را که منجر به کاهش سرمایه گذاری در صنعت برق و افزایش بدهی شده، طرح و تبیین شده و در محور دوم راهکارهای حل این معضل به بحث گذاشته شده است. مشروح این میزگرد را ...

در میزگرد ویژه، درباره ویژگی های بازار سرمایه برای پذیرش شرکتها

بازارهای



حال و احوال این روزهای اقتصاد، بیشتر شبیه یک کابوس تمام نشدنی است. جولان کرونا و قربانیانی که از مرز ۱۵۰ نفر در روز گذشته اند، دلار بالای ۲۰ هزار تومان، ناسامانی بی سابقه بازار و تورم افسارگسیخته، همگی در کنار هم ...

در یادداشتی از علی بخش
رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

بازارهای مالی وظیفه پشتیبانی از بخش واقعی اقتصاد را بر عهده دارند تا شرایط لازم جهت توسعه و رشد پایدار اقتصادی را فراهم کنند. در تقسیم بندی بازارهای مالی می توان به دو بازار ...

در یادداشتی تحلیلی از مهناز علی آبادی
دبیر کمیته مالی - بانکی سندیکای صنعت برق ایران



ما باید به اصول درست اقتصادی برگردیم. بازار سرمایه باید بنگاه های بزرگ را پوشش دهد و بانکها به حمایت از شرکت های کوچک و متوسط بپردازند اما به هر حال چنین تغییری جهمتی ...

در گفت و گو با فریال مستوفی
رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران

سرمایه



HVDC-TESTER

PHT 5/20/32 - 100/400 S

مدل هوشمند

Best quality

Easy to use

Easy carrying



مهر

طرح یاران

High Voltage Engineering



E.P.I.L.V.
Energy & Power Industries Laboratories Group
شرکت آزمایشگاه‌های صنایع انرژی



اهم ویژگیهای دستگاه HVDC-TESTER SMART

- استفاده از تراشه قدرتمند ARM به عنوان پردازنده مرکزی
- بکارگیری نرم افزار حرفه ای و هوشمند جهت کنترل
- استفاده از تبلت و پروتکل wifi
- انجام تستهای دقیق با درصد خطای بسیار پایین
- انجام تست اتوماتیک
- عدم نویز پذیری در محیطهای صنعتی
- ثبت نتایج تست شبکه به همراه زمان و مکان جغرافیایی
- طراحی بهینه جهت استفاده و حمل آسان
- ایمنی و حفاظت بالا

Peyma Bargh Co.

EPC Contractor
in power & energy sector

www.peymabargh.com
info@peymabargh.com



پیمابرگ
اسامی خاص

طراحی، مهندسی، تأمین کالا و امداد، سروکارها
خطوط انتقال، پست ها، شبکه های نیروی و توزیع نیرو

قریب ربع قرن فعالیت مستمر شرکت پیمابرگ (از سال ۱۳۷۰) گواهی است بر توانایی و ظرفیت های عظیم این مجموعه در اجرای طرح های EPC عمرانی در صنایع برق، مخابرات و ساختمان که با یاری پروردگار و اتکاء به نیروی انسانی مجرب و گنجینه ای از سوابق و تجربیات ارزشمند فنی و اجرایی حاصل گردیده است.

مأموریت ما، در پیمابرگ تحویل به موقع و با کیفیت پروژه های عمرانی در صنایع مادر و جلب رضایت کارفرمایان و مدیران طرح ها می باشد و در این راستا با تجدید نظر در نظام حاکمیتی شرکتی و معماری داخلی سازمان توانسته ایم ضمن بروزرسانی بانک دانش و تجربه نسبت به خلق ایده های جدید و نوآورانه و کسب بالاترین استاندارد اجرایی اقدام نماییم.



سندیکای صنعت برق ایران
Iran Electrical Industry Syndicate



انجمن مهندسان گدگان خدمات فنی و مهندسی ایران

Peyma Bargh provides integrated electrical power services for customers. Our broad range of energy infrastructure service solutions allows us to engineer, commission, test and manage a variety of electrical projects.

The full spectrum of electrical services also include installation, wiring, maintenance, repairs, Peyma Bargh values the opportunity to safely and efficiently bring electrical services to our clients. We will work to find the right service to meet our clients' project's needs. Our diverse team of engineers, technologist electricians, project managers, industry experts and their 28 years of combined experience allow our clients and us to stand by the work we create together. Operating honestly and ethically is quite simply how we do business. We maintain open communication with all clients and pride ourselves on our customer-oriented approach to our work.



نشانی: تهران - خیابان شریعتی - پایین تر از پل صدر - شماره ۱۶۵۷ - طبقه سوم
تلفن: ۵۲ - ۹۳۵۰ - ۲۲۶۱ (۰۲۱)
نمابر: ۹۳۵۳ - ۲۲۶۱ (۰۲۱)



فعالیت گروه پارسین در بهمن ماه سال ۱۳۷۱ با تاسیس شرکت توسعه پست‌های فشارقوی پارسین بعنوان اولین شرکت پیشگام ایرانی با هدف بومی سازی مهندسی و زمینه سازی برای انتقال دانش فنی و استفاده تجهیزات ساخت داخل، بعنوان پیمانکار عمومی در زمینه نیروگاهها، پست های فشارقوی، حمل و نقل درون شهری، قطارهای سریع السیر و پروژه های خطوط انتقال انرژی، مخابرات، اسکادا و اتوماسیون، حفاظت و کنترل نیومتریک پست های فشارقوی با بیشترین سابقه در رشته انتقال و توزیع نیرو، دیسپاچینگ و مخابرات در صنعت برق می باشد. گروه پارسین در زمینه های پروژه های انتقال نیرو، اولین و بزرگترین صادر کننده خدمات فنی-مهندسی و به عنوان اولین تولید کننده کلیدخانه های گازی فشار قوی (GIS) در کشور است که پروژه های متعددی در کشور سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان، بنین، یمن و نیجر را انجام داده یا در دست اجرا دارد و در سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی و مهندسی را که افتخاری برای این مجموعه بوده را به دست آورده است.



خدمات تست و بازرسی بطور همزمان برای سازندگان تجهیزات ذیل (حتی آزمون اتصال کوتاه)

وندور توانیر

جهت ورود به

- تابلو و پست کمپکت
- کابل
- براق آلات و کابل خودنگهدار
- انواع کلید مینیاتوری، دژکتور، سکسیونر
- انواع ترانس قدرت، ترانس جریان، ولتاژ
- انواع کنتور
- سایر تجهیزات برقی



PARSIAN GROUP is a group of companies which are well known as general contractors in the field of power plant, transmission and distribution of electric energy, supplying & execution of gas insulated substation and electrical and control panels, communication & scada systems, DCS of power plant, substation, industrial systems (oil, gas, petrochemical, cement, steel), electrical transport system & utility.

Our performance has been proven in than 300 EPC project in mentioned fields. Today Parsian is renowned for having an outstanding record of execution of AIS/GIS high voltage substations ranging from 63 to 400KV, Transmission lines, BOP of power plants, power supply of metro lines, railway electrification and a lot of other electrical projects in local and overseas. Our business is not only restricted in Iran's market but also in countries Syria, UAE, Bangladesh, Afghanistan, Yemen, Benin and Niger.

شرکت پارسین توسعه پست های فشارقوی (PSS):
پیمانکار عمومی (EPC) پروژه های انتقال برق و پست های فشارقوی در منطقه تاسیس شده است که علاوه بر پروژه های متعدد پست های ۴۰۰، ۲۳۰، ۱۳۲ و ۶۳ کیلوولت در داخل کشور، پروژه های متعددی در کشورهای سوریه، امارات متحده عربی، بنگلادش، افغانستان، بنین، یمن و نیجر را اجرا یا در دست اجرا دارد و سه دوره عنوان صادر کننده نمونه خدمات فنی - مهندسی را که افتخاری برای این گروه می باشد به دست آورده است.

شرکت پارسین توسعه نیروگاه ها و صنایع پارسین (PPI):
پیمانکار عمومی (EPC) در پروژه های تولید انرژی و صنایع نیروگاهی شامل نیروگاه های گازی، حرارتی، ژئوترمال، آبی، بادی، خورشیدی همچنین پیمانکار عمومی بخش بوتیلینی صنایع فولاد، سیمن، نفت - گاز - پتروشیمی، مس و ...

شرکت توسعه ریل نیروی پارسین (PRP):
پیمانکار عمومی (EPC) جهت برق رسانی صنایع در پروژه های نوسازی و ارتقاء سیستم موجود الکتریکی قطارهای برقی، در بخش حمل و نقل درون شهری، در قطارهای سریع السیر و برقی کردن خطوط راه آهن موجود، انبوس برقی، مونوریل.

شرکت پیمان خطوط گستر (PKG):
پیمانکار عمومی در پروژه های خطوط انتقال انرژی و سیستم های حفاظت و کنترل نیومتریک و طراحی و اجرای سیستم های اتوماسیون و ابزار دقیق، طراحی و ساخت و اجرای پست های فشار قوی، طراحی و ساخت و اجرای سیستم های مخابراتی، طراحی و اجرای مراکز دیسپاچینگ و اسکادا یا نواقصنامه همکاری با شرکت های زیمنس، ABB، GE، NR، AREVA برای اجرای پروژه در ایران و خاورمیانه.

تاییدیه بازرسی توانیر

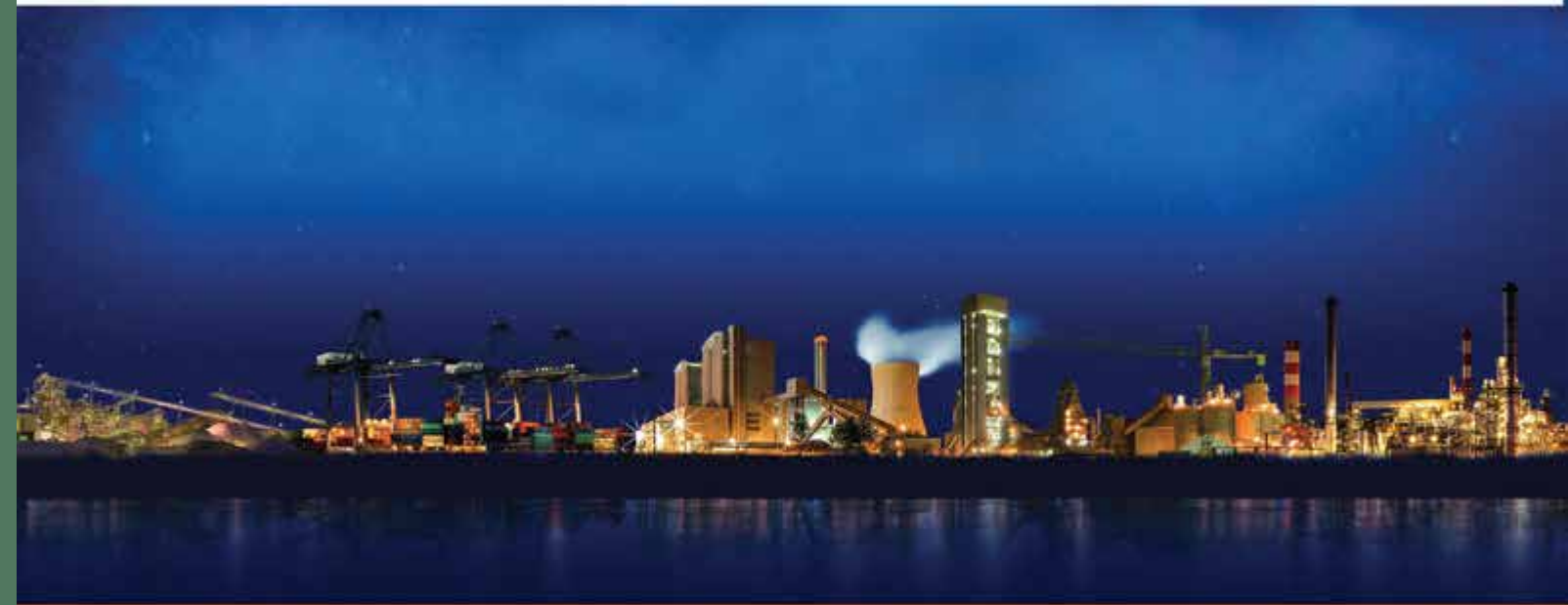
www.eepil.com

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان بزرگمهر، نبش فریمان، بن بست بوجاری صفت، پلاک ۲، طبقه ۳، واحد ۱۲ کد پستی: ۱۴۱۶۸۵۴۵۲۳ تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۷۱ فکس: ۰۲۱-۶۶۱۷۴۲۸۳



تهران، بزرگراه همت، شهرک گلستان، تقاطع بلوار امیرکبیر
و کاج، پلاک ۵، ساختمان کاج صندوق پستی: ۱۴۹۳۶۳۷۱۳۵
تلفن: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۰، نمابر: ۰۲۱-۴۸۰۷۶۰۰۱
www.parsian.com
info@parsian.com
tendering@parsian.com

شرکت اندیشه‌های فرانگر برسام



ABB

Alcatel-Lucent

SEL SCHWEITZER
ENGINEERING
LABORATORIES

Loop
Telecom

BGS

Barsam Global Systems Co.

Tel: +98(21)44 82 26 14-15

Fax: +98(21) 44 83 76 61

ZIP Code: 147 87 86 317

NO.324 Unit 5 North Jannat

Abad Blvd. Tehran IRAN

Web: www.bgsco.net

TelesCADA

- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابرات فیبر نوری و سیستمهای اپتیک (AccessMux & SDH)
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای مخابراتی PLC انالوگ و دیجیتال
- طراحی، تامین و اجرای سیستمهای اسکادا (RTU) و مراکز دیسپاچینگ
- تامین و تولید تجهیزات پسیو فیبر نوری و تابلوهای مخابراتی و تابلوهای LV
- ارائه خدمات تعمیر و نگهداری سیستمهای مخابراتی و دیسپاچینگ



RTU

AZARTU[®]


Remote Terminal Unit

Up to 90 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
Powerful ARM Microcontrollers
Softwares: Config - Test - Monitor

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان احمد قسیر، کوچه ششم، پلاک ۲۲
تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۷۵۷۶۹۱ - ۸۸۵۴۰۲۰۸
فکس: ۰۲۱ - ۸۸۷۳۲۱۵۸

Head Office: No. 22, 6th St., Ahmad Qasir Ave.,
Beheshti Ave., TEHRAN - 1514644711 - IRAN.
Tel: +98 21 88540208
Fax: +98 21 88732158
www.azarkelid.com | contact@azarkelid.com



Azar Kelid
Engineering of
Electrical Inds.



FTU

Feader Terminal Unit

Up to 24 Digital and Analoge I/O
MODBUS, DNP3, IEC60870-5-101, 103, 104
User Friendly HMI
Embedded Power Meter
Softwares: Config - Test - Monitor



PARS SWITCH CO.

Manufacturer of Medium & High Voltage
Circuit Breakers and Disconnecting Switches
سازنده کلید و سکسیونر فشار متوسط و قوی



LTB 72.5 kV



VP4E 36kV

PDS 245 kV



جدید
سکسیونر گازی تابلویی مدل LBS -P
دستی / موتوری 24 kV



VP4E 24kV

تلفن فروش : ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۲-۱۶
فکس : ۰۲۴-۳۳۷۹۰۷۱۱

sales@parsswitch.com
www.parsswitch.com



صنایع برق زنگان پارس

سازنده تابله‌های فشار متوسط کشویی و فیکس

و تابله‌های حفاظت و کنترل

تلفن : ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۵۴-۵
فکس : ۰۲۴-۳۲۲۲۱۹۹۰
www.zanganpars.com
info@zanganpars.com

تولید کننده تجهیزات شرکت زنگان پارس

نفیس آرا



نماینده انحصاری محصولات فیندر

- ساخت کشور ایتالیا
- برترین و پرفروش ترین برند رله در ایران
- ۳ سال گارانتی و ۵ سال خدمات پس از فروش

تایید اصالت کالا و گارانتی محصولات فیندر تنها با هولوگرام رسمی نفیس آرا



دفتر مرکزی : تهران خیابان کریمخان زند | خیابان عضدی (آبان) شمالی | پلاک ۶۵
تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۹۳۹۳۱۵ | فکس : ۰۲۱ ۸۸۹۰۸۵۴۷ | Info@nafisaraco.com

www.nafisaraco.com





گروه صنایع کابل مشهد
شرکت سیم و کابل مشهد
 Mashad Wire & Cable Co.

تنها واحد نمونه کیفی کشوری (ملی) در سال ۱۳۹۸
 منتخب سازمان ملی استاندارد ایران (در صنعت سیم و کابل)

بیش از یک دهه تجربه برنده در صنعت سیم و کابل

تولید برتر - گارانتی معتبر - همکاری مستمر

- ▶ مرکز رده آزمایشگاه همکار نمونه استاندارد در سال ۹۲ واحد نمونه صنعتی استانی در سال ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵ و ۹۶
- ▶ صادر کننده نمونه سیم و کابل از سال ۹۲ تا ۹۸ مرکز تحقیق و توسعه (R&D) برتر کشور در سال ۹۵
- ▶ دارنده تاییدیه مجوز ریسک سازنده کابل های برق، هنرستان ارتقا بخش شرکت های ملی صنعت کابل و ترانسیمی ایران
- ▶ کسب و تهیه نخست کیفی در تولید محصولات سیم و کابل از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۷۸ تا کنون (۱ دوره)
- ▶ کسب گواهینامه و تدبیر حمایت از حقوق مصرف کنندگان در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ کسب مجوز سبب کنترل کیفیت برتر در سال ۹۷ از سازمان ملی استاندارد ایران از سال ۱۳۸۲ تا کنون (۵ دوره)
- ▶ کسب گواهینامه تدبیر طلایی برتر تدبیر تولید ملی سال ۱۳۹۷

تولید کننده انواع سیم و کابل فشار ضعیف، متوسط و فشار قوی (10-63kV)

- ▶ در خطوط انتقال و توزیع برق
- ▶ صنایع نفت و گاز و پتروشیمی
- ▶ صنایع مخابراتی و ابزار دقیق
- ▶ صنایع برق و الکترونیک
- ▶ صنایع دریایی و راه آهن
- ▶ صنایع آب و سدها
- ▶ پروژه های نیروگاهی
- ▶ نیروگاه های خورشیدی (سولار)
- ▶ صنایع خودرو سازی
- ▶ صنایع و آهن سازی و مترو
- ▶ صنعت ساختمان پیرچها
- ▶ صنایع پزشکی و بیمارستانی

نشانی کارخانه: مشهد مقدس، شهرک صنعتی توس، فاز یک
 تلفن: (۰۵۱) ۳۱۵۶ و تلفن: ۱ - ۱۴۰۰ ۳۵۴۱ (۰۵۱)
 نمایندگی های مشهد
 (۱) تلفن: ۲۲۲ ۲۵۸ ۵۵ / فکس: ۲۲۲ ۱۳۳ ۹۵ (۰۵۱)
 (۲) تلفن: ۲۲۲ ۲۹۶ ۰۸ / فکس: ۲۲۲ ۵۲۸ ۳۰ (۰۵۱)
 نمایندگی های تهران
 (۱) تلفن: ۶۶۳۳۴۱۸۰۶-۸ (۰۲۱) / فکس: ۶۶۳۳۴۱۸۰۹ (۰۲۱)
 (۲) تلفن: ۶۶۳۳۴۰۴۰۱-۲ (۰۲۱) / فکس: ۶۶۳۳۴۰۴۰۳ (۰۲۱)

www.mashadcable.ir / telegram.me/mashadcable
 info@mashadcable.ir / فکس: ۳۵۴۱ ۴۸۴۴ (۰۵۱)

(۳) تلفن: ۲۷۲ ۷۰۰ ۸۸ / فکس: ۲۷۲ ۴۶۳ ۳۳ (۰۵۱)
 (۴) تلفن: ۲۷۲ ۸۹۲ ۴۰-۲ (۰۵۱) / فکس: ۲۷۲ ۶۷۱ ۷۱ (۰۵۱)



شرکت کارا هیدرولیک دماوند

تولید کننده انواع بالابر های هیدرولیکی و تامین کننده انواع جرثقیلهای پشت کامیونی



استانداردها، گواهی نامه ها و مجوزها

- طراحی، تولید، بازرسی و تست بالابر مطابق استاندارد ملی (EN280) ISIRI 12532
- نصب بالابر بر روی خودرو مطابق استاندارد ملی ISIRI 11889
- ارائه آموزش و صدور گواهینامه اپراتوری بالابر مطابق کد استاندارد آموزشی ۹-۷۹/۲۴/۱/۱ سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور
- دارای پلاک و گواهی کیفیت از شرکت بازرسی و کیفیت و استاندارد ایران
- دارای مجوز کاربری سازی (تجهیزات بالابر) از وزارت صنعت معدن و تجارت
- دارای گواهی فعالیت صنعتی از وزارت صنعت معدن و تجارت در خصوص تولید انواع بالابر هیدرولیکی و جرثقیلهای پشت کامیونی



www.khdco.ir



آدرس: تهران، کیلومتر ۳۰ جاده ساوه، شهرک صنعتی نصرآباد، خیابان دکتر حسابی، پلاک E35
 تلفن: ۰۲۱-۵۶۸۷۹۲۵۵ / فکس: ۰۲۱-۵۶۸۷۹۲۸۰

www.khdco.ir / info@khdco.ir

KARA HYDRAULIC DAMAVAND

Manufacturer of Aerial Work Platform and Supplier of Truck Crane



الکوپارس
ELKOPARS



WWW.ELKOPARS.COM



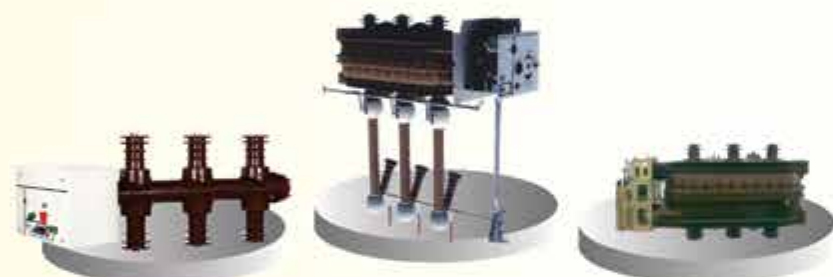
WWW.ELKOPARS.COM



دژنکتور گازی SF6 در دو نوع عرضی و طولی
(با قابلیت خروج از راست و چپ)
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



تابلوهای RMU/GIS
با خروجی دژنکتوری و سکسیونر فیوز دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



انواع سکسیونرهای گازی قابل قطع زیر بار و فیوز دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



انواع دژنکتورهای خلا در دو نوع فیکس و کشویی
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



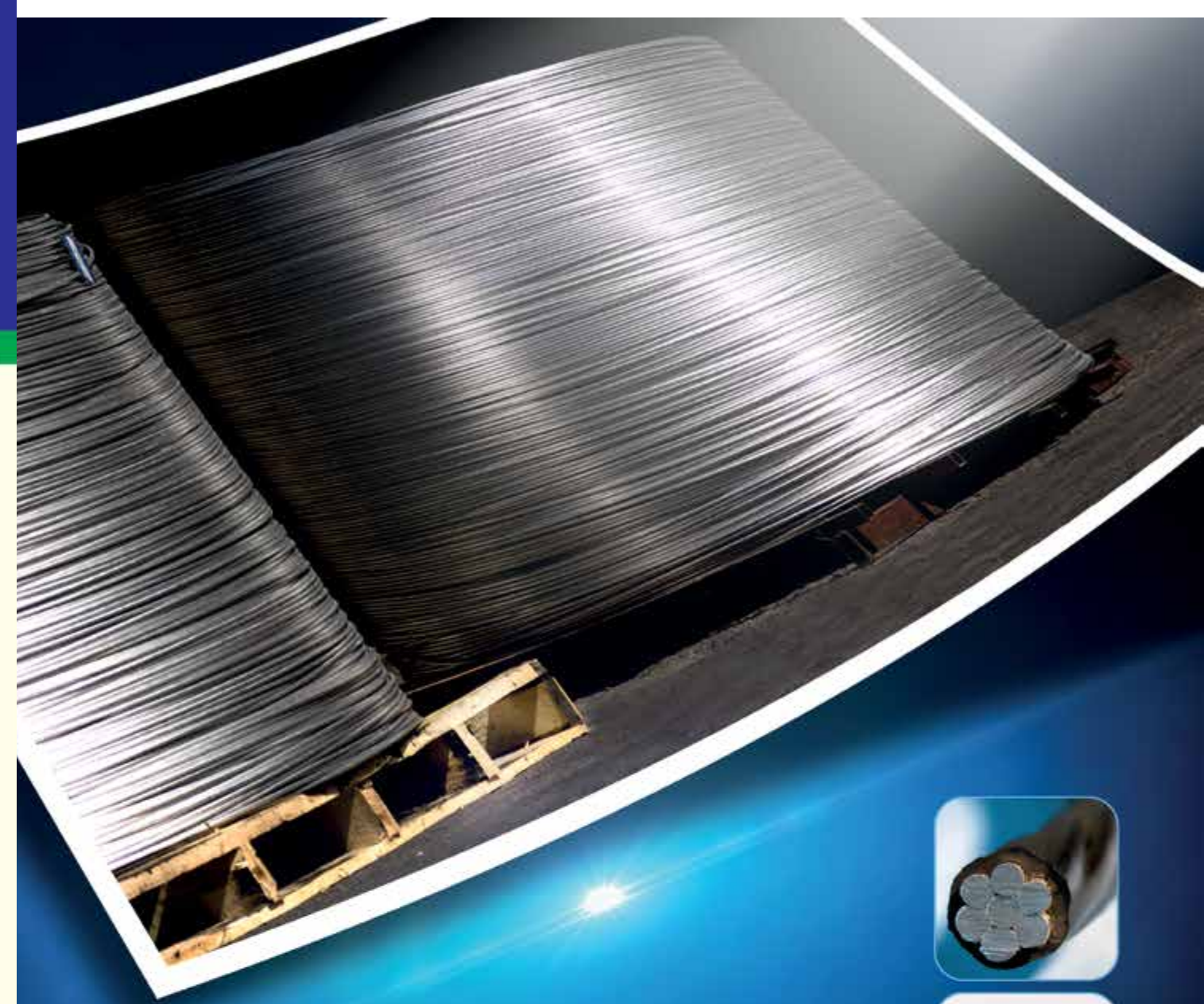
سکسیونر گازی هوایی (سرتیری)
در دو نوع دستی و موتور دار
در سطوح ولتاژی 36 Kv/24 Kv



- دارای تایپ تست از ICMET & CESI
- دارای تاییدیه توانیر
- با همکاری تابلو سازان محترم
- دارای تاییدیه پژوهشگاه نیرو
- دارای ۲ سال گارانتی بدون قید و شرط

کارخانه: البرز، کرج، شهرک صنعتی
سیمین دشت، خیابان هفتم شرقی، پلاک ۱۲۰
۰۲۶ - ۳۶۶۷۰۶۳۵
https://t.me/Elko_pars
+98 993 18 44 204
info@elkopars.com

دفتر مرکزی: تهران، میدان آزادی، ابتدای
خیابان آزادی، خیابان میرقاسمی، تقاطع
خیابان افشاریان با دهقان، پلاک ۱
۰۲۱ - ۶۶۰۴۴۱۵۰ - ۶۶۰۲۷۸۴۸
۰۲۱ - ۶۶۰۴۳۵۶۵ - ۶۶۰۰۴۶۷۲
۰۲۱ - ۶۶۰۸۴۲۶۴



Qom Alliage | قم آلیاژ

تولید کننده آلیاژ فلزات غیر آهنی
Non-Ferrous Alloys Manufacturing

- مفتول آلومینیوم خالص EC و مفتول آلومینیوم آلیاژی ۱۰۱ و ۶۱۰ هادی های آلیاژی AAAC
- سیم آلومینیوم و هادی های هوایی بدون روکش و کابل
- آلیاژهای آلومینیوم، آلیاژهای سرب، آلیاژهای روی (زاماک) و سرب خالص
- نیمکره آلومینیومی بمنظور مصرف در صنایع فولاد
- انجام خدمات آزمایشگاهی



دفتر تهران: خ. آفریقا، بالاتر از خ. دستجردی، ک. بابک مرکزی، پلاک ۶
تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۰۹۶۷ و ۱۳-۸۸۲۰۰۴۱۲-۸۸۷۹۸۲۹۰؛ نمابر: ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۰۸۸۷۷
سامانه ارتباط پیامکی با مشتریان:

Variable Frequency Drive

VFD

طراحی، مهندسی و ساخت

سیستم کنترل دور الکتروموتورهای ولتاژ متوسط

مشخصات فنی:

تغذیه ورودی: ولتاژهای استاندارد ۴.۱۶ تا ۲۰ کیلوولت - ۵۰ / ۶۰ هرتز
 ولتاژ خروجی: ۳.۳، ۴.۱۶، ۶.۶۶ و کیلوولت
 فرکانس خروجی: تا ۱۲۰ هرتز
 توان خروجی: تا ۱۰ مگاوات
 راندمان: حدود ۹۷٪
 ضریب قدرت ورودی: حدود ۹۷٪
 رژیم کاری: دائم کار
 روش خنک‌سازی: هواخنک / آب‌خنک
 دمای کاری: ۰ تا ۴۰ درجه سانتی‌گراد
 درجه حفاظت: IP21 تا IP42

ویژگی‌ها:

سازگاری با موتورهای قدیمی و جدید، طراحی ماژولار و با قابلیت اطمینان بالا، اختلال هارمونیکی پایین در جریان ورودی و ولتاژ خروجی، اینورتر پنج سطحی، یکسوساز ۲۴ پالس، رابط کاربری و ارتباطات صنعتی، فشرده و کم‌حجم

کاربردها:

صنایع نفت، گاز و پتروشیمی: پمپ‌ها، کمپرسورها، اکسترودرها، میکسرهای و دمنده‌ها
 صنایع معدنی از جمله صنعت سیمان: نقاله‌ها، آسیاب‌ها، بالابرهای معدن، پمپ‌ها و فن‌ها
 صنعت نیروگاهی: پمپ‌ها، فن‌ها، نقاله‌ها و آسیاب‌های غال سنگ
 صنعت آب و فاضلاب: پمپ‌ها
 صنعت حمل‌ونقل: الکتروموتورهای سیستم رانش قطارهای شهری و برون‌شهری و شناورهای کوچک
 صنایع فلزی: پمپ‌ها و فن‌ها
 صنعت کاغذ و پالپ: پمپ‌ها، فن‌ها، پالایشگرها (ریفاینرها)، پمپ‌های خال و خردکن‌ها
 سایر صنایع: تونل‌های باد و سامانه‌های تست

جهاد دانشگاهی علم و صنعت **JDEVS**

آدرس: تهران، نارمک، خیابان فرجام، خیابان شهید خیدر خانی،
 خیابان شهید ملک لو، شماره ۱۸۸-۱۹۰
 تلفن: ۷۷۴۵۷۵۸۱-۷۷۲۷۶۵۶۹-۷۷۴۹۹۹۴۰
 دورنگار: ۷۷۴۵۵۰۰۳

www.jdevs.com info@jdevs.com





دوراهبرد کلیدی برای نجات صنعت برق

صنعت برق ایران از آغاز روند توسعه داخلی آن تا رسیدن به بالاترین سهم در صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور، یکی از بخش‌های استراتژیک اقتصادی کشور بوده است که نه تنها زیرساخت رشد اقتصادی کشور را فراهم کرده است، بلکه با شکل‌دهی به همکاری بخش عمومی - خصوصی در احداث تأسیسات نیروگاهی و شبکه انتقال و توزیع نیروی برق، پیش‌تاز بسیاری از سازوکارهای نوآورانه در حکمرانی صنعتی و توسعه‌ای کشور بوده است.

صنعت برق علی‌رغم این سابقه افتخار انگیز در مشارکت بخش خصوصی و دولتی، بیش از یک دهه است که با چالش‌های اساسی و بنیادینی مواجه شده که نه تنها آن را از رشد پرشتاب گذشته، بازداشته اند، بلکه به ایجاد رکود مستمر داخلی و از دست دادن ظرفیت‌های رقابتی این صنعت در بازارهای منطقه‌ای و جهانی هم منجر شده‌اند. به نحوی که امروز شاهد «کسری بودجه ۵ هزار میلیارد تومانی» و «توقف بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای» آن هستیم.

اگرچه در طول سال‌های اخیر اقداماتی از جمله تصویب قانون حمایت از صنعت برق صورت پذیرفته و بخشی از مشکلات مالی آن از طریق تهاوردیون وزارت نیرو با واگذاری دارایی‌ها و بدهی‌های مالیاتی برطرف شده است اما به دلیل عدم اصلاح ساختاری و نهادی، ابرچالش اصلی صنعت برق از میان نرفته و همچنان مانع رشد و جهش آن شده است.

به همین دلیل امروزه اجماع بزرگی بین صاحب‌نظران، دولتمردان و فعالان بخش خصوصی برای رفع ابرچالش اقتصاد برق ایجاد شده که اصلاح اقتصاد صنعت برق را مهم‌ترین راهبرد توسعه‌ای این صنعت می‌داند. البته اصلاح اقتصاد برق محدود به تغییر قیمت حامل‌های انرژی نبوده و پیش از آن نیازمند اصلاحاتی ساختاری در نظام قیمت‌گذاری، حقوقی و قراردادی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری و تسویه مطالبات بخش خصوصی است. این اصلاحات باید به شکلی انجام شوند که جریان درآمد و هزینه‌های صنعت برق را متوازن کرده و روند سرمایه‌گذاری در این صنعت را صعودی کند.

اصلاح اقتصاد برق و ساختار قیمت‌گذاری این کالای استراتژیک بیش از هر چیز نیاز به عزم ملی و انسجام در همه نهادهای تصمیم ساز و موثر است. البته بی‌توجهی به اهمیت این موضوع هم بدون تردید روند افول صنعت برق را سرعت خواهد بخشید. نکته کلیدی و مهم دیگری که برای بازگرداندن صنعت برق به ریل توسعه باید مدنظر قرار گیرد این است که این صنعت بیش از هر زمان دیگری به جذب سرمایه برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای خود نیاز دارد. تخصیص «تسهیلات از محل منابع صندوق توسعه ملی»، «عرضه اوراق مشارکت و صکوک ارزی» و «پوشش ریسک‌های سرمایه‌گذاری» عواملی هستند که می‌توانند به گسترش فضای مالی طرح‌های عمرانی صنعت برق منجر شده و روند سرمایه‌گذاری در این صنعت را سرعت ببخشند.

موضوع مهم دیگری که در اقتصاد صنعت برق نیازمند توجه ویژه است تسویه بدهی‌های انباشته شده وزارت نیرو است؛ این بدهی‌ها، علاوه بر آن‌که بخش خصوصی این صنعت را تضعیف کرده، عملاً مانعی برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به صنعت شده است. علیرغم تلاش وزارت نیرو و پرداخت بخشی از

مطالبات شرکت‌های فعال صنعت برق، اما نباید فراموش کرد که ادامه روند فعلی، علاوه بر آن‌که موجب از دست رفتن ظرفیت‌های ملی تولیدی و صادراتی این صنعت که طی چند دهه بدست آمده است، می‌شود، به بیکاری هزاران نفر نیروی شاغل در این شرکت‌ها نیز منجر خواهد شد که می‌تواند عواقب اجتماعی گسترده‌ای در پی داشته باشد. تنها با ایجاد «انضباط مالی» در دستگاه‌های اجرایی جهت تسویه به موقع مطالبات بخش خصوصی، این مساله قابل حل خواهد بود و از این طریق می‌توان تا حدی به رفع بحران‌های مالی صنعت امید داشت.

صنعت برق البته در کنار بحران‌های مالی ناشی از اقتصاد نامتوازنش با چالش‌های جدی در نظام حقوقی و قراردادی خود نیز مواجه است. یک سوئیه بودن قراردادهای میان کارفرمایان دولتی و پیمانکاران بخش خصوصی یکی از پیامدهای این ساختار ناکارآمد است که زیان‌های ناشی از نوسانات اقتصادی و تغییر قوانین و مقررات را به بخش خصوصی تحمیل می‌کند. این مساله موجب توقف تعداد قابل توجهی از طرح‌ها در صنعت برق شده و کاهش پایداری شبکه به دلیل ضعف در بهینه‌سازی یا تکمیل خطوط و تجهیزات انتقال و توزیع را به دنبال داشته و در نهایت می‌تواند به بروز یا تشدید خاموشی‌ها منجر شود.

حل مشکلاتی که در ساختار حقوقی و قراردادی صنعت برق وجود دارد، بیش از هر چیز نیازمند تفکیک حکمرانی از تصدی‌گری، شفافیت و یکپارچه‌سازی ساختار حقوقی وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن و شفاف‌سازی نظام حکمرانی شرکت‌های توزیع است. همچنین ملزم کردن شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی برای «تبعیت از قرارداد تیپ» به شکلی که جبران هزینه‌های ناشی از تغییرات اقتصادی را منصفانه بین دو طرف تسهیم کرده و موجب وحدت رویه در تمامی قراردادهای فی مابین دولت و بخش خصوصی صنعت برق شود، مهم‌ترین مطالبه بخش خصوصی و البته کلیدی‌ترین راهبرد پیش رو برای جلوگیری از ایجاد موج تازه‌ای از قراردادهای متوقف است.

البته پیش از هر چیز صنعت برق برای تحقق جهش تولید، باید از سد قراردادهای متوقفی بگذرد که در ساختار کنونی نظام حقوقی و قراردادی صنعت برق، بلا تکلیف مانده‌اند.

امروز صنعت برق ایران در شرایط حساسی قرار گرفته که اگر اجماع ملی برای رفع چالش‌های آن شکل نگیرد، ظرفیت‌های خود را به شکل بازگشت ناپذیری از دست داده و ناگزیر خواهد شد همچون سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، برای رفع نیازهای خود و ساخت و ساز طرح‌های زیرساختی از مستشاران و شرکت‌های خارجی طلب یاری کند. نباید فراموش کنیم که اگر خوداتکایی که به واسطه مجاهدت چند دهه مدیران و متخصصان این صنعت ایجاد شده، از دست برود، کشور دچار خساراتی زیانبار، غیرقابل جبران و مخرب خواهد شد.

این صنعت نه تنها یک سرمایه ملی، بلکه زیرساختی گران‌بها برای توسعه پایدار، تأمین رفاه و امنیت جامعه است. بی‌توجهی به بحران‌های صنعت برق ابعادی به گستردگی ایران دارد، لذا در سالی که با نام جهش تولید نام‌گذاری شده، بیش از هر زمان دیگری باید این صنعت را جدی گرفت. ■

چهار سناریوی کسب و کارها در دوران پسا کرونا

معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران

شیوع کرونا بی شک بزرگترین سونامی در اقتصاد جهان بود. تخریب ها و هزینه های ایجاد شده برای بنگاه های اقتصادی در تمام کشورهای دنیا در کنار محدودیت، بلا تکلیفی و پیش بینی ناپذیر شدن اقتصاد و نهادهای تولید، عملاً جهان را با شرایطی جدید و بحرانی مواجه کرد.

در این میان بنگاه های اقتصادی در ایران با موجی به مراتب مخرب تر از پیامدهای کرونا مواجه هستند و عملاً اپیدمی کووید ۱۹ علاوه بر ایجاد مشکلات پرتعداد جدید، به مشکلات پیشین شرکت ها هم دامن زده است. آنچه که در این شرایط برای بقا و دوام بنگاه های اقتصادی صنعت برق از اهمیتی بسزا برخوردار است، استراتژی آنها در مواجهه با عوارض و پیامدهای شیوع بیماری کرونا است.

معاونت پژوهش و برنامه ریزی سندیکای صنعت برق ایران در نظرسنجی که از شرکت های بزرگ، متوسط و کوچک صنعت برق در حوزه ساخت تجهیزات، پیمانکاری، مهندسی مشاور و مهندسی بازرگانی انجام داده، استراتژیهای شرکت ها را در شرایط بیماری کرونا در حوزه زنجیره تامین صنعت برق بررسی کرده و در بخش دیگری از آن تجارب جهانی در این حوزه را عنوان کرده است. آنچه در پی می آید حاصل پژوهش و تحلیل این معاونت در خصوص استراتژیهای کسب و کارهای صنعت برق در مقابله با کرونا است.

مسائل و مخاطرات اقتصادی شرکتها در اثر شیوع ویروس کرونا

بر اساس بررسی های انجام شده مهمترین پیامدهای کرونا برای شرکت های فعال صنعت برق شامل موارد زیر بوده است:

۱. کاهش درآمد بنگاه های اقتصادی
۲. کمبود نقدینگی برای پرداخت حقوق کارکنان و تامین هزینه های تولید
۳. زیان ده شدن جریان مالی کسب و کار به دلیل افت درآمد ناشی از کاهش تقاضا
۴. افزایش هزینه های نیروی انسانی به دلیل محدودیت های ناشی از فاصله گذاری اجتماعی (دورکاری و کاهش ساعات کاری)
۵. کاهش بهره وری و افت تولید
۶. توقف پروژه ها و قراردادهای جاری
۷. الزام به پرداخت جریمه تاخیر در انجام کارها به دلیل سیاست های محدود سازی تردد و توقف فعالیت ها
۸. تعدیل و یا ترک نیروی کار

این بررسی ها همچنین نشان می دهد که موضوع «کاهش درآمد بنگاه ها» و «کمبود نقدینگی» مهم ترین مخاطرات اقتصادی شرکت های زنجیره تامین صنعت برق در شرایط کروناست.

بروز بحران هایی که گستردگی جهانی دارند، به نحوی بر مدیریت کسب و کارها اثر می گذارند که منجر به تغییرات دامنه دار و گسترده در سازماندهی و تصمیم گیری کسب و کارها می شوند. از این رو مدتی بعد از بروز بحران و گذشت شوک های اولیه، به تدریج موسسات مشاوره بین المللی مانند مکنزی و دلویی شروع به تحلیل آثار این بحران و ارائه پیشنهادهای به شرکتها برای مقابله با آن و مدیریت کسب و کارها در شرایط کرونا و پس از بحران ارائه کردند که می تواند برای شرکت های ایرانی نیز سودمند باشد

از این رو با مروری بر این گزارش ها و با نگاهی به مخاطرات شرکت های زنجیره تامین صنعت برق، مجموعه استراتژی های مواجهه با شرایط کرونا، در چهار بخش اصلی دسته بندی و ارائه شده است. استراتژی های مدیریت سرمایه انسانی، استراتژی های مدیریت مالی، استراتژی های مدیریت زنجیره تامین و استراتژی های مدیریت ارتباط با مشتریان. مهمترین راهبردهای کسب و کارهای صنعت برق در مواجهه با پیامدهای اپیدمی کووید ۱۹ محسوب می شوند.

استراتژی کسب و کارها در مواجهه با کرونا (تجارب جهانی)

راهکارهای به کار گرفته شده در شرکتها

- بنگاه های اقتصادی صنعت برق برای مواجهه با پیامدهای منفی شیوع بیماری کرونا در طول ماه های اخیر اقداماتی داشته اند که مهمترین آنها شامل موارد زیر است:
۱. اخذ تسهیلات کوتاه مدت به منظور حفظ توان مالی خود
 ۲. کاهش هزینه های سربار
 ۳. فراهم سازی شرایط دورکاری برای کارکنان
 ۴. استراتژی انقباضی در مدیریت نقدینگی
 ۵. اجرای سیاست های شیفت کاری و گردش کاری در میان کارکنان
 ۶. تعدیل نیروی کار
 ۷. تعطیلی موقت فعالیت واحد

البته گروهی از شرکت ها هم ترجیح دادند که فعالیت های خود را بر همان منوال قبل ادامه دهند. لازم به ذکر است که بر اساس نظرسنجی های صورت گرفته در سندیکای صنعت برق ایران «استراتژی انقباضی در مدیریت نقدینگی»، «کاهش هزینه سربار» و «سیاست های شیفت کار و گردش کاری» سه استراتژی اصلی شرکت های زنجیره تامین صنعت برق در مقابله با کرونا بوده که بیشترین مطلوبیت و بیشترین میزان اجرا را داشته است.

۱. تصمیم گیری (Resolve)

در شرایط بروز بحران، طرح هایی برای تداوم فعالیت ها و بقای کسب و کار و امنیت شغلی نیروی انسانی مورد نیاز است که باید تصمیمات مربوط به آن اتخاذ شود. به علاوه تصمیم گیری در مورد کاهش، افزایش و یا تداوم سطح تولید و نیز در رابطه با مقیاس و سرعت اقدامات ضروری است.

چالش اصلی بنگاه ها، حفظ نقدینگی و توانایی پرداخت بدهی های آنهاست که در حال حاضر در داخل کشور و در سطح بین المللی حمایت های دولت ها را می طلبد. اما به دلیل تردید در مقیاس این حمایت ها، مدت تداوم بحران، تغییرات GDP و سطح اشتغال ممکن است تدریجاً شاخص اعتماد کسب و کارها به این حمایت ها افت کرده و بحران سلامتی به بحران جدی مالی تبدیل شود. در این شرایط اصل مهم، انعطاف پذیری بنگاه به تغییرات است. همچنین اولویت بنگاه در شرایط تاب آوری و بقا، مدیریت و حفظ نقدینگی تا حد امکان و پرداخت بدهی های کوتاه مدت است.

۲. تاب آوری (Resilience)

فرایند مدیریت کسب و کارها در مقابله با کرونا بر اساس مدل مکنزی



۳ بازگشت (Return)

لازم است با استفاده از روش هایی مانند استخدام مجدد و آموزش نیروی انسانی، دستیابی به سطوح قبلی نیروی کار محقق شود. در این مسیر سرعت و مقیاس بازگشت و فعال کردن دوباره زنجیره تأمین حائز اهمیت است. به علاوه توقف موقتی گسترش و ویروس در فصل گرما، فرصتی برای توسعه امکانات و تجهیزات برای مقابله مجدد با این بیماری است.

استفاده گسترده از فناوری و تطبیق تکنولوژی (technology adoption) با هدف تسریع در یافتن راهکار برای تداوم گردش چرخ تولید در زمانی که مجدداً ممکن است دسترسی به نیروی کار محدود شود، لازم است. در این بین بدون شک بررسی تغییرات در رفتار مصرف‌کننده و الگوی مصرف و تطبیق تولید متناسب با آن ضرورت می‌یابد. در دوران بروز بیماری و بحران، نقاط ضعف و قسمت‌های آسیب‌پذیر در کسب و کار شناسایی شده است، برطرف کردن این کاستی‌ها و بالا بردن انعطاف و کارایی، فرصت‌های جدیدی برای ارتقا عملکرد کسب و کار به وجود خواهد آورد.

انتظار می‌رود بنگاه پس از کنترل بیماری و تصویرسازی دوباره از شرایط و نیز تطبیق تکنولوژی، به راهکارها و راه‌حلی دست پیدا کند که به واسطه آن کسب و کار را در مقابل شوک‌ها، تاب‌آورتر، مولدتر و توانمندتر سازد. پس از این تغییرات، لازم است خط‌مشی‌ها و مقررات بنگاه نیز متناسب با ساختار جدید تغییر یافته و اصلاح شود. همچنین ضروری است شرایط ارزیابی شده و اصلاحاتی برای پیش‌گیری از تکرار بحران‌ها یا به کارگیری دائم نوآوری لحاظ شود.

۵ اصلاح (Reform)

انطباق‌پذیری بنگاه‌ها با تغییرات ایجاد شده در پی هجمه مخرب شیوع بیماری کرونا در قالب چهار استراتژی قابل پیگیری و پیاده‌سازی است.

۱. استراتژی‌های مدیریت سرمایه انسانی و حفظ کارکنان
۲. استراتژی‌های مدیریت مالی
۳. استراتژی‌های مدیریت ارتباط با مشتریان
۴. استراتژی‌های مدیریت زنجیره تأمین

استراتژی‌های مدیریت سرمایه انسانی و حفظ کارکنان

یکی از مهمترین وظایف مدیران در مواجهه با بحران کرونا توجه به اقدامات پیشگیرانه و حمایتی با هدف ایجاد توان محیط کار ایمن و سالم است. از یک سو حمایت از کارکنان در این شرایط بر تعهد بلندمدت کارکنان تاثیر مثبت دارد و از سوی دیگر از دست دادن نیروی کار پرمهارت، به سادگی قابل جبران نخواهد بود. لذا مهمترین اقداماتی که باید از سوی کسب و کارها برای حفظ سرمایه‌های انسانی صورت پذیرد، شامل موارد زیر است:

۱. آشنا کردن نیروی کار با علائم بیماری و پیشگیری از ابتلا به آن و تقویت پروتکل‌های غربالگری و ممنوعیت حضور سرکار برای افراد مشکوک
۲. تأمین اقلام بهداشتی مانند دستکش ایمنی و ماسک به کارکنان
۳. اعطای مرخصی تشویقی به کارکنان با بیماری‌های زمینه‌ای
۴. آمادگی برای غیبت کارکنان (بیماران، افراد دارای علائم مشکوک، افراد بچه‌دار در زمان تعطیلی مدارس و قرنطینه اجباری)
۵. بررسی امکان دورکاری و تعیین معیارهای ارزیابی عملکرد کارکنان در دوره دورکاری و تنظیم برنامه کاری انعطاف‌پذیر مانند شیفتی و تغییر در ساعات کاری
۶. محدود کردن سفرهای غیرضروری و ماموریت‌ها و برگزاری جلسات به صورت ویدیو کنفرانس
۷. تقویت سیستم‌های شبکه و ایجاد زیرساخت لازم و پشتیبانی برای سهولت در دورکاری
۸. برنامه‌ریزی برای جانشینی سمت‌های کلیدی که به دلیل قرنطینه یا بیماری در دسترس نمی‌باشند.
۹. فراهم کردن شرایط فاصله‌گذاری در محیط کار متناسب با نوع فعالیت و میزان استفاده از ماشین‌آلات
۱۰. بکارگیری اقدامات ابتکاری برای حفظ کارکنان به جای تعدیل نیرو مانند اولویت‌گذاری در پرداخت حقوق پرسنل و کاهش پرداخت مزایا به صورت موقت.

مدیریت هوشمند مالی در دوره بحران کرونا می‌تواند بقای کسب و کار را تضمین کند چرا که از یک سو با کاهش تقاضا و در نتیجه کاهش فروش کالا و خدمات، منابع ورودی نقدینگی کاهش یافته است و از سوی دیگر به دلیل فشار مالی بر تقاضاکنندگان، شرایط خرید نقدی آنها محدود شده و پرداخت‌ها با تاخیر انجام می‌شود. لذا هر بنگاه باید با برنامه‌ریزی دقیق علاوه بر تلاش برای حفظ نقدینگی، بکوشد منابع نقدی خود را با استفاده از منابع داخلی (تسریع در وصول مطالبات و تاخیر در پرداخت بدهی‌ها) و منابع خارجی (تسهیلات و تأمین مالی) افزایش دهد. به همین منظور فعالان صنعت برق باید برنامه‌های لازم برای انجام اقدامات زیر را پی‌ریزی کنند:

۱. برنامه‌ریزی برای مدیریت و حفظ نقدینگی در اسرع وقت و تمرکز بر جریان نقدی ورودی و حفظ نقدینگی
۲. تهیه جدول زمانبندی تسویه بدهی و تعهدات شرکت
۳. تمرکز بر جمع‌آوری حساب‌های دریافتی و وصول مطالبات
۴. استمهال بدهی‌ها و حساب‌های پرداختی خصوصاً برای بنگاه‌های کوچک و متوسط
۵. استفاده از شرایط فورس‌ماژور در قراردادهای جاری
۶. به تعویق انداختن سرمایه‌گذاری در پروژه‌های غیرضروری و توقف موقتی اجرای پروژه‌های بلندمدت و در مقابل تخصیص منابع به پروژه‌های زودبازده
۷. کاهش هزینه‌های جاری تا حد امکان و کنترل هزینه‌های نیروی انسانی
۸. تزریق نقدینگی از خارج بنگاه مانند بررسی گزینه‌های دریافت تسهیلات و تأمین اعتبار و نیز بررسی راهکارهای تأمین مالی با استفاده از ابزارهای بازار سرمایه

روش‌های انطباق‌پذیری بنگاه با تغییرات ناشی از ویروس کرونا

استراتژی‌های مدیریت مالی در شرایط کرونا

استراتژی‌های مدیریت ارتباط با مشتریان در شرایط کرونا

یکی از روش‌های انطباق بنگاه با تغییرات ناشی از شیوع ویروس کرونا، حفظ و تقویت ارتباط با مشتریان و تلاش برای حفظ سهم بازار است. برای دستیابی به این مهم راهکارهایی پیشنهاد شده است. این راهکارها که ذیلاً به آنها اشاره شده است، بر محورهای مدیریت تقاضا، همگام‌سازی عرضه و تقاضا، اولویت‌بندی مشتریان و تلاش برای حفظ سهم بازار استوار است.

۱. بررسی اثرات کرونا بر تقاضای کالا و خدمات بنگاه و سپس به روزرسانی برنامه‌های کسب و کار و برنامه‌ریزی تأمین و تولید بر اساس آن
۲. ایجاد استراتژی‌های همگام‌سازی کوتاه‌مدت عرضه و تقاضا. در شرایط شیوع کرونا، فشار وارده بر سمت تقاضا زیاد است. لذا باید تصمیم‌گیری نمود که با چه روش‌هایی می‌توان تقاضا را تحریک کرد، در غیر این صورت عرضه باید متناسب با تقاضا تغییر یابد
۳. استفاده از زیرساخت‌های آنلاین و تجارت الکترونیک برای ارائه خدمات و حفظ و تقویت ارتباط با مشتریان
۴. تعیین گزینه‌های لجستیک به دلیل آلودگی و مسدودی راه‌های ارتباطی بین شهرها و کشورها
۵. حفظ موجودی محصول در انبار متناسب با ظرفیت مورد تعهد. چراکه عرضه ممکن است به دلیل محدودیت دستیابی به مواد اولیه دچار کمبود شود. در این صورت استراتژی برای عرضه محصول مورد نیاز است که طبق آن مشتریان جهت دریافت کالا و خدمات، اولویت‌بندی شوند.
۶. تلاش جهت حفظ سهم بازار از طریق انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری و شیوه‌های پرداخت
۷. مشارکت با سایر بنگاه‌های فعال در صنعت برق جهت بازاریابی و فروش
۸. تقویت ناوگان توزیع محصولات
۹. رصد اقدامات رقبا و استفاده از راهکارهای خلاقانه مورد استفاده توسط بنگاه‌ها با فعالیت مشابه در سطح بین‌الملل

به دلیل افت تولید در داخل و خارج از ایران، محدودیت جابجایی بین شهرها و کشورها، تعطیلی شبکه توزیع و حمل و نقل، مسدود شدن راه‌های ارتباطی زمینی و هوایی و دریایی و سایر موارد مشابه، مشکلات زیادی در زنجیره تأمین کسب و کارها بوجود آمده است. لذا برای انطباق بنگاه با این تغییرات، لازم است ریسک زنجیره تأمین از طریق روش‌هایی مانند استفاده از استراتژی ترکیبی و یا تغییر ساختار زنجیره تأمین تقلیل یافته و انعطاف‌پذیری بنگاه نیز در تأمین مواد اولیه و تدارکات و حمل و نقل افزایش یابد. همچنین برای حفظ سطح تولید نیاز است که علاوه بر دسترسی به موقع به اطلاعات، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی تولید در نهایت سرعت و چالاکی صورت پذیرد. در این راستا انجام اقدامات زیر ضروری است:

۱. تجهیز بنگاه به مدیریت ریسک زنجیره تأمین جهت کاهش مخاطرات و بازاریابی زنجیره تأمین در شرایط غیر مترقبه
۲. چندمنبعه کردن تهیه مواد اولیه کلیدی و استفاده از استراتژی ترکیبی برای عدم وابستگی به یک تأمین‌کننده و یا منطقه جغرافیایی خاص. در راستای افزایش انعطاف تولید، شناسایی مواد اولیه جایگزین نیز در مواردی که امکان آن وجود داشته باشد به عنوان یک راه حل مطرح است.
۳. ایجاد روابط مستحکم با عرضه‌کنندگان کلیدی جهت حفظ اولویت، در مواقعی که عرضه‌کننده با محدودیت عرضه مواجه شده و تصمیم به حذف گروهی از مشتریان می‌گیرد.
۴. تحت نظر داشتن کل شبکه عرضه اقلام کلیدی به صورت شبکه تأمین گسترده، سپس شناسایی و انتخاب سایر عرضه‌کنندگان به ترتیب اولویت، ایجاد و تداوم ارتباط با عرضه‌کنندگان منتخب جهت جایگزینی در مواقع ضروری که همه این تلاش‌ها بنگاه را در تأمین مواد اولیه انعطاف‌پذیر می‌سازد.

استراتژی‌های مدیریت زنجیره تأمین در شرایط کرونا

۱. تعیین گزینه‌های لجستیک به دلیل آلودگی و مسدودی راه‌های ارتباطی بین شهرها و کشورها
۲. حفظ موجودی محصول در انبار متناسب با ظرفیت مورد تعهد. چراکه عرضه ممکن است به دلیل محدودیت دستیابی به مواد اولیه دچار کمبود شود. در این صورت استراتژی برای عرضه محصول مورد نیاز است که طبق آن مشتریان جهت دریافت کالا و خدمات، اولویت‌بندی شوند.
۳. تلاش جهت حفظ سهم بازار از طریق انعطاف‌پذیری در قیمت‌گذاری و شیوه‌های پرداخت
۴. مشارکت با سایر بنگاه‌های فعال در صنعت برق جهت بازاریابی و فروش
۵. تقویت ناوگان توزیع محصولات
۶. رصد اقدامات رقبا و استفاده از راهکارهای خلاقانه مورد استفاده توسط بنگاه‌ها با فعالیت مشابه در سطح بین‌الملل

سناریوهای کسب و کارها در دوران پس از کرونا

۵. شناخت شرایط و بررسی و تمرکز بر ریسک‌های تأمین‌کنندگان اصلی این امکان را به بنگاه می‌دهد که در صورت بروز مشکل برای تأمین‌کننده، از انتقال آن به کسب و کار خود پیشگیری کند. در این خصوص لازم است علاوه بر مخاطرات تأمین‌کنندگان، توانایی‌ها، نوآوری‌ها، کارایی و تولید آن‌ها در شرایط شیوع کرونا تحت نظر و بررسی باشد.
۶. ارزیابی گزینه‌های جایگزین خصوصاً در تدارکات و حمل و نقل از دیگر موارد حائز اهمیت است.
۷. به روزرسانی خط‌مشی‌داری‌ها و تلاش برای حفظ سطح موجودی انبار در مقدار قابل قبول از دیگر راهکارهایی است که به بنگاه‌ها کمک می‌کند سطح تولید خود را متناسب با تقاضا حفظ نمایند. در کنار این اقدام، ایجاد داشبورد مدیریتی جهت دید کامل به وضعیت بنگاه و دسترسی به موقع به اطلاعات، تصمیم‌گیری مدیران بنگاه را تسریع خواهد کرد. بدیهی است پس از دسترسی به موقع به اطلاعات و تصمیم‌گیری صحیح، چالاکی در برنامه‌ریزی تولیدی در صورت بروز کمبودها خصوصاً در کوتاه‌مدت ضروری است.
۸. تغییر شکل و ساختار زنجیره تأمین از مدل خطی به شبکه‌ای که بنگاه را به کل زنجیره تأمین متصل می‌کند، راهکار دیگری است که در برخی بنگاه‌ها در صنعت برق قابلیت پیاده‌سازی دارد.
۹. تشکیل تیم اقدام مشترک با سایر بنگاه‌های تقاضاکننده اقلام مشابه جهت مقابله با بحران زنجیره تأمین روش دیگری است که توسط برخی بنگاه‌ها در بروز بحران مورد استفاده قرار گرفته است.

۱. بدون تردید جهان پساکرونا شرایطی کاملاً متفاوت با امروز خواهد داشت و بقای کسب و کارها در دوران پس از این بیماری هم مستلزم پیش‌بینی اقدامات و برنامه‌های مناسب است. یکی از مهمترین سناریوهای قابل پیش‌بینی برای شرکت‌ها بازگشت به وضعیت قبلی است. این دست از بنگاه‌های اقتصادی بر حمایت از کارکنان، تحکیم روابط با مشتری و تأمین‌کننده و بهره‌وری عملیاتی متمرکز شده‌اند.

۲. دومین سناریو مربوط به شرکت‌هایی است که دچار تغییرات ساختاری می‌شوند. این تغییرات عمدتاً ناشی از تغییرات زنجیره تأمین بوده و شرکت‌ها را به گونه‌ای هدایت می‌کند که به منظور ارتقاء جایگاه در شرایط رقابتی، بر مدیریت هزینه‌ها متمرکز شوند.

۳. سومین سناریو بر پایه افزایش تقاضای پی‌ریزی شده است. در این سناریو شرکت‌ها بر انعطاف‌پذیری و تغییر در روش‌های کسب و کار و الگوهای مصرف متمرکز شده و می‌توانند تقاضای جدید ناشی از تغییرات در الگوهای مصرف را جذب کنند.

۴. خارج شدگان از مسیر قبلی کسب و کار هم بنیان‌های چهارمین سناریو هستند که بر اساس آن شرکت‌ها ضمن اینکه با بیشترین چالش‌ها مواجه خواهند شد، به کندی در مسیر بازگشت، تصویرسازی دوباره و اصلاح قدم برداشته و ناگزیر متحمل زیان‌های ناشی از تغییرات اساسی در شبکه توزیع و رفتار مشتریان خواهند شد. ■

پازل

سرمایه

نقدینگی

{

}

بازارهای

بحران

و

اقتصاد بیمار و ناکارآمد برق، نه یک چالش صنفی بلکه یک مساله ملی است که متاسفانه به نظر می رسد، سیاست‌گذاران، هنوز هم به پیامدها و عوارض آن نگاهی جدی ندارند. تنها یکی از اصلی‌ترین عواقب این اقتصاد بیمار، کسری چنددهزار میلیارد تومانی بودجه در وزارت نیرو است. این کمبود نقدینگی علاوه بر ایجاد بدهی‌های انباشته شده برای این وزارتخانه، عقب ماندن صنعت برق از سرمایه‌گذاری‌ها، برنامه‌های توسعه‌ای پیش‌بینی‌شده و رکود را در پی داشته است. این مشکلات در زنجیره تامین صنعت برق، شرکت‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی زیادی را متضرر کرده که البته سهم بخش خصوصی واقعی از این زیان‌ها بیش از سایر بخش‌هاست. آنچه که نمی‌توان و نباید از نظر دور داشت این است که در شرایط حاضر با وجود گستردگی تحریم‌ها، کمبود شدید نقدینگی در دولت و نوسانات بی‌سابقه اقتصادی، شاید نتوان به تامین مالی از سوی دستگاه‌های اجرایی دولتی امید چندانی داشت. لذا فعالان بخش خصوصی صنعت برق برای بازگشت به ریل توسعه و عبور از بحران مخرب نقدینگی چاره‌ای جز بهره‌گیری از سایر ابزارهای مالی از جمله بازارهای پول و سرمایه را ندارند. در این شماره از نشریه ستبران، چالش‌ها و مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی و موانع پیش‌روی فعالان صنعت برق برای ورود به بازارهای سرمایه و میزان اثر بخشی این بازارها، به تفصیل، در این پرونده با عنوان «پازل بحران نقدینگی و بازارهای سرمایه» نقد و بررسی شده است.



علی‌بخشی | رئیس هیات‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران

کمبود نقدینگی؛ باشنه آتشیل صنعت برق

حال و احوال این روزهای اقتصاد، بیشتر شبیه یک کابوس تمام‌نشدنی است. جولان کرونا و قربانیانی که از مرز ۱۵۰ نفر در روز گذشته اند، دلار بالای ۲۰ هزار تومان، نابسامانی بی‌سابقه بازار و تورم افسارگسیخته، همگی در کنار هم اقتصاد ایران را گرفتار مهممه‌ای پرآشوب کرده‌اند که عملاً کمتر کسی از آسیب‌هایش در امان می‌ماند.

البته برخی از صنایع پیش از کرونا عملاً روزگار را به سختی می‌گذراندند که صنعت برق یکی از اصلی‌ترین آنهاست. اگرچه بازگویی نقش این صنعت در پیشبرد توسعه پایدار اقتصادی و صنعتی، تامین امنیت و رفاه، اشتغالزایی و همچنین افزایش صادرات فنی و مهندسی، تکرار مکررات است، اما به هر حال نمی‌توان این مساله را نادیده انگاشت که این ظرفیت، حاصل تلاش هماهنگ و مشارکت طلبانه وزارت نیرو و بخش خصوصی است و نباید اجازه داد که امروز به هر دلیلی از بین برود.

این صنعت قرار بود در افاق ۱۴۰۴، میزان صادراتش را تا ۲۰ میلیارد دلار افزایش داده و با اتکا به ظرفیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک کشور به هاب انرژی منطقه تبدیل شود، اما آنچه که امروز یعنی تنها ۵ سال مانده به پایان چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نصیبش شده، صادراتی کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار در بخش خدمات فنی و مهندسی است که البته برای انتقال همین میزان پول هم با مصائب بسیاری دست به گریبان است.

صنعتی که دستیابی‌اش به خودکفایی تا همین چند سال پیش یکی از افتخارات ملی بود، امروز به دلایل مختلف به ویژه رکود و کمبود نقدینگی برای حفظ بقای خود در حال مبارزه است. به جرات می‌توان اقتصاد نامتوازن و قیمت‌گذاری نادرست برق را یکی از مهمترین عوامل تضعیف صنعت برق در طول این سال‌ها دانست.

حالا اما در روزهای سختی که دوباره بخشی از محدودیت‌ها به دلیل پیک دوم همه‌گیری کرونا اعمال شده، هزینه‌های مربوط به حفظ سلامت کارکنان به یکی از هزینه‌های ثابت شرکت‌ها بدل شده، دلار در میانه مرز ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان همه قیمت‌ها را شکسته و ارزش پول ملی به پایین‌ترین سطح خود رسیده، سرپا نگه داشتن کسب و کارهای صنعت برق فقط با اقدامات مشارکت‌جویانه‌ای که براساس منافع ملی صورت می‌گیرند، امکان‌پذیر است.

البته وزارت نیرو در اوج همین بحران‌های کنونی، تلاش کرد با پرداخت نیمی از مطالبات شرکت‌های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین‌کننده از فروپاشی آنها جلوگیری کرده و زمینه را برای حفظ آنها فراهم آورد. همچنین ایجاد ساختارهای قانونی لازم برای جلوگیری از هرگونه اقدام قراردادی در شرایطی که قراردادها عملاً به دلیل نوسانات شدید قیمت‌ها و شیوع کرونا بلا تکلیف مانده‌اند، هم یکی دیگر از اقدامات وزارت نیرو در راستای حفظ ظرفیت‌های بخش خصوصی این صنعت در حوزه ساخت و پیمانکاری است.

اما تأثیرگذاری این اقدامات عملادر گرو اصلاحات عمیق در ساختار تعرفه‌گذاری و در بخشی کلان‌تر در حوزه اقتصاد برق است. کمبود نقدینگی صنعت برق، بیش از هر چیز زاینده سیستم نامتوازنی است که برق را به عنوان یک خدمت عمومی ارائه می‌دهد، در شرایطی که وزارت

نیرو و سایر بازیگران این صنعت، برق را در ساختارهای روشن اقتصادی با هزینه تولید، قیمت تمام‌شده و انتظار سود مشخص تولید می‌کنند. این تفاوت‌نگرش، به ایجاد یک فاصله بزرگ و زیانبار به نام مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق منجر شده است. هر چند مدت‌هاست دولت توان‌تامین نقدینگی مورد نیاز برای پرداخت این مابه‌التفاوت به وزارت نیرو را ندارد. در نهایت در بخش‌های پایین‌دستی، این شرکت‌های سازنده و پیمانکار هستند که بار این کسری بودجه را با اخذ تسهیلات گران‌قیمت و تامین سرمایه پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای این صنعت بردوش می‌کشند.

نگاهی به شرایط کلی صنعت برق نشان می‌دهد که تعرفه‌گذاری یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ناشی از اقتصاد نامتوازن این صنعت است. در شرایطی که کمبود نقدینگی و کسری بودجه به یک ابرچالش بزرگ برای صنعت برق بدل شده، برق با قیمتی بسیار پایین به صنایعی عرضه می‌شود که علاوه بر پرمصرف بودن، به دلیل برخورداری از یارانه‌های پنهان انرژی و بهره‌برداری از منابع طبیعی، از سود قابل توجهی نیز برخوردارند. بنابراین یکی از راهکارهای مشخص برای حفظ شرکت‌های سازنده، پیمانکار، مشاور و تامین‌کننده صنعت برق با در نظر گرفتن توان فعلی دولت و وزارت نیرو، در کوتاه یا شاید میان‌مدت حذف برخی از یارانه‌های برق به ویژه برای صنایع بالادستی است. این دست از صنایع که عمدتاً جزو پرمصرف‌ها دسته‌بندی می‌شوند، از یارانه قابل توجهی در برق، آب و سوخت مصرفی خود برخوردارند، سود سرشاری از محل فروش محصولاتشان به دست می‌آورند اما حاضر نیستند شرایط و قیمت فروش محصولاتشان که مواد اولیه صنایع ساخت محوری مانند برق محسوب می‌شوند را برای تولیدکنندگان داخلی کاهش دهند. عرضه برق ارزان قیمت و یارانه‌ای به صنایع پرمصرف با سودآوری بالا یکی از عوامل ایجاد کسری بودجه در وزارت نیرو است که حل آن هم چندان دشوار به نظر نمی‌رسد.

واقعیت این است که با وجود ابعاد گسترده تحریم‌ها و اقتصاد بی‌ثبات کشور، این صنعت نمی‌تواند امید چندانی به جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی داشته باشد. لذا برای حفظ بقای خود ضروری است که برخی از ساختارهای کلی نظیر یارانه‌ها را تا اندازه‌ای سامان ببخشد. در این میان البته تلاش دولت برای پرداخت مطالبات این وزارتخانه از محل مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و تکلیفی برق هم بدون تردید یک راه حل بسیار موثر است. همچنین دولت می‌تواند برای نجات این صنعت، با افزایش منطقی تعرفه برق صنایع پرمصرف و کاستن از حاشیه سود قابل توجه آنها، تا حدی به این صنعت کمک کند.

فعالان و مدیران صنعت برق فارغ از دولتی یا خصوصی بودن، اعضای یک خانواده بزرگ هستند که تلاش‌چهل‌ساله دوشادوش آنها، ثمره‌ای به بزرگی یک صنعت خودکفا، توسعه‌زا و صادرات‌محور بوده است. بنابراین حفظ این دستاورد بزرگ در آوردگاه دشوار امروز، نیاز به تصمیماتی فرابخشی و ملی دارد که با چاشنی شجاعت و وطن‌پرستی اتخاذ شوند. ■



علیرضا کلاهی

نایب‌رئیس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

تولید

کشور در بطن یک بحران بزرگ نقدینگی گرفتار شده است. تا چند سال پیش این بحران بیشتر دامنگیر صنایع زیرساختی و وزارتخانه هایی بود که به دلیل ارائه خدمات عمومی و کالاها و خدمات استراتژیکی نظیر برق گرفتار اقتصادی نامتوازن بودند. امروز اما کسری بودجه و کمبود نقدینگی آفت‌در ابعاد وسیعی پیدا کرده که عملاً هر نوع هزینه تراشی برای دولت به یک بحران تازه تبدیل می‌شود.

افزایش تحریم ها و ناکامی ایران در صدور نفت در کنار شیوع بیماری کرونا و سقوط بی سابقه و تاریخی قیمت نفت، همگی دست به دست هم داده تا کمبود نقدینگی بی سابقه ای را در کشور رقم بزنند. اگرچه این کسری بودجه در صنایع زیرساختی با ابعادی گسترده تر خودنمایی می‌کند، اما به هر حال همه صنایع و بخش های اقتصادی به نحوی از این عارضه آسیب می‌بینند.

آنچه امروز در بستر اقتصاد کلان کشور در حال رخ دادن است، خبر از کسری بودجه ای معادل نیمی از بودجه سالانه به دلیل افزایش هزینه‌های دولت در مقابله با کرونا، کاهش درآمدهای نفتی به دلیل تحریم، فشار بر تراز پرداخت ها و افت قابل توجه ذخایر ارزی و رشد بالای نقدینگی ناشی از آزاد سازی ذخایر قانونی می‌دهد. البته بدون شک افزایش پایه پولی به دلیل کسری بودجه، انتظارات تورمی بالا به دلیل مشکلات مالی دولت و افزایش نوسانات در بازارهای مالی به دلیل یادگیری های ایجاد شده هم در ایجاد این نگرانی جدی در خصوص کمبود نقدینگی در کشور بی‌تأثیر نبوده است.

حالا در این شرایط بحرانی باید به دنبال راهکاری برای حفظ ظرفیت های موجود بود. البته در کنار تدوین راهکارهای عملیاتی برای تغییر پارادایم ها و برون رفت از شرایط حاضر، ارائه راهبردهایی برای نجات صنایع و فعالان اقتصادی از باتلاق مشکلات پرتعداد در تامین نقدینگی است.

بررسی متغیرهای کلان اقتصاد ایران نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۸ میزان نقدینگی در کشور ۲۲.۸ درصد و تورم ۲۰.۷ رشد داشته، این در حالی است که تولید ناخالص داخلی در همین مدت تنها ۲.۵۶ رشد داشته است. این متغیرهای نامتوازن در نهایت به ایجاد بی‌ثباتی و تلاطمات شدید مالی منجر شده است. اما آنچه در این شرایط به جذابیت بازار سرمایه کمک کرده و استفاده از آن را به عنوان یک راهبرد پیش روی ما قرار می‌دهد، افزایش رشد پایه پولی به موازات کاهش نرخ سود در سیستم بانکی بوده است. در خصوص چرایی رشد بازارهای سرمایه باید گفت که بازدهی بالاتر بازار سرمایه نسبت به بازارهای موازی مهمترین و موثرترین دلیل آن محسوب می‌شود. همچنین نبود فرصت مناسب در بازارهای موازی، رکود اقتصادی، فاصله گذاری اجتماعی، حمایت دولت و معاملات شفاف با نقد شوندگی بالا هم از جمله دیگر عواملی هستند که سرمایه ها را به سمت بازار سهام سوق دادند. در این میان تنوع صنایع قابل سرمایه گذاری، هزینه معاملاتی و مالیاتی پایین، امکان ورود با سرمایه اندک و سابقه تاریخی بازار سرمایه هم در این رشد بی‌تأثیر نبوده‌اند.

واقعیت این است که بازار سرمایه همواره بازدهی بیشتری نسبت به سایر بازارها داشته، اما فاصله این بازارها در سال ۹۹ بسیار شدیدتر شده است. آمارها نشان می‌دهد که میزان بازدهی بورس در سال ۹۹ رقمی بالای ۹۹ درصد بوده، این در حالی است که میزان بازدهی ارز ۱۰ درصد، سکه ۲۱

درصد و مسکن منفی ۲.۱ درصد بوده است.

این اعداد و ارقام به درستی نشان می‌دهند بازار سرمایه علاوه بر اینکه از بروز تلاطمات خسارت بار نظیر آنچه که در حوزه سکه، طلا و مسکن ایجاد شد، جلوگیری می‌کند، بلکه یک فضای مناسب و موثر برای جذب سرمایه‌های سرگردان و ایجاد سود مناسب برای آنهاست.

بازارهای سرمایه حتی در شرایط کنونی که شیوع بیماری کرونا تمامی معادلات اقتصادی را برهم ریخته و به ایجاد زیان افزوده برای فعالان صنعتی منجر شده هم باب تازه ای برای توسعه گشوده‌اند. در حقیقت اپیدمی کووید ۱۹ که در غالب موارد تعطیلی و خسارت برای صنایع و بازیگران اقتصادی به دنبال داشته، به دلیل کاهش تقاضای معاملاتی پول به دلیل محدودیت در معاملات بازار محصول و بازار مسکن، در بازار سرمایه به جذب بازیگران جدید با سرمایه‌های خرد منجر شد.

به علاوه در دوران شیوع کرونا و همزمانی آن با مخارج اول سال خانوارها، سرمایه‌های خرد و معطل خانوارها به بازار بورس منتقل شد و سرمایه‌گذاری در بازارهای موازی کاهش یافت. البته بدون تردید تبلیغ بازدهی بازار سرمایه و اعلام پشتیبانی دولت هم در استقبال مردم از این حوزه بی‌تأثیر نبوده است.

البته بدون شک رشد بازارهای سرمایه با تهدیدهایی نظیر ضعف اقتصاد در جذب سرمایه های ایجاد شده در بازار سهام و احتمال انتقال آنها به سایر بازارها و اثرات تورمی متعاقب آن و یا احتمال کند شدن رشد بازار سرمایه تا پیش از اوج گیری مجدد آن پس از افزایش نرخ ارز و حمایت‌های ناکارآمد دولت از بازار سرمایه مواجه خواهد بود. اما به هر حال می‌تواند نوسانات بازار سرمایه و سایر بازارهای موازی را با استفاده از ابزارهای مختلف مالی کنترل و مدیریت کرد.

مهمترین راهکارهای پیش رو برای مواجهه با این تهدیدها، انتشار اوراق و فروش سهام، تامین کسری بودجه، جذب بخشی از نقدینگی در دست عوامل اقتصادی و نیز جلوگیری از انتشار بی‌رویه پایه پولی و نقدینگی است.

بازارهای مالی علاوه بر اینکه به فرآیند تشکیل سرمایه کمک می‌کنند، قادرند ریسک ها را بین متقاضیان و دارندگان وجوه توزیع کرده و از طریق ایجاد روابط متقابل خریدار و فروشنده، قیمتی عادلانه تعیین کنند. ایجاد بازار ثانویه برای معاملات اوراق بهادار، کاهش هزینه معاملات و تخصیص سرمایه های موجود در جامعه به بخش هایی از صنایع و خدمات دارای مزیت نسبی هم از دیگر کارکردهای بازار سرمایه محسوب می‌شوند.

واقعیت این است که در روزهای سخت کمبود نقدینگی و در سالی که با عنوان جهش تولید نامگذاری شده، بازارهای سرمایه مفری مناسب و امن برای نجات صنایع و تامین نقدینگی آنها محسوب می‌شود. در حقیقت جهش تولید زمانی امکان پذیر خواهد بود که صنایع قادر به تامین نقدینگی مورد نیاز و ظرفیت سازی مضاعف از طریق بورس باشند. در این شرایط اصلی ترین راهکار پیش رو برای محافظت از تولید در برابر هجمه بی‌سابقه چالش های مالی، هدایت سرمایه های خرد به سمت صنایع در بستری شفاف و رقابت پذیر است و لازم است که دولت برنامه‌هایی کاربردی به منظور بهبود شرایط بورس، زمینه سازی برای جذب سرمایه‌های سرگردان و ایجاد بسترهای لازم جهت تامین سرمایه برای صنایع پی‌ریزی کند. ■

آیا بازارهای سرمایه، امکان تامین مالی صنایع به ویژه بخش‌های زیرساختی و حوزه برق و انرژی را فراهم می‌کند؟

آیا شرکت‌های کوچک و متوسط از راه فرابورس هم می‌توانند برای تامین مالی برنامه ریزی کنند؟

مهم‌ترین مزایا و مخاطرات استفاده از ابزارهای سرمایه در مقایسه با نظام بانکی، برای تامین مالی بخش‌های اقتصادی و به‌طور ویژه پروژه‌های زیرساختی چیست؟

واحدهای صنعتی به‌ویژه صنایع برق اگر بتوانند در بازار سرمایه که امروز بسیار داغ است سهام ارائه کرده و افزایش سرمایه داشته باشند، این کار به راحتی میسر است؛ مشروط بر اینکه صورت‌های مالی سه سال گذشته آنها از سلامت لازم برخوردار باشند و ساختارها و نظام‌های مالی خود را اصلاح کنند.

شرکت‌ها از این طریق وارد بورس می‌شوند و در مسئله معامله سهام، سریع می‌توانند نقدینگی به دست بیاورند. به‌خصوص الان که ما نمی‌دانیم این شرایط و بحران اقتصادی تا چه زمانی ادامه خواهد یافت. به گمان من اگر بنگاه‌های صنعت برق و سایر صنایع خود را آماده کنند تا وارد بورس شده و سهام‌شان را در آن عرضه کنند، به روشی سالم و فوری برای تامین نقدینگی دست یافته‌اند.

بورس و فرابورس جز مسئله ی حجم معاملات و حجم ارقام و گردش مالی‌شان (turn over) تفاوت دیگری ندارد. از طریق فرابورس اگر بخواهیم به صورت یک سیر تکاملی به ان نگاه کنیم شرکت‌های صنعتی، تولیدی و بازرگانی با فرابورس آغاز کنند و بعد وارد بورس شوند ای بسا مشکل‌شان در فرابورس حل شود و برای ورود به بورس مشکل جدی نداشته باشند.

اگر شما از طریق سیستم بازارهای پول عمل کنید در یک زمان معینی مجبور هستید اصل پولی را که به صورت وام دریافت کرده‌اید به علاوه سود آن پرداخت کنید. اگر هم در بازار سرمایه وارد شوید و اجازه انتشار اوراق مشارکت داشته باشید مخاطره‌اش این است که باید در راس مهلت این پول را بازپرداخت کنید؛ ولیکن اگر از طریق افزایش سرمایه و فروش سهم عمل کنید برای پرداخت به‌موقع، الزامی ندارید و هر وقت سود داشتید می‌توانید توزیع کنید. البته یک مخاطره این اقدام هم این است که مالکیت برای سهامداران رقیق می‌شود؛ یعنی اگر شما بخواهید در یک شرکت SME این روش تامین مالی را دنبال کنید ممکن است تعداد سهامداران را زیاد کنید. در چنین شرایطی طبیعتا تعداد اعضای هیئت مدیره افزایش می‌یابد؛ ولی به هر حال ما باید یاد بگیریم که این اتفاق رخ دهد.

یعنی SMEها بایستی حاضر شوند با ارائه سهام در فرابورس مالکیت خود را تا حدی رقیق کنند؛ البته این اتفاق به این سرعت رخ نمی‌دهد اما مالکان این شرکت‌ها به هر حال باید بپذیرند که سهامدار هم حقی دارد و باید اجازه حضور در هیات مدیره و ابراز نظر در روند تصمیم‌گیری‌ها را داشته باشد.

وقتی می‌خواهید از بانک وام میان‌مدت یا بعضا بلندمدت بگیرید، بانک اوضاع و احوال

موانع ورود شرکت‌ها به این بازارها برای تامین مالی و جذب سرمایه چیست؟

اقتصادی شما را بررسی می‌کند. زمانی که می‌خواهید از بانک اجازه گردش مالی دریافت کنید _به این معنا که توافق کنید در صورت نیاز به نقدینگی با توجه به متوسط موجودی خود در سال گذشته بتوانید تا سه برابر متوسط آن را برداشت کنید تا در اولین فرصتی که نقدینگی داشتید، آن وجه را با سودش بازپرداخت کنید_این کار زمان خیلی زیادی نمی‌برد.

اما در بازار سرمایه شما باید سه سال صورت‌های مالی مورد تایید شرکت‌های حسابرسی معتبر را داشته باشید، بعد صورت‌هایتان را به بورس ارائه کنید، آیین‌نامه بورس را رعایت کنید، و تازه زمانی که می‌خواهید وارد بورس شوید بررسی می‌کنند در محاکم، دعاوی باز علیه شما وجود نداشته باشد؛ یعنی مثلا دعوایی علیه شرکت شما بدون رسیدگی نمانده باشد؛ چراکه این می‌تواند برای خریدار سهام مخاطره ایجاد کند.

بنابراین همه این مراحل باید در یک سلسله مراتب طی شود. البته این برای شرکت‌هایی که اصول‌شان صحیح بوده و مقررات درستی داشته‌اند راهی طولانی و سخت نیست اما بعضی از شرکت‌ها هنوز هم دودفتره هستند و یک شرکت دودفتره نمی‌تواند وارد بورس شود.

صورت‌های شرکت‌های متقاضی ورود به بورس باید شفاف باشد؛ مالیاتش درست پرداخت شده باشد و بدهی بیمه نداشته باشد. بتوانند شرکتشان را ارائه کنند علت این ملاحظات هم این است که متقاضیان خرید سهام حق دارند بدانند سهامی که می‌خرند از سلامت کامل برخوردار است.

کار اتاق بازرگانی نوعا هماهنگی و لابی است؛ منتها این نهاد می‌تواند شرکت‌ها را در زمینه پیش شرط‌ها و مقدمات لازم برای ورود به بازارهای سرمایه آموزش دهد و زمینه سازی های لازم را برای آنها انجام دهد. مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی مرتبا اطلاعیه می‌دهد و به این واسطه در زمینه مراتب و مراحل ورود به بورس اطلاع‌رسانی می‌کند؛ ولی قاعده یا برنامه‌ای که بر مبنای آن عملا به شرکت‌ها در جهت ورود به بورس کمک کنند، ندارند. ■

آقای دکتر از دیدگاه شما تشکل‌های بخش خصوصی به ویژه اتاق بازرگانی می‌توانند به تسهیل این روند کمکی کند؟

بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه بازخوانی شرایط بازار سرمایه

پری شاکرین | روزنامه نگار

یکی از بازارهای مالی که همواره مورد توجه و اهمیت بوده و اغلب اقتصاددانان جهان بر نقش تعیین کننده اش در رشد اقتصادی تاکید کرده اند بازار سرمایه است، بازاری که کار اصلی آن ایجاد پلی ارتباطی بین تامین کننده سرمایه های خرد و کلان، چه حقیقی و چه حقوقی و متقاضیان سرمایه مثل شرکت هاست.

بسیاری از اقتصاددانان از گذشته تاکنون (نظیر شومپیتر (۱۹۱۲)، هیکس (۱۹۶۹)، مک کینون (۱۹۷۳)، فرای (۱۹۹۵) و... بر اهمیت بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه و نقش کلیدی آن در توسعه و رشد اقتصادی تاکید داشته اند و البته مطالعات تجربی که در سطح جهانی توسط محققین انجام شده است هم بر ارتباط مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی تاکید می کند؛ این در حالی است که محققین و پژوهشگران داخلی نیز بر اهمیت بازارهای مالی به ویژه بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار و رشد اقتصادی تاکید داشته اند و تأثیر مثبت بازار سرمایه بر رشد اقتصادی و اشتغال را امری بدیهی خوانده اند. این نقش مهم در رشد اقتصادی از طریق پنج راه زیر قابلیت عملیاتی شدن دارد:

الف) تامین مالی بنگاه ها / ب) تخصیص بهینه منابع / ج) بهبود نقد شوندگی دارایی ها
د) بهبود راهبری شرکتی / ه) افزایش شفافیت در اقتصاد

اما در میان این کارکردهای پنج گانه، آن کارکردی که به طور مستقیم بر تولید و رشد اقتصادی اثرگذار است را می توان تامین مالی عنوان کرد. چرا که تامین مالی چالش بزرگ تمامی بنگاه های اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و به ویژه در حال توسعه است. از این رو ساختار بازار مالی هر اقتصادی به عنوان منبع اصلی تامین مالی آن اهمیت بسیاری دارد.

در کشورهای توسعه یافته نزدیک ۶۰ درصد از سرمایه های مورد نیاز شرکت ها از طریق بازار سرمایه انجام می شود که با توسعه بازار سرمایه و استفاده از قابلیت های آن می توان بانک محور بودن تامین مالی شرکت ها که نیازمند تامین وثایق کلان، بروکراسی گسترده و همچنین هزینه بهره بالاست را اصلاح کرد.

بازار سرمایه در جهان و ایران

بازار سرمایه در جهان و ایران

بازار سرمایه در جهان و ایران

بر اساس پژوهشی که واحد تحقیق و توسعه شرکت بورس درباره بازار سرمایه در ایران انجام داده است؛ بازار سرمایه جایگاه به مراتب کوچک تری در بازار مالی در قیاس با کشورهای توسعه یافته دارد. اقتصاد ژاپن به عنوان اقتصادی پیشرفته ۵۲ درصد از بازار مالی خود را به اوراق بدهی واگذار کرده و ۲۶ درصد را در اختیار بازار سهام قرار داده است. به این ترتیب نزدیک به ۷۸ درصد از بازار مالی ژاپن را بازار اوراق بهادار و کمتر از ۲۳ درصد از آن را مانده تسهیلات بانکی تشکیل داده است. این امر تکیه اقتصاد این کشور توسعه یافته بر بازار اوراق بهادار به ویژه بازار بدهی را در قیاس با تسهیلات بانکی به خوبی نشان می دهد. ایالات متحده آمریکا از این بابت از ژاپن فراتر رفته و تنها ۱۲ درصد از بازار مالی خود را در اختیار سیستم بانکی قرار داده و ۸۸ درصد دیگر را از آن بازار سرمایه کرده است. در مالزی، آلمان، برزیل و هند نیز اوضاع بر همین روال است. در ترکیه، اما ۵۳ درصد بازار مالی را مانده تسهیلات بانکی تشکیل داده و ۴۷ درصد در اختیار بازار اوراق بهادار قرار گرفته است.

همچنین بررسی ترکیب بازارهای مالی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که با وجود رشد بورس و بازار سرمایه در سال های گذشته همچنان فرصت رشد زیادی در بازار سرمایه به ویژه بازار بدهی وجود دارد. به عنوان نمونه در ایالات متحده آمریکا مانده اوراق قرضه در مارس سال ۲۰۱۸ حدوداً ۲۱ برابر تولید ناخالص داخلی بود. این نسبت برای ژاپن به ۲٫۵ افزایش پیدا می کند. این در حالی است که این نسبت برای ایران تنها حدود ۳ درصد است. در ارتباط با اندازه بازار سهام نیز وضعیت مشابه است، یعنی ارزش بازار سهام بورس های ایالات متحده آمریکا ۱٫۶ برابر تولید ناخالص داخلی آن کشور و در ژاپن این نسبت برابر ۱٫۲ برابر است.

در این میان ایران با تکیه ۷۰ درصدی بر تسهیلات بانکی و نقش ۲۷ درصدی بازار سهام و یاری تنها ۳ درصدی بازار اوراق بدهی به بازار مالی، ساختاری کاملاً متفاوت را به نمایش گذاشته است. بررسی ترکیب منابع مالی در اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ حاکی از این است که ۸۲ درصد از کل تامین مالی انجام شده در کشور توسط بانک ها بوده و تنها حدود ۱۱ درصد به بازار سرمایه تخصیص داشته است.

نقش بازار سرمایه ایران در تامین منابع مالی

نقش بازار سرمایه ایران در تامین منابع مالی

نقش بازار سرمایه ایران در تامین منابع مالی

آن طور که آمار نشان می دهد اقتصاد ایران به‌طور سنتی در تامین منابع مالی خود بر سیستم بانکی و استفاده از تسهیلات آن تکیه کرده است. بازار سرمایه با دو بازوی بازار سهام و بازار بدهی در گذشته‌های نه‌چندان دور در تامین مالی اقتصاد ملی جایگاهی را از آن خود نکرده بود و بودجه عمرانی دولت با فاصله بسیار نسبت به ردیف اول، دومین جایگاه تامین مالی را در اختیار داشت. سرمایه‌گذاری خارجی نیز بنا به دلایل گوناگون که بحث مفصل وجداگانه‌ای را می‌طلبد تاکنون نتوانسته خود را به‌عنوان یک عامل تامین مالی پایدار به اثبات برساند. بازار سرمایه، اما در سالیان گذشته هرچند اندک، اما جایگاه مناسب‌تری برای خود مهیا کرده است وبا فاصله زیادی با بازار مالی به دومین منبع تامین مالی پایدار و باثبات اقتصاد ایران بدل شده است.

براساس آماری که مرکزبورس اعلام کرده در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶، تسهیلات بانکی با فاصله بسیار پیشتاز تامین مالی اقتصاد ایران بوده است و طی این شش سال ارزش تسهیلات اعطایی بانکی از ۶۸۵/۱ هزار میلیارد ریال با رشدی ۲۱۹ درصدی به ۳۸۰/۵ هزار میلیارد ریال رسیده بوده است. در همین بازه زمانی ارزش تامین مالی از محل بازار سرمایه از ۱۷۸ هزار میلیارد ریال با صعودی ۳۶۶ درصدی به ۸۲۹ هزار میلیارد ریال بالغ شده که بیشترین سهم این رشد نیز از آن اوراق بدهی بوده است. در این میان سهم بازار سرمایه از تامین مالی از ۸درصد در سال ۹۰ به ۱۱درصد در سال ۹۶ رسید. در عین حال سهم تسهیلات بانکی با رشد ۶ درصدی از ۷۶درصد به ۸۲ درصد افزایش پیدا کرده است. در میان دیگر متغیرهای بررسی شده کاهش سهم بودجه عمرانی دولت از ۱۳درصد به ۶ درصد و کاهش نقش سرمایه‌گذاری خارجی از ۲/۴درصد به ۲/۱درصد نیز درخور توجه هستند. اما شرایط در سال‌های بعد هم به نظر چندان مناسب نیست که در سال ۹۷ حدود ۱۲۵ هزار میلیارد تومان تامین مالی از طریق بازار سرمایه انجام شده است و این آمار در سال ۹۸ به ۸۱ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده است . اگرچه با این بررسی‌ها مشخص می‌شود که ایران به‌عنوان بخشی تأثیرگذار از بازار مالی در سال‌های گذشته کوشیده تا خود را به‌عنوان منبعی پایدار برای تامین مالی اقتصاد ملی به اثبات برسانند. اما هنوز تا رسیدن به مقصد فاصله بسیاری وجود دارد و هم چنان ۷۰ درصد تامین مالی برعهده بانک هاست.

مشکل کجاست؟

مشکل کجاست؟

مشکل کجاست؟

آن طور که محمدفطانت مدیرعامل سابق سازمان بورس واوراق بهادار چندی قبل به مجله تجارت فردا گفته است: مهم‌ترین مشکلات ساختاری بازار سرمایه چهاردسته هستند: دسته اول چالش‌ها و مسائل اقتصاد کلان در ایران است که از جمله آن می‌توان به مسائلی، چون چالش نرخ ارز و بحران‌های شبکه پولی کشور و ریسک‌های بین‌المللی و بحران‌های صندوق‌های بازنشستگی و نظام بودجه‌ریزی در کشور اشاره کرد. دسته دوم از مشکلات ساختاری بازار سرمایه به ریسک تصمیمات و سیاستگذاری‌های ناگهانی مرتبط است که از جمله آن می‌توان به مباحثی مثل بهره مالکانه و نرخ خوراک پتروشیمی اشاره کرد. دسته سوم از مشکلات و چالش‌ها به دولتی بودن اقتصاد ایران برمی‌گردد چراکه بازار سرمایه رشد خود را باید در نظام خصوصی‌سازی واقعی و حاکمیت بخش غیردولتی ببیند. هنگامی که کل اقتصاد در دست بخش دولتی و شبه‌دولتی است رشد و توسعه بازار در کوتاه‌مدت غیرقابل حصول خواهد بود.

دسته چهارم از مشکلات بازار سرمایه مربوط به دستگاه ناظر، مقررات و دخالت دستگاه ناظر در اجراست . ناظر به میزان زیادی در اجرا وارد شده است و تقریباً هیچ اقدام اجرایی در بازار سرمایه به صورت روزانه بدون دخالت ناظر صورت نمی‌گیرد و مقررات، توسعه‌یافتگی لازم را هنوز برای از بین بردن چالش‌ها ندارد. مقررات، مکانیسم بازخوردپذیری و اصلاح ندارد و عموماً با سرعت تحولات اقتصادی در ایران و جهان به‌روز نمی‌شود. اگرچه باید در حاشیه، ضعف‌های قانونی از جمله قانون تجارت و مباحث مربوط به شرکت‌های سهامی عام را که به علت قدمت، اکنون از کارآمدی لازم برخوردار نیستند نیز مدنظر قرار دهیم.

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

پس چه باید کرد؟

منابع:

– نقش بازار سرمایه در تولید و رشد اقتصادی با رویکردی برجایگاه بورس اوراق بهادارتهران، ماهنامه بورس، ۵۰ تیر ۱۳۹۸

– بازار سرمایه، بازوی تامین مالی بخش مولد اقتصاد، بورس نیوز، ۸ بهمن ۱۳۹۸

– ناهماهنگی شناختی، هفته نامه تجارت فردا، ۱۴ بهمن ۱۳۹۶

– برخورد ویتربنی اقتصاد با بازار سرمایه، روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۵ اردیبهشت ۹۶

– بررسی بازار سرمایه ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و نوظهور، صادق محمدهادی

صفحه					
۲۷	ستبران ۱	بهار ۹۹، دوره جدید			

صفحه					
۲۶	ستبران ۱	بهار ۹۹، دوره جدید			

کلیه شرکت‌های کوچک و متوسط اعم از بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، بازرگانی و کشاورزی (SMEها) برای تامین نقدینگی مورد نیاز خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. علی‌رغم بحران اقتصادی کشور، تحریم‌های موجود و از دست دادن منابع مالی بانک‌ها، از نظر کارشناسان اقتصادی، هم‌اکنون بهترین و مناسب‌ترین ابزار تامین نقدینگی واحدهای یادشده ورود در بازارهای سرمایه از قبیل بورس و فرابورس است. فریال مستوفی، رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، یکی از شرایط مهم ورود شرکت‌های SME به بازار بورس را شفافیت حساب‌های مالی این واحدها می‌داند. در ادامه گفتگوی ستیران را با این عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، می‌خوانید.

زمینه پذیرش SMEها در بورس و فرابورس تسهیل شود



فریال مستوفی | رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران

باتوجه به شرایط اقتصادی کشور و بحران کمبود نقدینگی بخش صنعت، بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ نقدینگی و تامین مالی مورد نیاز خود چه مسیرهایی را در پیش رو دارند؟

مهمترین مشکل اقتصادی چه در بخش تولید و چه در تجارت همین بحث نقدینگی است و این درحالی است که کشور ما از حجم بالایی از نقدینگی برخوردار است. بنابراین سوق دادن سرمایه‌های خرد به سمت واحدهای تولیدی و تجاری می‌تواند یکی از مهمترین روش‌ها برای حفظ و افزایش نقدینگی باشد که این امر از طریق ورود به بازار سرمایه محقق می‌شود. اصولاً یکی از مهم‌ترین عناصر که نقش عمده‌ای در امنیت اقتصادی کشور و سرمایه‌گذاری دارد، شفافیت است و یکی از مناسب‌ترین ابزارها برای تحقق حداکثر شفافیت می‌تواند بازار سرمایه باشد. خوشبختانه اخیراً مردم استقبال خوبی از بازار سرمایه کرده‌اند. معمولاً به دلیل رکود اقتصادی موجود در کشور، واحدها سرمایه‌هایشان را به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد سوق نمی‌دهند و بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری‌های غیر مولد می‌روند. در گذشته ما همواره شاهد حضور مردم در بازار ارز و سکه و مسکن و غیره بودیم اما اکنون به دلیل محدودیت‌هایی که دولت و بانک مرکزی به وجود آورده‌اند، مردم که سرمایه‌گذارهای خرد محسوب می‌شوند، به بازار سهام سرازیر شده و پول‌هایشان را برای سرمایه‌گذاری وارد بازار بورس کرده‌اند؛ آن‌هم به هدف اینکه بتوانند ارزش آن را حفظ کنند.

متأسفانه در شرایط فعلی ارزش پول افراد به دلیل تورم بالا مرتباً در حال پایین آمدن است و سیر نزولی طی می‌کند اما به هر صورت نسبت به بورس استقبال خوبی از طرف مردم ایجاد شده و ما باید از این فرصت پیش آمده برای رونق بخشیدن به بازار سرمایه استفاده کنیم.

آیا بازارهای سرمایه، امکان تامین مالی صنایع به ویژه بخش‌های زیرساختی و حوزه برق و انرژی را فراهم می‌کند؟

معمولاً در همه جای دنیا تامین مالی بنگاه‌های بزرگ از طریق بازار سرمایه انجام می‌شود و شرکت‌های کوچک و متوسط برای تامین مالی از بازار پول یعنی بانک کمک می‌گیرند؛ ولی متأسفانه در کشور ما روالی نامطلوب ایجاد شده است. در کشور ما شرکت‌های بزرگ تامین مالی خود را از طریق بانک‌ها انجام می‌دهند و چیزی برای تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط باقی نمی‌گذارند. ما باید به اصول درست اقتصادی برگردیم. بازار سرمایه باید بنگاه‌های بزرگ را پوشش دهد و بانک‌ها به حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط بپردازند اما به هر حال چنین تغییر جهتی به سهولت ممکن نیست. بنابراین بهتر است زمینه پذیرش شرکت‌های SME در بورس و فرابورس تسهیل و تسریع شود و عرضه سهام آنها از طریق ثبت سهام انجام پذیرد.

آیا زمینه برای ورود شرکت‌های SME به بازارهای سرمایه فراهم شده است؟

امکان تامین مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط را در حوزه‌های مختلف دیگر مثل خطوط اعتباری، گواهی اوراق مولد، فاکتورینگ، خرید دین، تسهیل پذیره و غیره می‌توان یافت. باید توجه داشت که ما نمی‌توانیم یک فرمول روتین داشته باشیم تمام شرکت‌های کوچک و متوسط از آن استفاده کنند؛ چراکه وضعیت شرکت‌ها یکسان نیست. به عنوان مثال ممکن است برخی شرکت‌ها با شرکت‌های دولتی قرارداد داشته باشند و همان قرارداد می‌تواند به عنوان وثیقه ضمانتی برای دریافت وام باشد.

اتاق بازرگانی برای تسهیل ورود شرکت‌ها به بازارهای سرمایه چه اقداماتی به انجام رسانده است؟

ما اخیراً با وزیر اقتصاد و دارایی جلسه داشتیم و پیشنهادات خود را به ایشان ارائه دادیم. در حال حاضر هم با بازار بورس و اوراق بهادار در تماس هستیم. متأسفانه بعضی از قوانین مانع ورود شرکت‌های کوچک و متوسط به بورس هستند و نیاز به اصلاح دارند. در هر حال ما تلاش می‌کنیم طرح و اجرای پیشنهاداتی را که از سوی بخش خصوصی مطرح می‌شود برای اصلاح قوانین دست و پاگیر تسریع کنیم تا این شرکت‌ها هم بتوانند وارد بورس شوند. همچنین در تلاش هستیم تا با برگزاری کلاس‌های آموزشی در اتاق بازرگانی در راستای آگاه‌سازی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خرد از شرایط ورود به بورس گام برداریم.

آیا شرایط تحریم‌ها به قدری شدید است که شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک نتوانند امیدی به صادرات محصولات خود داشته باشند؟ اگر هنوز راهی هرچند کوچک برای صادرات وجود دارد لطفاً بفرمایید؟

اصولاً صادرات اصلی کشور ما همواره فروش نفت بوده است. البته در سال گذشته توانستیم تا حدودی صادرات غیرنفتی هم داشته باشیم اما امسال به دلیل شیوع بیماری کرونا خیلی از مرزها بسته شده و برای صادرات محدودیت‌هایی به وجود آمده است. از سوی دیگر باز هم به دلیل کرونا که در تمام کشورهای دنیا شیوع یافته تقاضا برای خرید و واردات کاهش پیدا کرده است و بنابراین صادرات غیرنفتی کشور که در سال گذشته افزایش یافته بود، اکنون با کاهش مواجه شده است. تحریم‌ها هم که جای خود را دارند و همچنان در نقل و انتقال ارز مشکل‌ساز هستند. ■

تجزیه و تحلیل صنعت برق

علیرضا حسینی | روزنامه نگار

به عنوان مقدمه

رسمی در افکار عمومی ایجاد کرده است، هزینه واردات برق به کشور بسیار بیشتر از درآمد صادرات برق بوده است که در جایگاه خود قابل تامل بوده و یکی از نشانه‌های وجود مشکل و رکود در صنعت برق کشور است. نگاهی دقیق‌تر به جزئیات آمار صادرات انرژی برق، صادرات تجهیزات برق و صادرات خدمات فنی و مهندسی برق در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این حوزه‌های صادراتی با کاهش روبه‌رو بوده‌اند و این در حالی است که واردات تجهیزات این صنعت در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۵ تقریباً دو برابر بیشتر شده است. این مساله حاکی از کاهش فعالیت شرکت‌های سازنده داخلی، خروج آنها از صنعت و وابستگی و تمایل بیشتر به واردات تجهیزات از خارج کشور است که البته نامطمئن بودن فضای کسب و کار، سختی تهیه مواد اولیه و تجهیزات و همچنین مشکلات ناشی از جدایی شرکا و همکاران خارجی به دلیل تحریم‌ها از جمله اساسی‌ترین دلایل این رکود است و البته بدیهی است که کمبود سرمایه در گردش و مشکلات مالی در سطوح گوناگون در صدر فهرست این دشواری‌ها قرار می‌گیرد.

در چنین شرایطی چندان شگفت‌انگیز نخواهد بود اگر آمارها اعلام کنند که نیروی کار شاغل در صنعت برق در سال‌های اخیر همواره رو به کاهش و تعدیل بوده و تقریباً تمامی این کاهش نیز به شرکت‌ها و پیمان‌کاران بخش خصوصی مربوط بوده است نه بخش دولتی. البته با همه‌گیر شدن بیماری کرونا در کشور نرخ تعدیل نیروی کار در این صنعت نیز صورت غیرقابل انتظار افزایش داشته و خسارت‌هایی نیز وارد ساخته است که در بخش مربوط به این موضوع مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

همچنین نمودارهای «درآمد کل» صنعت برق که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده، نشان می‌دهد که هرچند درآمد کل هر ساله رشد داشته است، اما آهنگ رشد این درآمدها به شکل محسوس و هشدار دهنده‌ای کند شده

یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی صنعت برق کشور در سال‌های اخیر مساله تامین مالی، متعادل نگاه داشتن سرمایه در گردش و مدیریت هزینه‌های جاری و همچنین جذب سرمایه‌گذاری برای توسعه مناسب بوده است، که در واقع مهم‌ترین چالش پیش روی این صنعت نیز هست و حتی امکان دارد در آینده نزدیک، شاهد تبدیل این چالش به یک تهدید بزرگ که می‌تواند موجودیت صنعت برق کشور را با خطر جدی روبرو کند، باشیم. در همین راستا گزارش حاضر تلاشی است در زمینه بررسی و توضیح علل و زمینه‌های چالش‌ها و مشکلات مالی و موانع سرمایه‌گذاری در صنعت برق ایران و آینده این صنعت در سایه این مشکلات و چالش‌ها.

مرکز پژوهش‌های مجلس و معاونت پژوهشی سندیکای صنعت برق ایران در گزارش‌ها و تحقیقاتی تلاش کرده‌اند که با توجه به تجربیات ادوار گذشته بودجه سنواری و با استفاده از روابط میان بودجه مصوب و عملکرد صنعت برق در سال‌های پیشین، میزان کسری بودجه این صنعت را به صورت تقریبی برآورد کنند. سه ردیف اصلی درآمدهای صنعت برق شامل درآمد دریافتی حاصل از فروش برق به مشترکان، درآمد حاصل از صادرات و سایر درآمدهای عملیاتی و غیرعملیاتی، بخش درآمدهای صنعت برق را تشکیل می‌دهند که براساس الگوی تحقق‌پذیری سال‌های گذشته، اصلی‌ترین و قطعی‌ترین منبع درآمد صنعت، فروش برق به مشترکان است که در سال ۱۳۹۶، این عدد معادل ۸۲ درصد از کل درآمدها بوده است.

درآمد حاصل از صادرات برق پس از یک دوره رشد، به دنبال حاکم شدن یک رشته شرایط منفی که مهم‌ترین آنها برقراری تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران بوده است، در سال‌های اخیر رو به کاهش گذاشته و رشدی منفی را شاهد بوده است. از سوی دیگر گزارش مرکز پژوهش‌ها گویای آن است که به ویژه در سال‌های اخیر، برخلاف تصویری که تبلیغات

است. در ادامه علت نگران کننده بودن این وضعیت توضیح داده خواهد شد. درآمد فروش برق به مشترکان و درآمد صادراتی فروش انرژی به دو عامل میزان تولید برق و قیمت فروش برق (قیمت داخلی و قیمت صادراتی) بستگی دارد. متوسط قیمت برق به ازای هر کیلووات ساعت در سال‌های ۹۸ و ۹۹ به هرسال ۷ درصد افزایش یافته است، اما آهنگ رشد میزان فروش برق در کل کشور به مشترکان در دو سال گذشته رو به کندی گذاشته و به صفرنزدیک می‌شود. با توجه به اینکه میزان مصرف مشترکان خانگی همواره با یک آهنگ مثبت روبه رشد است، می‌توان نتیجه گرفت که این کندی آهنگ رشد فروش برق در اثر رشد نکردن و حتی کاهش مصرف برق در بخش‌های صنعت و تجارت بوده است که علت آن نیز با توجه به حاکم بودن شرایط رکود اقتصادی در کشور تا اندازه زیادی قابل توضیح است.

آنچه در این شرایط برای صنعت برق آثار منفی در پی خواهد داشت، این واقعیت است که بخش اصلی درآمد فروش برق در ایران، از مشترکان تجاری و صنعتی است، چراکه به دلیل یارانه‌های هنگفتی که دولت در بخش مصارف خانگی متعهد شده است، مشترکان خانگی با وجود میزان بالای مصرف، در عمل هزینه چندانی پرداخت نکرده و بخش اصلی برعهده دولت خواهد بود.

بنابراین با توجه به کسری بودجه شدید دولت و بدهکاری روزافزون آن به بخش خصوصی، اگر سهم بخش صنعت و تجارت از خرید و مصرف برق نیز ثابت مانده و یا حتی کاهش سهم داشته باشد، آنگاه طبیعی است که انتظار کسری درآمد در صنعت برق را داشته باشیم.

نرخ افزایش قیمت برق در سال‌های گذشته نیز بسیار پایین بوده و اگر آن را با افزایش قیمت دیگر حامل‌های انرژی از جمله بنزین مقایسه کنیم، تفاوت کاملاً آشکار خواهد بود. حتی نرخ تورم در سال‌های گذشته نیز

۱. نشان می‌دهد که دولت نه برای کاهش بلکه تنها برای ثابت نگه داشتن میزان یارانه برق مصرفی مشترکان، باید قیمت برق را بیش از ۷ درصد افزایش دهد.

بررسی‌های بودجه در سال ۹۶ و ۹۷ نشان می‌دهد که نرخ رشد درآمد شرکت‌های دولتی برق کمتر از نرخ رشد هزینه این شرکت‌ها بوده که معنی آن چیزی جز کسری بودجه فزاینده در شرکت‌های دولتی برق نیست که براساس پیش‌بینی‌ها می‌بایست در سال ۹۸ نیز با شدت بیشتری تکرار شده باشد و همین واقعیت مطالبی را که بیشتر بدان اشاره شد، تایید می‌کند. محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که در بخش درآمد و هزینه، صنعت برق سالیانه با بیش از ۲۰ هزار میلیارد ریال کسری بودجه مواجه شده است که بخش بزرگی از آن ناشی از همین اختلاف قیمت برق فروخته شده به مشترکان و برق خریداری شده از بخش خصوصی است.

بدیهی است که در شرایط کنونی کشور تخصیص یارانه به یک کالا یا خدمات، بیشتر به معنی بدهکار شدن دولت است تا پرداخت پول به خصوص از بودجه و اعتبارات عمومی! در واقع اگر هم درآمدی باشد، در بهترین حالت تنها مطالباتی بر روی برگه‌های اوراق خزانه با سررسید بلندمدت خواهد بود تا پول نقدی که بتوان با آن مشکلات را برطرف کرد و امور جاری را سروسامان داد.

با توجه به مقدماتی که درباره وضعیت اقتصادی کشور به صورت عام و اوضاع اقتصادی صنعت برق به صورت خاص آورده شد، می‌توان مشکلات اصلی پیش روی این صنعت را در آینده در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

(این دسته‌بندی زیر از برخی جهات بر اساس فهرست مشکلات و چالش‌های اساسی صنعت برق که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تدوین شده، انجام گرفته است.)

۱. چالش قیمت‌گذاری کالا و خدمات در صنعت برق

۲. کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت برق برای توسعه ظرفیت تولید و انتقال و توزیع

۳. نپرداختن مطالبات و جرائم دیرکرد بخش خصوصی توسط دولت

۴. آثار منفی ناشی از نوسانات اقتصادی و ناپایداری قیمت ارز

۱. چالش قیمت‌گذاری کالا و خدمات در صنعت برق

در حال حاضر برابرقانون سازمان برق مصوب ۱۳۴۶ هجری خورشیدی نظام تعرفه‌گذاری برق برعهده وزارت نیرو است و این قیمت‌گذاری به ویژه در بخش خرده‌فروشی برق و مشترکان خانگی که بخش بزرگی از بازار فروش انرژی الکتریکی را تشکیل می‌دهد، دارای مشکلات بسیاری است که فعالان صنعت برق را در وضعیت نابهنجاری قرار داده است. روند قیمت‌گذاری به گونه‌ای است که موجب می‌شود جریان مالی برق دچار عدم توازن شده و وزارت نیرو با کسری بودجه سیستماتیک و پیوسته روبرو باشد، و همانگونه که گفته شد، ترجمان این کسری بودجه در بخش خصوصی صنعت چیزی جز مطالبات فزاینده با سررسیدی نامعلوم نخواهد بود.

می‌توان با قطعیت گفت که دلیل اصلی بروز مشکل در این بخش آن است که رویه قیمت‌گذاری تابعی از ملاحظات سیاسی است نه محاسبات اقتصادی. بنابراین اساس تصمیم‌گیری و عمل می‌کند، اما سیاسی بودن عملکرد وزارت نیرو باید به معنای توجه به منافع ملی کشور در بلندمدت به عنوان چراغ راه باشد، نه اینکه تصمیمات راهبری حوزه انرژی را تابعی از اغراض و شرایط سیاسی کوتاه‌مدت کشور و در پاره‌ای از موارد منافع گروه‌های سیاسی کند، اما آنچه از اظهارات مسئولان وزارت نیرو که مستند به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس است، برمی‌آید، این است که تصمیم‌گیری در مورد تعرفه فروش برق در کشور براساس ملاحظات در خارج از این وزارتخانه انجام می‌شود که بدون تردید مصالح کلی کشور در این حوزه را مورد توجه قرار نمی‌دهد، چراکه اگر جزاین بود، می‌بایست نهادی که به صورت تخصصی در دولت برای صنعت برق وجود دارد، تصمیم‌گیرنده نهایی می‌بود، حال آنکه وزارت نیرو تنها مجری تصمیمات است. این وضعیت تناقضات خود را در بسیاری از سیاست‌های کلان کشور نشان می‌دهد، که نمونه بارز آن واگذاری نیروگاه‌های در اختیار دولت به بخش خصوصی و صدور مجوز فعالیت برای این بخش در حوزه ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه‌هاست، زیرا تا پیش از آن قیمت‌گذاری غیرمنطقی برق و کسری بودجه ناشی از آن، تنها خود دولت و بنگاه‌های در اختیار آن را درگیر می‌کرد، اما پس از ورود بخش خصوصی به حوزه تولید، انتقال و توزیع انرژی الکتریکی و در اختیار گرفتن بخش اعظم این صنعت توسط فعالان غیردولتی، کسری بودجه دولت سرمایه‌گذاران خصوصی را نیز دچار مشکل کرده و این درحالی است که تنها دلیل حضور بخش خصوصی در حوزه سرمایه‌گذاری، تنها کسب سود است، نه ملاحظات سیاسی و در نظر گرفتن مصلحت - از هر نوعی که باشد -. نمی‌توان دست به خصوصی‌سازی زد، اما از سرمایه‌گذار انتظار داشت که مانند دولت به دلایل غیراقتصادی متحمل زیان شوند. به هر روی این مشکل از معضلات ریشه‌دار و کهنه کشور است که در حوزه برق نیز دیده می‌شود و اگر چاره‌ای بنیادین برای آن اندیشه نشود، با توجه به اوضاع اقتصادی موجود در کشور به زودی بحران بزرگی را در صنعت برق ایجاد خواهد کرد. شوربختانه این مشکل به اندازه‌ای مهم است که بدون حل آن هراقدامی و یا حل مشکلات دیگری فرجام خواهد بود، زیرا تا زمانی که تولیدکننده نتواند محصول خود را به قیمتی منطقی به فروش برساند یا ناگزیر از فروش محصول به صورت نسیه با سررسید نامعلوم باشد، فعالیت در این صنعت هیچ جاذبه‌ای نخواهد داشت و نبود جاذبه در صنعتی زیرساختی که نیاز به توسعه شتابان و پیوسته دارد، به معنای دقیق کلمه یک فاجعه است.

از دیگر نتایج این شیوه قیمت‌گذاری آن است که سبب می‌شود، مصرف برق بهینه نبوده و با اتلاف بسیار بالایی همراه باشد که عوارض اصلی آن غیراقتصادی شدن طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی، سترون ماندن تلاش‌ها برای اصلاح الگوی مصرف و استفاده بیشتر از انرژی‌های تجدیدپذیر است.

۲. کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت برق برای توسعه ظرفیت تولید و انتقال و توزیع

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد سرمایه‌گذاری در صنعت برق ایران دچار مشکلات جدی است. آمارها نشان می‌دهند که روند سرمایه‌گذاری در صنعت برق در پنج سال گذشته کاهش چشمگیری داشته و همین موضوع سبب شده است که بخش بزرگی از طرح‌های توسعه‌ای این صنعت در بخش تولید، انتقال و توزیع متوقف شده و به بهره‌برداری نرسد و در پی آن به تقاضای رو به رشد انرژی الکتریکی در کشور پاسخی درخور داده نشود. بحران خاموشی‌ها که پس از سال‌ها در یکی دو سال اخیر باز هم گریبان‌گیر کشور شده است را نیز می‌توان در همین راستا تحلیل و ارزیابی کرد که کمبود سرمایه برای افزایش گنجایش کل تولید موجب بروز خاموشی‌های گسترده در سطح کشور شده و از این پس نیز نه تنها ادامه خواهد یافت، بلکه می‌بایست منتظر گسترش فزاینده دامنه این خاموشی‌ها نیز بود.

از دیدگاهی دیگر که تا اندازه‌ای کلان‌تراز مشکلات عاجل و کنونی صنعت برق کشور به شمار می‌آید می‌توان گفت که کاهش سرمایه‌گذاری دسترسی به انرژی برق برای رشد صنعت و اقتصاد کشور را با کمبود روبرو کرده است و حتی اگر این توقف افزایش تولید در وضعیت کنونی و به دلیل رشد منفی اقتصاد کشور آثار منفی چندانی را آشکار نسازد، لیکن در بلندمدت و برطرف شدن موانع و آغاز رشد اقتصادی دوباره در کشور آثار منفی خود را با ضریبی چند برابر به نمایش خواهد گذاشت، چراکه کمبود سرمایه‌گذاری صنعت برق را دچار مشکلاتی پایدار خواهد کرد و پیامدهای آن تا مدت‌ها برجای خواهد ماند. کمبود سرمایه درون خود مجموعه صنعت برق کشور سبب تعطیلی و بیکاری تعداد قابل توجهی از واحدهای پیمانکاری و ساخت تجهیزات برق می‌شود که نتیجه آن بحران رکود و بیکاری زنجیره تأمین در این صنعت بوده و خواهد بود. بدیهی است که این مسئله در بلندمدت به وابستگی خارجی کشور به کالا و خدماتی منجر می‌شود که تاکنون در داخل تولید می‌شده‌اند و با تعطیلی آنها ناگزیر از واردات خواهیم بود، زیرا تعطیلی یک واحد صنعتی به سادگی رخ خواهد داد اما بازگشایی و بنیان نهادن یک واحد تازه چندین برابر دشوارتر خواهد بود و در نتیجه در آینده و با آغاز دوباره رشد اقتصادی و نیاز فزاینده به انرژی الکتریکی برای توسعه صنعت برق نیازمند واردات خواهیم بود، واردات کالایی که هم‌اکنون در کشور در حال تولید است!

مشکل دیگری که آن نیز به نوعی ناشی از کمبود سرمایه‌گذاری در صنعت برق و همچنین نبود امکان همکاری با شرکت‌های خارجی به دلیل تحریم‌های موجود است، مساله فرسودگی تجهیزات و دستگاه‌هاست. بخش عمده‌ای از تجهیزات شبکه برق، عمر مفید خود را طی کرده و فاقد کارایی لازم برای عرضه بهینه انرژی الکتریکی هستند؛ این مشکل در درجه نخست سبب می‌شود که ایمنی شبکه در سطح استاندارد نباشد و دوم اینکه اتلاف برق در بخش‌های بسیاری از شبکه برق را افزایش داده و بنابراین بازده تولید و عرضه برق را کاسته و قیمت تمام شده آن بالا خواهد برد که به زیان هر بخش تولید و مصرف برق تمام می‌شود. درباره پیامدهای منفی ناشی از تحریم‌ها بر صنعت برق در بخش‌های گوناگون این گزارش و به مناسبت

۲۰۰۰

موضوع بحث اشاراتی وجود دارد، اما درباره اثر تحریم‌ها بر شرایط مالی شرکت‌های فعال در صنعت برق و سرمایه‌گذاری آنها به صورت مشخص و دقیق می‌توان گفت که قطع همکاری شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به دلیل تحریم و عدم فروش محصولات مورد نیاز صنعت برق به شرکت‌های ایرانی یکی از آثار مستقیم تحریم‌هاست. این مسئله در کنار عدم همکاری برای انتقال فناوری به شرکت‌های ایرانی به اختلال در عرصه ساخت و تولید محصولات منجر شده است. از سوی دیگر اعمال تحریم‌ها، باعث بروز مشکل در نقل و انتقال مالی با کشورهای دیگر شده است که صادرات کالا و برق به مقصد خارجی را با اختلال روبرو می‌کند. به ویژه با در نظر داشتن اینکه صنعت برق بزرگترین سهم صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور را تاکنون در اختیار داشته است، طبیعی است که آثار مخرب این موضوع بر اقتصاد صنعت برق بسیار شدید باشد. درباره اثر منفی تحریم بر جذب سرمایه کلان خارجی که برای صنعت برق اهمیت راهبردی دارد، نیز پیش‌تر سخن رفته است.

۳

نیرو داختن مطالبات و جرائم دیرکرد بخش خصوصی توسط دولت

این مساله از جمله مشکلات اساسی صنعت برق است که پیشتر تا اندازه‌ای به دلایل وریشه‌های آن اشاره شد، اما اثرات این مشکلات ابعاد منفی چند لایه‌ای به دنبال خواهد داشت و حتی بر بفرغ‌تر شدن وضعیت سرمایه‌گذاری در این صنعت نیز منجر می‌شود. اگر بخواهیم این مساله را از دیدگاهی جزآنچه پیشتر آمد، مورد بررسی قرار دهیم، باید گفت که هر چند به دلایلی که بر همه روشن است، کشور ایران در چند سال گذشته با رشد منفی در اقتصاد و بخش صنعت روبرو بوده و این بدان معناست که شمار بنگاه‌های تولیدی، تجاری، صنعتی و خدماتی تازه بنیان از شمار بنگاه‌های مشابهی که در همین بازه زمانی به تعطیلی یا ورشکستگی کشیده شده‌اند کمتر است، اما این مساله آنگونه که به صورت ظاهری انتظار می‌رود در محاسبه نهایی موجب کاهش تقاضا برای مصرف برق نشده است و دلیل این امر نیز آن است که بنا بر یک رشته عوامل جامعه‌شناختی، فرهنگی و... تقاضا برای مصرف برق در بخش مصارف خانگی در ایران همواره با آهنگی باور نکردنی رو به رشد بوده که در کنار گرمای بی‌سابقه‌ای که کشور در سال‌های اخیر با آن روبروست، سبب جبران کاهش تقاضای برق در دیگر بخش‌ها شده و مجموع کل مصرف برق را افزایش داده است. در این شرایط، به دلیل بالا بودن سهم بخش خانگی از مصرف برق که بخش اعظم هزینه‌های آن باید از محل یارانه‌های هنگفتی که به

۳۰۰۰

برق مصرفی خانوارها اختصاص یافته پرداخت شود و دولت نیز در این ردیف کسری بودجه شدیدی دارد، بازگشت بخش بیشتردرآمدهای بخش خصوصی صنعت برق با مشکل روبرو خواهد شد که افزون بر ایجاد دشواری در تامین هزینه‌های جاری، کمبود منابع در سرمایه‌گذاری را نیز تشدید کرده و افزون بر این سرمایه‌گذاران تازه وارد را نیز در مورد تصمیم‌شان برای ورود به این حوزه و ضمانت بازگشت اصل سرمایه و سود، دچار تردیدهای جدی خواهد کرد.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر، مطالبات بخش خصوصی صنعت برق کشور پس از اجرای تعهداتشان یا پرداخت نشده و یا با دیرکردهای بلندمدت و بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه زیان وارده به سرمایه‌گذاران در اثر این دیرکرد پرداخت شده است، جریان مالی شرکت‌های خصوصی فعال در این حوزه با اختلال جدی روبرو شده است. در نتیجه این روند منفی بخش بزرگی از بنگاه‌های فعال در صنعت برق به واحدهایی زیان‌ده تبدیل شده و رو به تعطیلی هستند یا در عمل تعطیل شده‌اند. پیامد بلندمدت این موضوع، از میان رفتن سرمایه‌گذاری‌های بسیار هنگفتی است که در طول چند دهه در صنعت برق کشور تمرکز یافته است، اما بدلیل مشکلات مالی دچار بحران شده‌اند. متأسفانه باید پذیرفت که افزون بر مشکلات مقطعی که در اثر شرایط عمومی کشور برای صنعت برق ایجاد شده است، یک رشته از مشکلات کهن و ساختاری که پیشتر در بخش قیمت‌گذاری برق به آنها اشاره شد نیز وجود دارد که مشکلات مقطعی را در بر گرفته و تقویت می‌کند و بنابراین با توجه به وضع موجود باید به صورت پیوسته در انتظار افزایش خیره‌کننده میزان مطالبات وصول نشده بخش خصوصی از دولت و پیامدهای مالی ناشی از آن در این بخش باشیم.

۴

آثار منفی ناشی از نوسانات اقتصادی و ناپایداری قیمت ارز

از ویژگی‌های اصلی صنعت برق بزرگی حجم قراردادهای از نظر مالی و بلندمدت بودن زمان اجرای این قراردادهاست که همین موضوع سبب شده است که فعالان صنعت برق بیش از سایر بخش‌های صنعت کشور از وضعیت کنونی اقتصاد کشور و نوسانات نرخ‌های گوناگون زیان ببینند، به ویژه با توجه به اینکه در نظام قراردادی صنعت برق، شرایط عمومی و خصوصی قراردادها، به گونه‌ای تدوین شده است که همه ریسک‌های ناشی از تغییر و نوسانات قیمت مواد اولیه و تجهیزات به صورت یک‌سویه به پیمانکاران و تولیدکنندگان تجهیزات تحمیل شود، در شرایط کنونی که قیمت ارز به بیش از صد درصد افزایش یافته، ادامه اجرای پروژه با مبالغ قراردادی تعیین شده که در سال‌ها گذشته به امضای دو طرف رسیده غیرممکن شده است. در نتیجه پروژه‌ها متوقف و زیان مالی بزرگی به شرکت‌های صنعتی وارد شده است. اصرار بر اجرای قراردادها از سوی کارفرمایان دولتی بدون در نظر داشتن تغییرات پیش آمده، سبب تحمیل تمامی زیان‌های اقتصادی ناشی از نوسان قیمت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی به بدنه بخش خصوصی شده و در نتیجه تعطیلی ده‌ها شرکت سازنده و

۳۰۰۰

پیمانکاری و بیکاری ۳۰ درصدی نیروی کار را در پی داشته است.

درباره مواد اولیه مورد نیاز صنعت برق نیز باید خاطر نشان کرد که با توجه به اینکه عرضه فلزات و مواد خام مورد نیاز واحدهای تولیدی در انحصار شرکت‌های بزرگ قرار دارد و واردات مواد اولیه به دلیل مشکلات ارزی دچار اختلال شده، دسترسی تولیدکنندگان به مواد خام با چالش‌های بسیاری همراه است. در این شرایط هزینه تولید کالا و تجهیزات مربوط به صنعت برق افزایش زیادی داشته و سودآگران بازارهای مالی نیز با خرید و فروش فلزات مورد نیاز این صنعت، دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه را با اختلال بیشتری روبرو کرده‌اند. ادامه این وضعیت، پیامدهای بسیاری را به دنبال خواهد داشت که مهم‌ترین آنها تعطیلی واحدهای صنعتی و از میان رفتن ظرفیت‌های تولیدی و صنعتی کشور در حوزه صنعت برق در بلندمدت خواهد بود.

باید توجه داشت که تعهدات پیمانی در صنعت برق نه کوتاه‌مدت هستند که بتوان آنها بدون فروفتادن در چاه نوسانات به پایان رساند، نه آنقدر محدود هستند که بتواند همه نیازهای پروژه را از پیش خریداری و انبار کرد و نه شرایط کشور به گونه‌ای است که بتوان از شرکت‌ها انتظار داشت که تغییرات نرخ نیازهای خود را با دقت پیش‌بینی کرده و در قراردادها بگنجانند. از سوی دیگر باید توجه داشت کارفرمایان دولتی حتی در شرایط عادی و با ثبات نیز چندان در پرداخت‌های خود خوش قول و وقت‌شناس نبوده‌اند، چه رسد به زمان کنونی که هیچ چیز عادی نرمال نیست. نرمال نبودن وضعیت نیز به خودی خود یکی از دلایلی است که باید کارفرمایان را متقاعد کند تا با پیمانکاران همکاری بیشتری در زمینه بازبینی قراردادها داشته باشند، به ویژه اینکه بخش خصوصی در وضعیت ایجاد شده نه‌تنها هیچ قصوری نداشته است، بلکه در شرایطی که هیچ تحلیل عقلانی سرمایه‌گذاری در آن را توجیه نمی‌کند به سبب همکاری که بیشتر از روی غیرت و وطن دوستی بوده، زیان سنگینی را نیز تحمل کرده است.

باید توجه داشت که هرچند دولت نیز امکانات مالی چندان قدرتمندی برای مدارا با بخش خصوصی در این زمینه در اختیار ندارد، اما سرسختی و پافشاری بیش از اندازه در حفظ قراردادها در شکل و شمایل آغازین آنها و خودداری از هرگونه همکاری و همراهی با بخش خصوصی برای کاستن از فشار و حجم زیان وارد شده، می‌توان ضرباتی را بر پیکره خسته و رنجور صنعت برق کشور وارد سازد که جبران آن اگر نگوئیم ناممکن، دست‌کم بسیار دشوارتر از چیزی خواهد بود که اکنون امکان انجام آن وجود دارد.

روی هم رفته در نقد رفتار بخش دولتی صنعت برق به صورت خاصی و خود دولت به صورت عام نیز می‌توان گفت که بی‌توجهی به قوانین بالادستی چون برنامه پنجساله ششم توسعه، درج ارقام غیرواقع‌بینانه در بودجه شرکت‌های غیردولتی، مهم‌ترین کاستی‌های بودجه شرکت‌های زیرمجموعه بخش برق وزارت نیرو است. این موضوع منجر به اختلال در اقتصاد برق و بروز چالش‌های متعددی برای سرمایه‌گذاران و صاحبان کسب و کار زنجیره تأمین شده است که ادامه این وضعیت می‌تواند به تعدیل واحدها و از بین رفتن توان ساخت و مهندسی کشور در بخش برق بیانجامد. ■

با توجه به بررسی های صورت پذیرفته برای افزایش ظرفیت سالیانه تولید برق به میزان ۵ هزار مگاوات در هرسال بیش از ۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری جدید نیاز است، این در حالی است که به دلیل کمبود منابع تأمین مالی پروژه ها توسط دولت، عدم توانایی ورود بخش خصوصی به این نوع پروژه ها و از طرف دیگر عدم دسترسی به منابع مالی و فاینانس خارجی و بین المللی، به دلیل شرایط تحریم، سرمایه گذاری در راستای توسعه برق به هیچ روی متناسب با نیاز جامعه در این زمینه نیست. آمارهای ارائه شده توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی گویای این واقعیت است که روند سرمایه گذاری در بخش تولید برق در ایران در سال های گذشته به صورت کاهنده بوده است. بر پایه این اطلاعات میزان سرمایه گذاری در بخش تولید برق در ۱۰ سال گذشته همواره رو به کاهش بوده و تنها در بخش توزیع و تا حدودی انتقال، شاهد افزایش سرمایه گذاری هستیم. در حالیکه با توجه به شرایط کشور و خاموشی های فصل گرم و همچنین ضرورت رشد اقتصادی برای کشور ایران، آنچه بیش از همه حیاتی به نظر می رسد سرمایه گذاری و تمرکز بر بخش تولید است. همچنین باید توجه داشت که سرمایه گذاری در بخش تولید برق تنها بر خود این بخش اثر نخواهد گذاشت و در واقع توسعه یک نیروگاه برق بسیاری از صنایع ریز و درشتی که به نوعی با برق ارتباط دارند را نیز منتفع خواهد کرد و به این ترتیب اثر سرمایه گذاری در بخش تولید برق بسیار بیشتر از آن است که تصور می شود. به نظر می رسد نبود جذابیت های مالی و ریسک بازگشت سرمایه و ضمانت درآمد پایدار برای فعالان در این حوزه و بالا بودن نرخ سرمایه مورد نیاز برای فعالیت در بخش تولید برق، از دلایل اصلی کاهش سرمایه گذاری در این بخش باشد. از سوی دیگر نیاز به انتقال فن آوری و جذب سرمایه های کلان خارجی نیز از جمله نیازهای اساسی این بخش است که وجود تحریم های سنگین دستیابی به آنها را بسیار دشوار کرده است.

افزون بر مطالب یاد شده باید توجه داشت که تسهیلات مالی بانکی با دارا بودن سهم ۷۰ درصدی از منابع تأمین سرمایه صنعت برق از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند و در برابر تسهیلات بانکی، بخش اوراق مشارکت تنها حدود ۱۰ درصد از این سبد منابع تأمین سرمایه را به خود اختصاص داده است. باید توجه داشت کاهش محسوس نرخ سود و رکود اقتصادی منابع بانک ها برای پرداخت وام را در آینده نزدیک به شدت کاهش خواهد داد و امکان اتکاء به این منبع در چنین سطحی را به تدریج از میان خواهد برد. نتایج بررسی ادوار گذشته بودجه صنعت برق و محاسبه میزان تحقق پذیری منابع سرمایه ای نیز نشان می دهد که تنها ۳ درصد از منابع سرمایه ای از محل تسهیلات مالی و بانکی محقق شده اند و میزان تحقق پذیری این بخش از منابع با وجود سهم ۷۰ درصدی، در عمل تنها ۳ درصد است، که نامطمئن بودن این منبع را به خوبی نشان می دهد.

بنابراین در کنار لزوم تمرکز بیشتر دولت بر اوراق مشارکت برای تأمین مالی، به نظر می رسد که بخش خصوصی نیز در غیاب سرمایه خارجی و پشتیبانی بانک ها راهی جز در پیش گرفتن سیاستی مشابه نخواهد داشت که در زبان اقتصادی همان حضور در بورس سهام است.

منابع جدید تأمین سرمایه در صنعت برق

داغ بودن بازار معاملات بورس در ماه های گذشته در کشور، توجهات بسیاری به سوی این حوزه اقتصادی جلب کرده است. بورس به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای تأمین مالی که از شفافیت اقتصادی بالایی نیز برخوردار است، سال هاست که در سراسر جهان مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. رشد مثبت پی در پی شاخص معاملات بورسی در ایران در طول چند ماه گذشته و همچنین آزادسازی سهام عدالت و ارائه سهام شرکت های دولتی برای خرید عمومی در بورس، سبب شده است که بسیاری از شهروندان پس انداز و سرمایه های کوچک خود را با سودای دست یابی به سود بیشتر وارد این تجارت کنند. جدای از بخش معاملات و تحلیل های بورسی و مدل های سود و زبانی که انبوهی از گزینه های خرید و فروش سهام به وجود می آورند و برای معامله کنندگان در بازار بورس اهمیت جدایی بسیار دارد، کشش بورس برای صنعت برق ایران می تواند در حل مساله تأمین مالی تعریف شود.

در ساده ترین تعریف ممکن، بورس به فعالان صنایع اجازه می دهد که در برابر واگذاری بخشی از سهام شرکت خود در بازار بورس، بتوانند سرمایه مورد نیاز خود برای توسعه کسب و کار و تجهیز صنایعشان را به دست آورند و در واقع این عمل به نوعی همان جذب سرمایه گذار و یافتن شریک برای یک بنگاه اقتصادی است، با این تفاوت که فراخوان این شراکت به صورت عمومی خواهد بود و از سوی دیگر، اهمیت اساسی این روش آن است که عرضه این سهام با

ضروری

ورود صنعت برق به بازار بورس

حساس

روجا علیرام | روزنامه نگار

پیشنهاد

ایجاد فضای رقابتی همراه بوده و در واقع سهام شرکت به نوعی به مزایده گذاشته خواهد شد و در صورت محبوبیت سرمایه‌گذاری در یک بنگاه خاص و بالا رفتن تقاضا برای خرید سهام آن، ارزش سهام شرکت یاد شده نیزافزایش خواهد یافت. در نتیجه این روند، با بالاتررفتن ارزش سهام یک شرکت، هم منابع مالی بیشتری به سوی شرکت سرزایر خواهد شد و هم کسانی که زودتراز دیگران به فراخوان سرمایه‌گذاری در آن شرکت پاسخ مثبتی داده‌اند به سود بیشتری دست خواهند یافت. با توجه به آنچه گفته شد در شرایطی که بانک‌ها هرروز با مشکلات بیشتری در ارائه تسهیلات به فعالان صنایع برق روبرو هستند و هم‌اکنون نیز۹۷ درصد برآوردهای تامین مالی از سوی بانک‌ها امکان محقق شدن ندارد و همچنین در شرایطی امکان جذب سرمایه خارجی نیز وجود ندارد، ورود به بازار بورس برای جذب سرمایه می‌تواند گزینه مناسبی باشد.

صنعت برق و بازار بورس

حمیدرضا صالحی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران و عضوهیات مدیره سندیکا صنعت برق در گفتگوبا «اگو نیرو» نیز در این زمینه اظهار کرده است: استفاده از ظرفیت بورس نه‌تنها باعث کاهش فشار بر بانک‌ها و هدایت منابع آنها به سمت شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود، بلکه به مدیریت بهترریسک سرمایه‌گذاری و افزایش شفافیت در بنگاه‌های بزرگ هم کمک خواهد کرد. به اعتقاد او تصمیم بخش خصوصی صنعت برق و ورود به بورس، نقدینگی موجود در بازار سرمایه را به سمت رونق تولید و رشد اقتصادی سوق می‌دهد و وضعیت بهتری از مصرف نقدینگی در کشور ایجاد خواهد شد. در چنین شرایطی جلوی بسیاری از ریسک‌ها نیز گرفته می‌شود. به اعتقاد رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران، بازار سرمایه به‌واسطه اتکا به حجم وسیعی از منابع مالی خرد از طریق توسعه مشارکت عموم مردم و با اتکا به ابزارهای نوین، توان تأمین مالی بالایی دارد که می‌تواند کمک شایانی به اجرای پروژه‌های عظیم در کشور از جمله حوزه برق داشته باشد. این در حالی است که منابع سرگردان نیز به بازار سرمایه هدایت خواهند شد، مشروط برآنکه معرفی ظرفیت‌های این بازار به عموم افراد جامعه از سوی دولت دنبال شود. البته این نخستین باری نیست که سخن از ورود صنعت برق به بازار بورس می‌رود. انتشار خبرورود شرکت عسلویه مینا به بورس در سال ۹۲ و عرضه ۳۲ میلیون سهم نیروگاه برق پاکدشت (دماوند) در فرابورس یکی از نخستین تلاش‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. باید توجه داشت که در بیشتر کشورهای توسعه یافته دنیا بخش تولید و توزیع برق، کاملاً خصوصی است و نیروگاه‌ها در قالب شرکت‌های سهامی عام و خاص فعالیت می‌کنند و بسیاری از نیروگاه‌ها هم سهامشان در بورس های اوراق بهادار معامله می‌شود، که نشان دهنده عادی بودن و عمومیت حضور صنعت برق در بازار بورس است.

واقعیت این است که حضور صنعت برق ایران در سطوح و عرصه‌های مختلف از جمله توزیع و انتقال و همچنین شرکت‌های سازنده تجهیزات در بازار بورس می‌تواند گام مهمی در راستای عادی و نرمال شدن وضعیت صنعت برق ایران تلقی شود. صنعتی که منابع مالی خود را با سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم (بورس) تامین می‌کند و کالای خود را با نرخی منطقی (در بورس انرژی) به فروش می‌رساند. بدیهی است که منطقی‌تر شدن وضعیت صنعت برق به بیرون آوردن آن از رکود و شتابان کردن رشد آن کمک خواهد کرد.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که نامتعادل بودن وضعیت اقتصادی ایران در سال‌های اخیر در همه بخش‌های اقتصادی قابل مشاهده و پیگیری بوده و بازار بورس نیز از این قاعده مستثنی نیست. در واقع یکی از دلایل اصلی فعال شدن بازار بورس رشد لجام گسیخته نقدینگی در کشور و نبود کنترل بر آن بوده است. این نقدینگی غول‌پیکر، پس از اینکه امکانات مبادله در بازار ارز و طلا به شدت محدود شده و بازار زمین و مسکن نیز در یک بازه زمانی دچار رکود شد، توجه خود را به سوی بازار بورس معطوف کرده و وارد این حوزه شده است.

یکی از دلایل اصلی رشد متوالی شاخص بازار بورس حضور افراد ناآگاهی است که بدون هیچ‌گونه دانش اقتصادی به بورس هجوم آورده و هر سهمی را که در دسترس شان قرار دارد را خریداری می‌کنندو بدیهی است که هرچند رشد شاخص بورس پیام مثبتی برای اقتصاد کشور خواهد بود، اما باید توجه داشت که همین افراد انتظار سودهای کلان در بازه زمانی بسیار کوتاه را نیز دارند و چندان صبور هم نیستند. با ائشباع بازار و خروج پول از دست جامعه سهام‌داران مدت بسیاری به درازا نخواهد کشید تا کسانی که هرروز و هر ساعت ارزش سهام خود را کنترل می‌کنند،

دست به فروش سهام خود زده و صف فروش ایجاد کنند که باقی آن نیز روشن است. از سوی دیگر چنین رفتار جنون آمیزی در مورد خرید هر سهمی که در دسترس است، سبب خواهند که سره از ناسره و سودده و آینده دار از زیان‌ده و در آستانه ورشکستگی مشخص نشود و در واقع منطق اصلی بورس که همان سرمایه‌گذاری در صنایع سودآور است در ابهام قرار گرفته و کاملاً به حاشیه رود. هرچند که این مشکل بیشتر به خریداران ربط پیدا کرده و آنها را متضرر می‌کند، اما باید توجه داشت که عرضه کنندگان سهام نیز از این طوفان به دور نخواهند ماند. به ویژه آن دسته از شرکت‌هایی که پس از گذشت چند ماه از این رونق بی‌سابقه، هم‌اکنون و به تازگی قصد ورود به بورس را دارند، ممکن است که در دوران نوسان شدید بورس در جهت منفی پای به این عرصه گذاشته باشند.

به صورت خلاصه هرچند که تامین مالی از طریق بورس اقدامی مناسب و آزمون پس داده است و در شرایطی که امروزه صنعت برق با کمبود شدید منابع سرمایه‌گذاری دست و پنجه نرم می‌کند، ورود به بازار بورس می‌تواند راه حل مناسبی برای مشکلات صنعت برق باشد، اما باید توجه داشت که به دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کشور و پیش‌بینی ناپذیر بودن رفتار عمومی جامعه ایران در عرصه اقتصاد، می‌بایست با توجه و دقت بسیار بیشتری پای در این میدان نهاد. مشورت با کارشناسان خبره بورس و به‌کارگیری متخصصان اقتصادی و حقوقی برای به انجام رساندن کار، پیشنهاد و توصیه‌ای جدی است که می‌توان به شرکت‌های علاقه‌مندی که در صنعت برق، قصد ورود به بازار بورس را دارند، کرد.

بورس انرژی برای صنعت برق

مساله دیگری که در پایان این گزارش درباره فعالیت صنعت برق در بورس باید به آن پرداخت و چندان نیز تازه نیست، مساله ارایه برق در بورس انرژی است که مدت‌هاست مورد بحث بوده و می‌تواند بسیاری از مشکلات صنعت برق در بخش عرضه را که از قضا مهم‌ترین بخش مشکلات این صنعت نیز هست، تا اندازه زیادی حل کند. اما این بخش از بورس با دشواری‌های بسیاری نیز روبروست.

سید علی حسینی مدیرعامل بورس انرژی در گفتگوبا برق نیوز و توضیح عوامل مشکلات موجود در بورس انرژی برای صنعت برق اظهار می‌کند: وقتی بر روی ورود فعالان صنعت برق به بازار و تأمین منابع و نقدینگی برای گردش معاملات در بورس یا ارتباط با مصرف کنندگان به طور مستقیم مضمیقه ایجاد می‌شود، به طور حتم بر روی تأمین مالی آن‌ها نیز تأثیر گذار است. اگر در چند سال گذشته وزارت نیرو تکالیف قانونی خود برای توسعه بازار برق در بورس انرژی، تقویت ورود بخش خصوصی به بازار و امکان تأمین مالی برای ساخت نیروگاه‌ها از طریق بازار سرمایه را جدی‌تر می‌گرفت، به طور حتم الان بحث‌های پیرامون قطعی برق وجود نداشت.

اما محمدحسین عسگری کارشناس صنعت برق در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» درباره مزیت‌های بورس انرژی می‌گوید: زنجیره صنعت برق از بخش‌های تولید، انتقال، توزیع و فروش برق تشکیل شده است که هر کدام از این بخش‌ها صناعی را در کنار خود ایجاد کرده‌اند. در حال حاضر بخشی از فروش برق در بورس انرژی ایران و بخشی نیز در بازار برق شرکت مدیریت شبکه برق ایران معامله می‌شود و در این بازارها از یک سو تولیدکنندگان که نیروگاه‌های تولید برق هستند و از سوی دیگر خریداران که شرکت‌های توزیع برق هستند، حضور دارند. وی افزود: خرید و فروش برق در بورس انرژی نه تنها بستری را برای کشف قیمت برق برای خریدار و فروشنده ایجاد می‌کند بلکه با ایجاد شرایط پیش فروش و پیش خرید برق، ابزار پوشش ریسک نوسانات قیمت برق را در اختیار خریداران و فروشندگان قرار می‌دهد. همچنین در بورس انرژی، از طریق قراردادهای سلف موازی استاندارد، امکان تامین مالی برای فعالان این صنعت فراهم شده است.

به صورت خلاصه حضور فعال‌تر صنعت برق در بورس انرژی می‌تواند گامی مهم به سوی منطقی‌تر شدن قیمت برق در ایران و ایجاد تعادل هر چه بیشتر میان هزینه‌ها و درآمدهای تولیدکنندگان برق باشد. البته این کار تنها مشکل بخش تولید نیرو را حل نخواهد کرد بلکه با توجه به ارتباط نزدیک سایر بخش‌های تولیدی و خدماتی صنعت برق با بخش تولید، در صورت بهبود وضعیت مالی بخش تولید، وضعیت دیگر بخش‌ها نیز بهبود خواهد یافت. همچنین بهبود وضعیت مالی صنعت برق به طور کلی سبب ایجاد جذابیت سرمایه‌گذاری در این صنعت و جلب علاقه‌مندان خواهد شد، که به نوعی ایجادکننده یک چرخه تاثیر متقابل مثبت خواهد بود.■

صفحه

۴۰ **ستبران ۱**

بهار ۰۹۹، دوره جدید

ستبران ۱

صفحه

بنگاه‌های کوچک و متوسط در هر کشوری می‌توانند سهم به‌سزایی در ارتقای اقتصاد کشور به اقتصادی رقابتی، پویا، مبتنی بر دانش و اشتغال‌زایی داشته باشند. در کشور ما به دلیل چالش‌های اقتصادی موجود و کمبود نقدینگی، هیچ‌گاه تامین مالی شرکت‌های صنعتی، تولیدی و بازرگانی ورود آن‌ها به بازار سرمایه محقق نشده و مشکلات ساختاری واحدها از قبیل عدم شفافیت دفاتر مالی اصلاح نشده است. این دسته از شرکت‌ها در زمینه توسعه و رشد خود نسبت به واحدهای بزرگ صنعتی یا چالش‌های بیشتری مواجهند. رضی حاجی آقامیری، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در گفتگو با ستیران به معایب و موانع ورود شرکت‌های SME به بازار بورس و فرابورس پرداخته که مشروح آن در ادامه آمده است.



رضی حاجی آقامیری | عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران

دولت؛ مانع ورود بخش خصوصی به بازار سرمایه است

با توجه به شرایط اقتصادی کشور و بحران کمبود نقدینگی بخش صنعت، بنگاه‌های اقتصادی برای حفظ نقدینگی و تامین مالی مورد نیاز خود چه مسیرهایی را در پیش رودارند؟

بنگاه‌های اقتصادی (SMEها) از قبیل شرکت‌های تولیدکننده و شرکت‌های بازرگانی صادرکننده برای حفظ نقدینگی در درجه اول نیاز به فروش دارند. چنانچه این شرکت‌ها خریدی انجام دهند یا برای راه‌اندازی یک خط تولید سرمایه‌گذاری کنند، تا زمانی که محصولات و تولیدات‌شان به فروش نرسد هیچ‌گونه نقدینگی در صندوق خود نخواهند داشت. در حال حاضر ما دچار یک بحران اقتصادی هستیم و به جهات مختلف، سطح فروش این شرکت‌ها بسیار پایین آمده است.

ارزیابی شما از ورود فعالان اقتصادی به بازار سرمایه چیست؟

دلایل رکود و افت اقتصادی این شرکت‌ها این است که در درجه اول وضع عمومی اقتصادی کشور خوب نیست. در درجه دوم اغلب شرکت‌ها با مشکلات مختص به خود مواجهند. بسیاری از شرکت‌های تولیدی به دلیل عدم دسترسی به مواد اولیه‌ای که باید از خارج وارد شود با مشکل روبه‌رو هستند. شرکت‌های بازرگانی نیز از یک سوبه علت کمبود نقدینگی برای خرید دچار چالش هستند و از سوی دیگر در فروش محصول به دلیل شیوع بیماری کرونا و متعاقب آن نبود تقاضا و تعطیلی بیشتر بازارهای فروش در تنگنا هستند.

از طرفی شرکت‌های صادرکننده هم مشکلات عدیده‌ای از قبیل مساله انتقال ارز و پیمان ارزی دارند و همه این‌ها موجب شده است که شرکت‌های اقتصادی در یک حالت توقف مطلق قرار گیرند. به همین جهت نمی‌توانند پول حاصل از فروش خود را باز پس گیرند و نقدینگی مورد نیازشان را تامین کنند و همین امر سبب می‌شود نتوانند فعالیت‌های اقتصادی خود را در چرخه اقتصادی کشور ادامه دهند و سرمایه در گردش داشته باشند.

به نظر من بازار سرمایه تا حدودی تخصصی است و ورود افراد کم‌تجربه و غیرمتخصص به این عرصه می‌تواند خطراتی را برایشان به بار آورد. به همین دلیل بسیاری از فعالان اقتصادی جرات ورود به قمار بزرگ بورس را ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند فعالیت خود را متوقف کنند تا اینکه وارد حوزه‌ای شوند که آن را نمی‌شناسند. ورود به بورس دوی همه دردها و مشکلات امروز بورس نیست و شبیه به یک حرکت کاذب شده و نقشی در رفع مشکلات اقتصادی کشور ندارد. بورس درحقیقت یک نوع بازی با پول و سرمایه است و بنده شخصا وارد این بازی‌ها نمی‌شوم. فروش سهام از طریق بورس انجام می‌شود و خرید آن از سوی مردم هم بستگی به این دارد که چقدر به واحدهای بازرگانی، تولیدی و اقتصادی اعتماد کنند. این‌طور نیست که بتوان با یک سری داده‌های آماری، میزان ریسک مردم و استقبال آنان از داد و ستد سهام را تحلیل اقتصادی کرد. تحلیل کردن نیاز به داده‌های قابل اعتمادتری دارد و چون ما این اطلاعات را نداریم تحلیل‌مان ارزش کارشناسی ندارد.

اتاق بازرگانی برای تسهیل ورود شرکت‌ها به بازارهای سرمایه اقدامی انجام داده یا برنامه‌ای چه اقدامی را انجام داده است؟

از اتاق بازرگانی چندان کار خاص عملیاتی بر نمی‌آید و تصمیم‌گیری درخصوص نحوه ورود شرکت‌های SME به بورس در اختیار مدیریت اقتصادی کشور است که دولت در محوریت آن قرار دارد. در حال حاضر غالب فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت انجام می‌گیرد و حتی بورس هم توسط شرکت‌های خصولتی و دولتی هدایت و کارگردانی می‌شود. در نتیجه بخش خصوصی یا همان شرکت‌های SME به این سادگی‌ها نمی‌توانند به بازارهای سرمایه راه یابند. مگر اینکه در دولت اراده‌ای پیدا شود و تصمیم بگیرد ورود شرکت‌های کوچک و متوسط را به بورس تسهیل کند. ■



مهناز علی آبادی | مدیر کمیته مالی-بانکی سندیکای صنعت برق ایران

آب

ناآگاهی از تنوع ابزارهای مالی؛

به آسیاب کم پولی

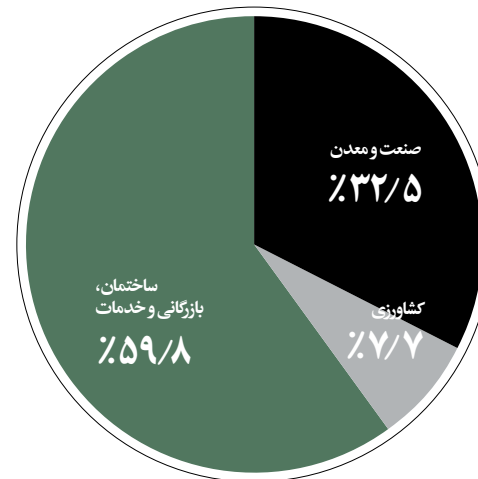
بخش بزرگی از صنعت برق شامل سازندگان کالا و تجهیزات برقی است که با توجه به بالا بودن هزینه تمام شده کالای ساخته شده، برای تولید تجهیزات سفارشی، هزینه بالایی را متحمل می‌شوند. همچنین ارائه دهندگان خدمات فنی و مهندسی و پیمانکاران این صنعت نیز در انعقاد قراردادهای پیمانکاری و ساخت، غالباً بخش بزرگی از مبلغ قرارداد را صرف هزینه تأمین قطعات و تجهیزات می‌کنند. لذا برای تأمین مالی این پروژه‌ها نیاز به منابع مالی است که می‌تواند متناسب با ماهیت موضوع قرارداد و نوع رابطه بین عرضه‌کننده و تقاضاکننده، از منابع متفاوتی تأمین گردد.

ساده‌ترین روش تأمین مالی پروژه‌ها که نسبت به سایر روش‌ها نیز شناخته شده‌تر است، استفاده از سرمایه‌های داخلی است. در این شیوه پیمانکار یا فروشنده تجهیزات از محل پیش‌پرداخت کارفرما یا خریدار، بخشی از هزینه‌های اولیه را پوشش داده و مابقی هزینه‌ها نیز از منابع داخلی عرضه‌کننده تأمین می‌شود. سپس به تدریج و با پیشرفت فیزیکی پروژه و یا به صورت یکجا در سررسید قرارداد، مبلغ فروش کالا یا خدمات توسط کارفرما تسویه می‌شود.

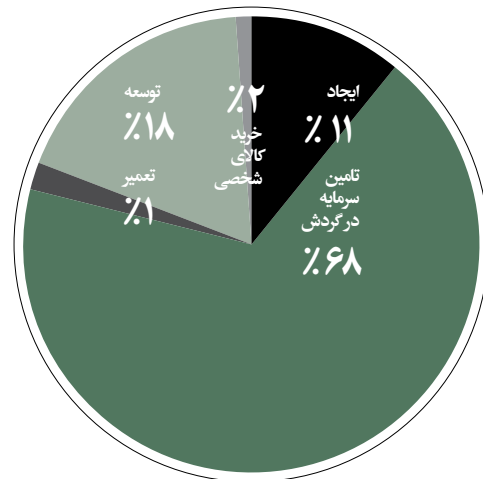
امروزه استفاده از سرمایه‌گذاری داخلی برای بسیاری از پروژه‌ها دشوار شده یا مقرون به صرفه نیست که ناشی از کاهش نقدینگی و تورم و هزینه فرصت بالای این منابع برای مالکان دارایی است. در این شرایط استفاده از سرمایه‌های بازارهای مالی موضوعیت می‌یابد. بازارهای مالی وظیفه پشتیبانی از بخش واقعی اقتصاد را بر عهده دارند تا شرایط لازم جهت توسعه و رشد پایدار اقتصادی را فراهم کنند. در تقسیم‌بندی بازارهای مالی می‌توان به دو بازار پول و سرمایه اشاره کرد.

بازار پول

بازار پول، بازاری برای دادوستد پول و دیگر دارایی‌های مالی جانشین نزدیک پول است که سررسید کمتر از یک سال دارند. بانک‌ها بازیگران اصلی این بازار هستند که در بانکداری اسلامی، از محل منابع تجمیع شده مردم، تسهیلات پرداخت کرده و به این ترتیب آن‌ها را به طور غیرمستقیم در سرمایه‌گذاری شرکت می‌دهند. از آنجا که در پرداخت تسهیلات بانکی، نرخ



نمودار ۱. مبلغ تسهیلات پرداختی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به تفکیک بخش‌های اقتصادی
منبع: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



نمودار ۲. تسهیلات پرداختی در ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۸ به بخش صنعت و معدن به تفکیک هدف از پرداخت
منبع: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سود تسهیلات توسط شورای پول و اعتبار به صورت تکلیفی به بانک‌ها اعلام می‌شود، اغلب این نرخ در مقایسه با بهای تمام شده پول و لحاظ هزینه‌های غیرعملیاتی بانک‌ها، جذابیت پرداخت تسهیلات را خصوصاً در مصارف بانخ بازدهی پایین کاهش می‌دهد. بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی لازم است تا علاوه بر پوشش بهای تمام شده پول و هزینه‌های غیرعملیاتی خود، سود سهام داران را نیز در تعیین سود تسهیلات لحاظ کند لذا با استفاده از روش‌های گوناگون سعی در بالا بردن نرخ سود مؤثر تسهیلات در مقابل نرخ سود اسمی دارند که از آن جمله می‌توان به لزوم مسدودی سپرده نقدی در حساب جاری به عنوان وثیقه و تخصیص تسهیلات به دارندگان سپرده‌های با میانگین یا رسوب در دوره‌های زمانی گذشته اشاره کرد. همچنین مطابق با مصوبات شورای پول و اعتبار و آیین‌نامه‌های ابلاغی بانک مرکزی و باهدف انعطاف‌پذیری بالای شبکه بانکی در تغییر مقررات، بانک‌ها از پذیرش منابع مردمی در قالب سپرده‌های بلندمدت (بیش از یک سال) با نرخ سود ثابت منع شده‌اند. این مساله منجر به ترجیح بانک‌ها در پرداخت تسهیلات در بخش‌های اقتصادی زودبازده و پرسود شده است. همان‌طور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، ۵۹،۸٪ از کل مبلغ تسهیلات پرداختی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در سال ۱۳۹۸ به بخش‌های اقتصادی زودبازده مانند ساختمان، بازرگانی و خدمات تخصیص داده شده است.

در نمودار ۲ تسهیلات پرداختی به بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۹۸ به تفکیک هدف از پرداخت نشان داده شده است. ۶۸ درصد از تسهیلات به این بخش جهت تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده است که حداکثر دوره آن یک سال مالی است. طرح‌های توسعه‌ای و ایجاد در بخش صنعت و معدن غالباً میان مدت و یا بلندمدت هستند و سهم کمی از تسهیلات را به خود اختصاص داده‌اند (به ترتیب ۱۸ و ۱۱ درصد).

از دیگر دشواری‌های استفاده از منابع بازار پول جهت تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت صنعتی، لزوم بازپرداخت اصل و سود تسهیلات در بسیاری از قراردادهای منعقد شده بر پایه عقود اسلامی است. چنانچه به عنوان مثال در بازپرداخت تسهیلات فروش اقساطی، هر قسط مطابق با فرمول جهانی

محاسبه اقساط، از دو بخش بازپرداخت اصل و سود تشکیل شده است. درحالی‌که در پروژه های ایجاد و توسعه در بخش صنعت، غالباً در ماه‌های ابتدایی دوره بازپرداخت، درآمدزایی آغاز نشده است و این الزام در بازپرداخت بنگاه را با مشکل تأمین نقدینگی مواجه کرده و یا به دلیل عدم توانایی در ایفای به‌موقع تعهدات، جرائم تأخیردر تأدیه دیون را به وی تحمیل می‌کند.

در مقابل این موانع و معایب تأمین مالی با استفاده از منابع بازارهای پولی، این بازار مزایایی نیزنسبت به بازار سرمایه دارد که از آن جمله می‌توان به ارزان‌قیمت‌تربودن این منابع اشاره کرد. در حال حاضرنرخ سود مؤثر تسهیلات بانکی پایین‌تراز نرخ سود منابع بازار سرمایه است. چراکه هزینه‌هایی ازجمله هزینه متعهد پذیرهنویسی را شامل نمی‌شود. همچنین بهره مندی از منابع بازار پولی برای مبالغ پایین نیزمیسراست لیکن بازار سرمایه تنها امکان تأمین مالی در مبالغ بالا را دارد.

بازار سرمایه

بازار سرمایه از دیگربازارهای مالی است که ابزارهای مالی بلندمدت با سررسید بیش از یک سال در آن مورد معامله قرار می‌گیرد. با گذشت زمان و استفاده از ابزارهای مالی در جهان، کشورهای اسلامی نیزضرورت استفاده از این ابزارها را درک کرده و با توجه به اهمیت تأمین مالی شرکت‌ها از روش های اسلامی، ابتدا نظام بانکداری اسلامی ایجاد و سپس بازار سرمایه اسلامی طراحی شد. در این بازار، نقش ابزارهای مالی اسلامی در نظام تأمین مالی اسلامی بسیار برجسته است.

ابزارهای مالی در بازار سرمایه

ابزارهای مالی دارایی های قابل معامله ای هستند که ارزش مبادله‌ای داشته باشند که این ابزارها سه نقش متمایزدر جریان‌های مالی ایفا می‌کنند.

اول آنکه این ابزارها به نقل‌وانتقال وجوه از سهامدارانی که مازاد سرمایه دارند و مایل به سرمایه‌گذاری هستند، به کسانی که به این وجوه برای

سرمایه‌گذاری در دارایی های حقیقی نیاز دارند، کمک می‌کند.

دوم، ابزارهای مالی دستیابی به رشد اقتصادی متعادل را تسهیل می‌کنند.

سوم، این ابزارها پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را ترویج می‌دهند. چراکه پس‌اندازهای خانوار برای تأمین مالی طرح های بزرگ سرمایه‌گذاری، انباشت و جمعیت شده و این امکان برای خانوارها پدید می‌آید که سرمایه‌های خود را تجهیز کرده و در سبد متنوعی از دارایی های حقیقی سرمایه‌گذاری کنند.

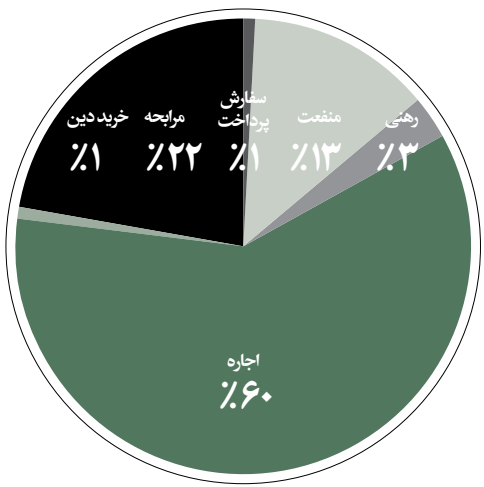
در بازارهای پول و سرمایه دنیا، دو نوع ابزار مالی وجود دارد:

۱- ابزارهای سرمایه ای (مالکیتی)

ابزارهای سرمایه‌ای یا مالکیتی ابزارهایی هستند که منابع مالی متقاضی را به تأمین سرمایه‌های موردنیاز شرکت و یا یک پروژه خاص تخصیص داده و در قبال آن مالکیت دارایی مالی را به وی تسلیم می‌کنند که یک نوع دارایی نامشهود قلمداد می‌شود. ازجمله ابزارهای مالکیتی می‌توان به «صندوق سرمایه گذاری پروژه» اشاره کرد. هدف از تشکیل صندوق سرمایه گذاری پروژه، جمع آوری سرمایه از سرمایه‌گذاران و متقاضیان و اختصاص وجوه جمع‌آوری‌شده به ساخت و بهره‌برداری انواع پروژه‌های توجیه‌پذیراست. وجوه صندوق سرمایه‌گذاری پروژه فقط برای راه‌اندازی پروژه‌های پیش‌بینی‌شده در طرح‌های توجیهی و پرداخت هزینه‌هایی که در اساسنامه صندوق پیش‌بینی‌شده است، اختصاص می‌یابد. از دیگر ابزارهای سرمایه‌ای می‌توان به تأسیس صندوق‌های جسورانه و صندوق‌های خصوصی اشاره کرد.

۲- ابزارهای استقراضی (بدهی)

ابزارهای مالی استقراضی (صُکوک)، اوراق بهادار باارزش مالی یکسان و قابل معامله در بازارهای مالی هستند که برپایه‌ی یکی از قراردادهای مورد تأیید اسلام (عقود اسلامی) طراحی‌شده‌اند و دارندگان اوراق به‌صورت مشاع، مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها و منافع حاصل از آن‌ها هستند. ابزارهای بدهی یا صکوک مطابق با ضوابط و مقررات جاری و به استناد



نمودار ۴. تعداد اوراق منتشره برحسب نوع عقد از سال ۱۳۸۹ الی خرداد۱۳۹۹

منبع: سایت شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه

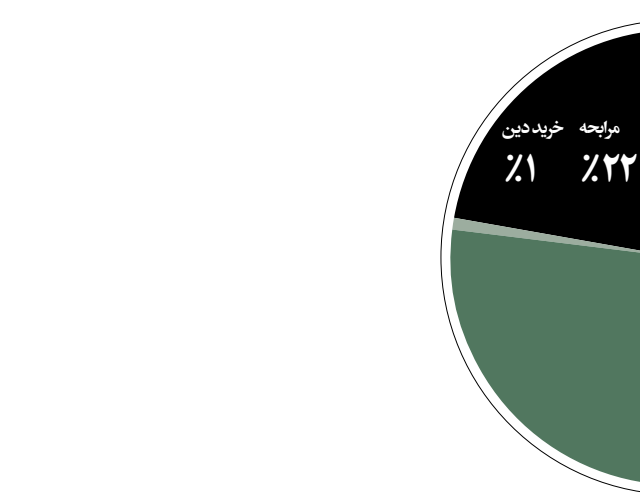
اطلاعات شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه که وظیفه تأسیس و راهبری نهادهای واسط را در بازار سرمایه‌ی ایران عهده دار می‌باشند، بر اساس ۱۳ عقد قابل‌انتشار است که شامل اوراق قرض‌الحسنه، اجاره، مرابحه، مضاربه، منفعت، مزارعه، مساقات، استصناع، سلف، جعاله، مشارکت، خرید دین و رهنی است. اوراق پرکاربرد در قراردادهای پیمانکاری، شامل سفارش ساخت، اجاره و مشارکت است و در حوزه‌های ساخت کالا و تجهیزات نیز، اوراق اجاره، مرابحه، مشارکت و سلف موازی استاندارد کاربرد دارند.

اطلاعات مربوطه به تعداد اوراق بدهی منتشرشده در ایران طی سال های ۱۳۸۹ تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۹در نمودار ۳ مشخص شده است. مطابق با این اطلاعات، اولین اوراق بدهی منتشره در ایران مربوط به سال ۱۳۸۹ و در قالب عقد اجاره و به مبلغ ۲۹۱،۵۰۰ میلیون ریال و مدت ۴ سال به تقاضای هواپیمایی ماهان منتشرشده است.

در نمودار ۴ اوراق منتشرشده برحسب هریک از عقود مشخص شده است. دلیل استقبال اوراق اجاره نسبت به سایر اوراق، آن است که درانتشار این اوراق برخلاف اوراق مشارکت، استفاده‌کننده از این منابع (بانی) یکی از دارایی های خود ازجمله زمین، ساختمان و تأسیسات و یا ماشین‌آلات و تجهیزات را به نهاد واسط در قبال پرداخت وجه جمعیت شده از محل فروش اوراق، فروخته و سپس آن دارایی را مجدداً از نهاد واسط به نمایندگی از خریداران اجاره می‌کند. لذا شرکت، آزادی عمل بیشتری در خصوص محل مصرف منابع حاصل از فروش این اوراق دارد.

ابزارهای مشتقه

در کنار این دو نوع ابزار و با توجه به نیازهای بازارهای مالی، ابزارهای مشتقه ایجادشده‌اند. این ابزارهای مالی مستقلاً دارای ارزش نبوده و ارزش آن‌ها از ارزش یک دارایی پایه مانند کالا، انرژی، ارز، پول و سرمایه مشتق شده است. در معاملات این ابزارها، اصل دارایی جابه‌جا نشده و قیمت آن ناشی از تغییرات قیمت کالای مربوطه است. این گروه از معاملات به انتقال و



نمودار ۴. تعداد اوراق منتشره برحسب نوع عقد از سال ۱۳۸۹ الی خرداد۱۳۹۹

منبع: سایت شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه

مدیریت ریسک در بازارها و درنتیجه کاهش هزینه تأمین مالی کمک کرده و منجر به افزایش بازدهی دارایی‌ها می‌شود. معمول‌ترین ابزارهای مشتقه عبارت‌اند از: سواپها (Swaps)، قراردادهای آتی (Futures Contract)، اختیار معامله (Options) و پیمان آتی (Forward contract).

در حال حاضر شرکت بورس کالای ایران با طراحی ابزارهای مشتقه مورد تأیید فقهای شیعه، روش‌های نوینی را برای مدیریت ریسک و تأمین مالی شرکت‌ها و پروژه‌ها ارائه کرده که از آن جمله می‌توان به تأمین مالی به شیوه سلف موازی و انتشار اوراق خرید دین کالا و مواد اولیه اشاره کرد. همچنین باهدف مدیریت ریسک، کشف قیمت پرمیوم به‌عنوان یک مدل نوآورانه در بازارهای مالی طراحی شده است.

با توجه به نیاز روز افزون شرکت‌های فعال در صنعت برق به تأمین مالی و سوق پیداکردن پروژه‌ها از مدل کارفرمایی و پیمانکاری به شیوه های مشارکت عمومی و خصوصی که مستلزم تأمین منابع مالی پروژه‌هاست، ضرورت ارائه راهکارهای نوآورانه در تأمین مالی امری بدیهی است.

از سوی دیگر نوسانات بازارهای ارز و فلزات رنگی، تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات و تجهیزات موردنیاز شرکت‌های فعال در این صنعت را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اینکه عموم قراردادهای فروش کالا و خدمات این صنعت در انحصار خرید شرکت توانیر و شرکت‌های تابعه آن است، تسهیم ریسک این نوسانات، علی‌رغم تلاش‌های مداوم بخش خصوصی، همچنان به‌صورت عادلانه‌ای صورت نگرفته است که این مساله می‌تواند بخش خصوصی را در صنعت برق به تدریج تضعیف ساخته و زنجیره تأمین این صنعت زیرساختی و استراتژیک را برهم بزند. بنابراین شایسته است که با همسوسازی منافع شرکت‌های فعال در بخش خصوصی صنعت برق و بخش دولتی، به‌عنوان دو عضو کلیدی این زنجیره و استفاده از روش‌های نوین و خلاقانه ای که در حال حاضر تا حدودی بستر قانونی و اجرایی آن نیز فراهم شده است، علاوه بر تأمین منابع مالی موردنیاز، ریسک و مخاطرات موجود بین بازیگران این صنعت به‌درستی مدیریت و تسهیم شود.▀

صفحه			
<p>۴۷</p>	<p>ستبران ۱</p>	<p>بهار ۹۹، دوره جدید</p>	

صفحه

۴۶

بهار ۹۹، دوره جدید

هفت خوان

ورود صنعت برق به بازار سرمایه

میزگردی تحلیلی درباره
پیچیدگی های بازار سرمایه
برای پذیرش شرکت ها؛

۷

یکی از مهمترین چالش هایی که صنعت برق ایران به عنوان زیرساختی ترین صنعت کشور با آن مواجه است، موضوع تامین مالی است. بخش انتقال و توزیع صنعت برق که بیشتر شرکت های عضو سندیکا نیز در این حوزه فعالیت دارند، با پیامدهای ناشی از روند نزولی سرمایه گذاری در این صنعت دست به گریبان هستند. در این راستا ستبران در میزگردی با حضور

«مسعود خانی» مدیرکل دفتر تامین منابع مالی توانیر،
«حسن مردانی» کارشناس مسئول سرمایه گذاری وزارت نیرو،
«حمیدرضا صالحی» رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران و عضو هیات مدیره سندیکا،
«ولی اله بیات» مدیرعامل شرکت پارس سوئیچ،
«علی جبل عاملی» عضو هیات مدیره شرکت مشاور سرمایه گذاری تامین سرمایه نوین،
«علیرضا اسدی» معاون پژوهشی و برنامه ریزی سندیکا
و «سپهر برزی مهر» دبیر سندیکا

و در دو محور به بررسی این مسئله پرداخته است. در محور اول علل و عواملی را که منجر به کاهش سرمایه گذاری در صنعت برق و افزایش بدهی شده، طرح و تبیین شده و در محور دوم راهکارهای حل این معضل به بحث گذاشته شده است. مشروح این میزگرد را در ادامه می خوانید:

خوان اول: بودجه ناکارآمد



ولی اله بیات

طبیعتاً سرمایه‌گذاری با وجود منابع امکان‌پذیر است و کمبود منابع این مسیر را با چالش مواجه می‌کند. وقتی درآمدهای ما در مجموعه خود که سهم کوچکی در صنعت برق کشور دارد، با مشکل روبرو می‌شود، نگران تامین درآمدها شده و بلافاصله به فکر مدیریت هزینه‌ها بوده و سعی در ایجاد تعادل داریم. اما این رویکرد در هزینه‌ها و درآمدهای کل کشور جایی ندارد و بنا به گفته رئیس جمهور، ۸۵ درصد درآمدها صرف هزینه‌های جاری می‌شود. آیا با وجود کمبود منابع، نباید برای مدیریت هزینه‌ها تدابیری اتخاذ شود؟ از ۲۵ سال گذشته که برون‌سپاری (outsourcing) در شرکت‌های دولتی به وجود آمد تا هزینه‌ها مدیریت و فعالیت‌ها چالاک‌سازی شود، نه تنها هزینه‌ها کاهش پیدا نکرد بلکه باعث افزایش هزینه‌های پیمانکاری نیز شد، نتیجه‌ای که با هدف برون‌سپاری کاملاً در تضاد بود. موضوعی که امروز با افزایش هزینه‌های جاری در کشور باید فکری برای آن کرد تا سازمان‌های دولتی با برنامه‌ریزی بتوانند هزینه‌های خود را مدیریت کنند و هزینه‌های جاری دولت در سقف معینی (مثلاً ۶۰ درصد درآمدها) محدود شود. بدین ترتیب می‌توان با آزادسازی منابع، زمینه سرمایه‌گذاری را فراهم کرد.



علیرضا اسدی

اختلاف بین اهداف برنامه ششم توسعه، میزان پیشرفت طرح‌های تصویب شده صنعت برق و اتفاقات رخ داده در این صنعت، نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته حجم سرمایه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق فراهم نشده است. در گذشته سرمایه مورد نیاز برای پروژه‌ها از منابع داخلی صنعت برق و بودجه عمومی تامین می‌شده اما در دهه گذشته، این سرمایه‌گذاری به اندازه کافی نبوده و حتی راهکارهایی مانند استقراض از بانک و فاینانس هم نتوانسته پاسخگوی سرمایه مورد نیاز این صنعت باشد. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تامین بودجه سرمایه‌گذاری در صنعت برق، فقط ۳۰ درصد اهداف برنامه بودجه بوده و ۷۰ درصد آن محقق نشده است. نتیجه این روند منجر به بدهکاری دولت به بخش خصوصی شده است چرا که این بخش برای اجرای پروژه‌ها از منابع داخلی خود هزینه کرده و این هزینه‌ها بدون محاسبات مالی و بروزرسانی، در زمان سررسید پرداخت شده که معضل انباشت مطالبات نتیجه این فرایند است.



حمیدرضا صالحی

با واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در برنامه سوم توسعه و تغییر پارادایم اقتصاد ایران، درآمدهای دولت واقعی‌تر و به روزتر شد و صنعت برق توانست خود را بازسازی و پاسخگوی هزینه پروژه‌های خود باشد. اما در برنامه چهارم و با افزایش قیمت فولاد و فلزات، درآمدهای دولت ثابت ماند و تمام اندیشه‌های گذر از اقتصاد یارانه‌ای به اقتصاد آزاد، تعطیل شد. در مجلس هفتم افرادی وارد بهارستان شدند که به فکر تثبیت قیمت‌ها بودند و با تصویب آن ضربه سنگینی به صنعت برق وارد کردند (مصوبه‌ای که هدیه مجلس به مردم خوانده شد). با تثبیت قیمت حامل‌های انرژی و اختلاف قیمت تکلیفی و تمام شده برق، انباشت بدهی به صنعت برق روز به روز بیشتر و بیشتر شد. البته در سال ۸۵، یک میلیارد دلار با نرخ هزار تومان برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق اختصاص داده شد که خارج از محل مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و تمام شده بود. در آن دوران بخش خصوصی و شرکت‌های عضو سندیکا برای اجرای پروژه‌های خود از بانک‌ها تسهیلات دریافت کردند اما با پایین آمدن ارزش پول با دریافت مطالبات خود از وزارت نیرو، نتوانستند اقساط خود را پرداخت کنند و از طرف بانک‌ها تحت فشار قرار گرفتند. تلاش ما و سندیکا در آن روزها این بود که دولت در بودجه، سرفصلی به نام خسارات دیرکرد لحاظ کند تا هم اقدام بخش خصوصی در اجرای پروژه‌ها با هزینه خود ارج نهاده شود و هم هزینه خسارت دیرکرد در هزینه‌ها به این بخش پرداخت شود که متأسفانه موفق نشدیم.

بعد از انقلاب، حاکمیت در صنعت برق کارهای بزرگ و حرکت‌های درستی انجام داد. با حمایت دولت‌های وقت مخصوصاً دهه ۶۰ ما دارای صنعت برق شدیم. با حمایت هوشمندانه و فرصتی که به بخش خصوصی در این صنعت داده شد، شرکت‌هایی مانند ایران ترانسفو، مپنا، پارس سوئیچ و فولمن، ساپتا، ... ایجاد شدند و شروع به فعالیت کردند. همیشه در کشور روی تولید برق و ساخت نیروگاه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شد، مثلاً وقتی دوره دولت هشتم به پایان رسید، صنعت برق ۴۱ هزار مگاوات نیروگاه نصب شده و ۱۷ هزار مگاوات پروژه (حدود ۴۳ درصد) در دست اجرا داشت که اغلب این پروژه‌ها تا ۷۰ درصد پیشرفت داشتند که منجر به این می‌شد که دولت بعدی هیچ نگرانی نداشته باشد (پروژه‌ها معمولاً ۲-۳ سال طول می‌کشند وارد مدار شوند) متأسفانه دولت نهم و دهم این رویه را ادامه نداده و با تغییر بودجه عمرانی، صراحتاً مخالفت خود را با سرمایه‌گذاری اعلام کردند. در صنعت برق نیز اعلام شد که دولت کار نیروگاه‌سازی را به بخش خصوصی واگذار می‌کند اما چون اقتصاد برق رقابتی نبوده و یارانه‌ای است، بخش خصوصی علیرغم علاقمندی خود، حاضر به سرمایه‌گذاری در این حوزه نشد. با آغاز دولت یازدهم، دولت دهم با بهره‌برداری از پروژه‌های دولت‌های قبل ۶۲ هزار مگاوات نیروگاه نصب شده را تحویل داد و ۸ درصد پروژه در دست اجرا هم که در مقایسه با ۴۳ درصد فوق‌الذکر خیلی پایین بود. با مقایسه این درصدها ما متوجه شدیم که صنعت برق با بحران جدی روبرو است. ما می‌دانیم که برای سرمایه‌گذاری در هر زمینه‌ای، امنیت اقتصادی از همه عوامل مهم‌تر است. ما امروز نگران صنعت برق هستیم، چرا که این صنعت زیرساختی چالش‌های بزرگی دارد که اگر حل نشوند، سایر صنایع کشور نیز که وابسته به برق هستند، آسیب خواهند دید.

خوان دوم: (قیمت گذاری تکلیفی)



مسعود خانی

موضوع سرمایه‌گذاری را از نگاه بخش خصوصی به صنعت، می‌توان از دو محور بررسی کرد. محور اول بررسی مشکلات فعلی و مقایسه آن با سایر حوزه‌های فعالیت بخش خصوصی است که کارفرمای آنها دولت باشد. مثل پیمانکاران در وزارت‌های راه، بهداشت و ورزش که ماهیت کارفرمایی دارند و به بخش خصوصی پروژه سفارش می‌دهند. این صنعت از نظر حجم و تعداد فعالان اقتصادی بزرگ پیشرو است. صنعت برق هیچ زمانی وابستگی شدیدی به منابع عمومی برای سرمایه‌گذاری نداشته و همیشه از محل درآمدها و منابع خود سرمایه‌گذاری می‌کرده است. نوسانات درآمدی دولت و رکود در سایر صنایع در ارجاع کار به بخش خصوصی موثر است، اما در صنعت برق به دلیل ماهیت آن که سالانه یک میلیون مشترک جدید دارد، نیاز به سرمایه‌گذاری داریم که این نیاز صرفاً مربوط به اتصال مشترکین جدید به شبکه نیست، بلکه با اضافه شدن آنها تجهیزات، شبکه‌های برق و نیروگاه‌ها نیز نیازمند ارتقای ظرفیت و سرمایه‌گذاری هستند. از طرف دیگر نوسازی، بازسازی، ارتقای شبکه، وارد کردن تکنولوژی‌های جدید، هوشمندسازی اتوماسیون برای قدرت مانور بیشتر و بهره‌برداری هوشمند از شبکه برای به حداقل رساندن شوک‌ها و حوادث به سرمایه‌ای بیش از آن چیزی نیاز دارد که امروز انجام می‌شود. هرچند امروز این صنعت برای تامین سرمایه با مشکل مواجه شده اما نمی‌توان گفت که رکود شدیدی بر آن حاکم است.

ریشه اصلی این مشکلات، قیمت تکلیفی است. طبق آخرین گزارش سازمان حسابرسی به عنوان بررسی‌کننده صورتحساب‌های مالی صنعت برق، در سال ۹۷، ۱۰ هزار میلیارد تومان کمتر از قیمت تمام شده، برق فروخته شده و به مطالبات صنعت برق از دولت اضافه شده است. ما با استناد به گزارش سازمان حسابرسی و از ظرفیت قانون حمایت از صنعت برق استفاده کرده و مابه‌التفاوت قیمت تمام شده و قیمت فروش تکلیفی برق را به عنوان مطالبات از دولت به تایید رسانده‌ایم و بخشی از آن را با بدهی بانکی و مالیاتی تهاتر کردیم که البته با توجه به محدودیت‌های دولت، امکان وصول نقدی فراهم نبود. امسال نیز برای استفاده از این ظرفیت برنامه‌ریزی کرده‌ایم. باید بدانیم تا وقتی که برق با قیمتی کمتر از قیمت تمام شده، به مشتری فروخته می‌شود، نباید انتظار داشته باشیم که مشکلات این صنعت در کوتاه مدت و به صورت ریشه‌ای حل شود. برآوردها نشان می‌دهد که برق ۵۰ درصد کمتر از قیمت واقعی به فروش می‌رسد و بعید است که دولت بخواهد قیمت برق را ۵۰ درصد افزایش دهد،

بنابراین باید بپذیریم که این صنعت در میان مدت با این مسئله دست به گریبان است.

ما تا اوایل دهه ۸۰ عملاً مشکلی برای تامین مالی نداشتیم و نیازی به ارجاع به منابع خارج از صنعت برق احساس نمی‌شد. منابع فروش برق کفایت لازم را برای سرمایه‌گذاری داشت، دلیل آن هم همان افزایش قیمت‌ها در برنامه سوم توسعه بود و منابع خوبی به صنعت برق تزریق شد. هرچند که در آن سال‌ها در موارد محدودی از منابع فاینانس‌های خارجی استفاده می‌شد، اما بهره‌گیری از بازارهای مالی و پولی داخلی برای تامین مالی این صنعت به طور گسترده نبود. بعد از تصویب طرح تثبیت قیمت حامل‌های انرژی در مجلس هفتم، رشد درآمدهای ما چندین سال متوقف شد، در دهه ۸۰ دولت به خاطر درآمدهای نفتی، توانایی داشت و به صنعت برق کمک‌هایی کرد که در سال ۸۵ مبلغ این کمک یک میلیارد دلار بود و در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ بابت مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی و تمام شده، مجموعاً ۴۸۰۰۰ میلیارد ریال به صورت نقدی به صنعت برق پرداخت شد که این آخرین مرحله‌ای بود که در خصوص مابه‌التفاوت نقدینگی به صنعت برق تزریق شده است. با کاهش درآمدهای نفتی و بروز تحریم‌ها توانمندی دولت برای جبران سرکوب قیمت‌ها از دست رفت و حتی بابت هدفمندی یارانه‌ها از منابع صنعت برق نیز برداشت شد. از سوی دیگر فاصله بین قیمت تمام شده و فروش تکلیفی هم سال به سال افزایش یافت.

در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ که به شدت بحران کمبود منابع داشتیم، آخرین باری بود که با انتشار اوراق مشارکت بخشی از نیازهایمان را مرتفع کردیم. البته خود این کار هم باعث تبدیل بدهی معوق به سیستم بانکی شد و بخش دولتی صنعت برق وارد بلک لیست سیستم بانکی شد و عملاً امکان رجوع به بازارهای سرمایه و پول فراهم نبود. چندین بار برای استفاده از اوراق اقدام کردیم اما هیچ کدام از بانک‌ها به علت مشکلاتی که وجود داشت، حاضر نشدند عاملیت انتشار این اوراق را بپذیرند چرا که می‌دانستند با اولین استعمال از بانک مرکزی، با مخالفت و ممانعت مواجه خواهند شد. اما در سال ۱۳۹۷، ۱۰ هزار و ۶۵۵ میلیارد تومان از بدهی‌های بانکی صنعت برق را با سازوکار اوراق بانکی نوع دوتسویه کردیم لذا این مشکل امروز مرتفع شده است و عملاً توانیر، شرکت‌های برق منطقه‌ای، شرکت‌های توزیع و بسیاری از نیروگاه‌ها بدهی مستقیم معوقی به سیستم بانکی ندارند به جز نیروگاه‌هایی که از صندوق ذخیره ارزی با صندوق توسعه ملی استفاده کرده‌اند که این بدهی‌ها قابلیت تهاتر با اوراق تسویه را ندارند.

ما در دو سال اخیر بدهی بانکی شرکت‌های غیردولتی صنعت را هم تسویه کردیم. ما بدهی بانکی ۶۰۰ میلیارد تومانی شرکت ایران ترانسفو به عنوان بزرگترین فروشنده تجهیزات شبکه‌های انتقال و توزیع حتی بدهی شرکت‌هایی با وام کوچک ۵۰ میلیون تومانی را هم تسویه کردیم. پیش‌بینی می‌شود امسال آخرین سالی باشد که این ظرفیت قانونی وجود دارد و کل اعتبار کشور ۳۰ هزار میلیارد تومان است، ما مترصد این هستیم که با ابلاغ دستورالعمل‌ها و سهمیه‌ای که به بانک‌های تجاری داده می‌شود از این امر حداکثر استفاده را برده و بتوانیم مطالبات خود را از دولت بابت مابه‌التفاوت وصول کنیم.

ما سال گذشته توانستیم بدهی بانکی خیلی از صنوفی را که با صنعت برق کار می‌کنند، تسویه کنیم البته شرکت‌هایی هم بودند که به خاطر محدودیت‌هایی موفق به تسویه بدهی‌هایشان نشدیم. در دو سال گذشته بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان از این ظرفیت استفاده کردیم. امسال که پیش‌بینی من این است که سال آخر باشد، برنامه اصلی حوزه ما این است که با توجه به تاییدیه‌های سازمان حسابرسی بتوانیم از این فرصت استفاده کنیم. البته باید خاطر نشان کرد تمامی راهکارهای پرداخت بدهی، مسکنی موقت است و دوباره بدهی ایجاد می‌شود. برای حل مشکل صنعت برق به صورت اساسی، یا مردم باید قیمت واقعی برق را پرداخت کنند تا رونق در صنعت برق اتفاق بیفتد، یا دولت (به صورت غیرمستقیم از طریق مردم) آن را پرداخت کند، در غیر این صورت مسائل به صورت موردی حل خواهد شد اما حل ریشه‌ای مسائل امکان‌پذیر نخواهد بود.



حسن مردانی

برای حل مسائل صنعت برق اول باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا در صنعت برق مشکل نقدینگی داریم. چنانچه اختلاف بین نرخ تکلیفی و هزینه تمام شده برق را یکی از عوامل ایجاد بحران و کمبود نقدینگی در صنعت برق بدانیم و با توجه به اینکه تلاش‌های زیادی در راستای حل چالش فوق صورت گرفته و ناموفق بوده است، به نظر می‌رسد که چاره کار احتمالاً در اقتصاد سیاسی مسئله باشد فلذا ناچاراً باید به دنبال راه‌حلی از این جنس بود. از نظر اقتصاد سیاسی، در هر مسأله‌ای گروه‌های ذی‌نفع وجود دارد که در حل همان مسأله لازم است، منافع آنها در نظر گرفته شود. نکته بعدی این است که برای تامین مالی صنعت برق چرا باید به سمت بازار سرمایه حرکت کرد؟ آیا راه حل دیگری وجود ندارد؟ به طور سنتی وزارت نیرو و شرکت‌ها برای تامین سرمایه به سمت بازار پول (سیستم بانکی) حرکت می‌کردند اما چرا امروز استفاده از بازار سرمایه مطرح است آیا واقعا جایگزین دیگری وجود ندارد؟

به اعتقاد من برای تامین نقدینگی مورد نیاز شرکت‌ها، ابتدا باید شرکت‌ها را با معیارهای مورد نظر تامین‌کنندگان مالی، دسته‌بندی کرد و با توجه به ویژگی‌هایی که هر کدام از شرکت‌ها دارند، روش و ابزار تامین مالی متناسب با آن ویژگی‌ها را انتخاب کرد. وزارت نیرو در راستای وظایف حاکمیتی و حمایتی خود می‌تواند شرکت‌های نیازمند به نقدینگی را دسته‌بندی و حتی رتبه‌بندی (وزارت نیرو می‌تواند این کار را به شرکت‌های خصوصی واگذار کند) کرده و با توجه به میزان نیاز و اعتبار آنها، ابزار تامین مالی مناسب برای آن‌ها را معرفی کند. به عنوان مثال، شرکت‌ها را می‌توان براساس معیارهایی چون بزرگ و کوچک بودن، زیان‌ده یا سودده بودن، حجم نیاز به نقدینگی، میزان اعتبار شرکت و ... دسته‌بندی کرد. از طرف دیگر، وزارت نیرو می‌تواند با معرفی و ارائه یک پلتفرم استارت‌آپی (شبیه سکو) به تامین مالی شرکت‌ها بصورت مستقیم کمک کند که در ادامه و در بخش راهکارها پیشنهادی بیشتر توضیح داده خواهد شد. به عنوان مثال، شرکت‌های ایران خودرو و سایپا، چگونه بدون استفاده از بازار سرمایه، بصورت مستقیم از مردم نقدینگی جمع کرده و تامین مالی می‌کنند؟ اگر سازوکار مذکور موفق و قانونی تلقی می‌شود، حتماً وزارت نیرو هم می‌تواند از راه حل مشابه (استفاده مستقیم از سرمایه مردم) برای تامین نقدینگی شرکت‌های فعال در صنعت برق استفاده کند. مهمترین نقشی که وزارت نیرو می‌تواند داشته باشد، این است که بسترهای



علی جبل عاملی

لازم را فراهم کرده و ضمانت‌های لازم برای تامین نقدینگی را فراهم کند. بنابراین علاوه بر بازار سرمایه می‌توان از راهکارهای موازی نیز جهت تامین نقدینگی شرکت‌ها استفاده کرد. بطور مثال، پلتفرم استارت‌آپی سکومی‌تواند ایده و الگوی خوبی برای تامین مالی مستقیم شرکت‌ها باشد.

صنعت برق که از ارکان توسعه کشور است، نسبت به صنعت نفت و صنایع دیگر موفق‌تر بوده و بُعد درون‌زایی موثری داشته است. این صنعت که من از آن به عنوان صنعت مظلوم برق یاد می‌کنم، بی‌حاشیه بوده و نگاه حاکمیتی به آن وجود داشته است. با این ویژگی‌ها، صنعت برق کم‌تر به سمت خصوصی شدن حرکت کرده و دارای مختصات دولتی است. صنعت برق جزو صناعی است که دارای توانمندی فنی بوده و وضعیت خوبی در حوزه تولید دارد، هر چند بخش انتقال و توزیع آن در مظلومیت به سر می‌برد. با این شرایط هم در بازار پول و هم در بازار سرمایه توان سرمایه‌گذاری، تامین نقدینگی و منابع برای این صنعت وجود دارد. طبیعتاً اولین نکته‌ای که در این صنعت سرمایه‌گذار را آزار می‌دهد و مانع از سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود، نگاه حاکمیتی و قیمت‌گذاری دستوری نرخ انرژی است چرا که سرمایه‌گذار نمی‌تواند با اعتماد به آینده، در این حوزه پیش‌بینی کرده و پول خود را سرمایه‌گذاری کند. از طرف دیگر بهای تمام شده قیمت برق بالاست که این مورد صرفاً مربوط به تولید برق نیست و مسائلی از قبیل فرسودگی، افت شبکه، الگوی مصرف نامناسب و ... در آن موثر است. مانع دوم بدهی‌های دولت به صنعت برق است و سرمایه‌گذار با نگاهی به مطالبات از اینکه وارد سرمایه‌گذاری در این صنعت شود و بتواند مطالبات خود را دریافت کند، احساس ترس و نگرانی دارد. بخش جذاب صنعت برق که مربوط به صادرات برق است، دست بخش خصوصی نبوده و یک مسئله حاکمیتی است. امروز در شرایط تحریم، صادرات به عنوان ابزار چانه‌زنی است و دولت حق دارد صادرات انرژی را در دست داشته باشد.

در سیستم بازار سرمایه، تامین مالی برای بلندمدت در نظر گرفته می‌شود و چون پول مردم در آن درگیر است، حساسیت‌های زیادی روی قوانین بازار سرمایه وجود دارد. در این سیستم ضمانت و نوع دارایی‌های پایه‌ای که مبنای انتشار به طور مثال اوراق بدهی قرار می‌گیرد، الزامات اصلی است، در حالی که در بخش توزیع و انتقال صنعت برق مالکیتی وجود ندارد که بتواند به عنوان ضمانت و یا دارایی مبنای انتشار استفاده شود. صندوق‌های پروژه مورد دیگری است که توسط مپنا اجرا شد اما به دلیل موانع مالیاتی و ثبت سند‌های حسابداری در دیگر موارد مشابه اجرایی نشد.



ولی‌اله بیات

موفقیت وزارت نیرو در دهه ۷۰ برای انتقال و استقرار دانش فنی برای تولید داخلی اساسی‌ترین تجهیزات صنعت برق جدی‌تر بود. در آن دهه مپنا ایجاد شد، ترانس‌های اندازه‌گیری، دانش طراحی و ساخت پست‌های فشار قوی به وجود آمد و توسعه پیدا کرد، تجهیزات ترانس‌سازی و کلیدسازی فشار قوی در این دوره ایجاد شد. همه این صنایع توأم با حجم خرید محدودی بود که برای انتقال‌دهنده دانش فنی جاذبه ایجاد کرد و در طرف گیرنده هم انتخاب توأم با اهلیت اثبات شده بوده و مناقصه و مزایده‌ای در کار نبود. در سال‌های بعد این فرایند بارها تکرار شد اما موجب استقرار صنعت نشد چون اهلیت مورد توجه نبوده است.

امروز حمایت از بخش خصوصی بسیار کم‌رنگ‌تر شده است، آن قدر که از صنعت خودرو حمایت شده و می‌شود، صنعت برق مورد حمایت قرار نگرفته است. برای جذب سرمایه در این صنعت باید حمایت جدی صورت بگیرد. شرکت‌های بزرگ و بنام در تامین منابع مالی مشکلی ندارند به شرط اینکه مسیر درستی انتخاب شود. امروز اگر امکان افزایش سرمایه برای شرکت‌ها فراهم باشد مردم و سرمایه‌داران به شدت استقبال می‌کنند. زیرمجموعه‌های شرکت توانیر تنها مشتری ما هستند و اگر این حمایت‌ها جدی باشد نیازی نیست که در سرمایه‌گذاری‌ها و یا فاینانس پروژه‌ها باری روی دوش وزارت نیرو باشد و شرکت‌ها می‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های جدید و فاینانس پروژه‌ها اقدام کنند.

سپهر برزی مهر

در قانون بودجه سال ۹۹ امکان تهاتر مطالبات با فروش نفت برای بخش خصوصی پیش‌بینی شده است ولی نقدی که بخش خصوصی به این موضوع دارد این است که این بخش در شرایط تحریم نمی‌تواند اقدام به فروش نفت کند چون فروش نفت دارای پروتکل‌های سیاسی و پیش‌نیازهایی است. بخش خصوصی در این زمینه دو ابهام دارد اول اینکه بهره‌گیری از این مدل چقدر برای این بخش امکان‌پذیر است و دوم اینکه آیا امکان اضافه شدن فرآورده‌های نفتی به این بسته وجود دارد. بخش خصوصی صنعت برق در صورتی که فرآورده‌های نفتی هم جزو این بسته باشد، امکان ورود دارد اما درباره فروش خود نفت امکان فروش آن توسط بخش خصوصی وجود ندارد. این موضوع می‌تواند به عنوان ظرفیتی برای پرداخت بدهی‌های دولت به صنعت برق باشد، فرصت و بستر خوبی است که با کمک وزارت نیرو و توانیر می‌توان برای استفاده از آن همکاری کرد. برخی از شرکت‌های سندیکا برای تامین مالی از بازار سرمایه و بورس بهره بردند که شرکت پارس سوئیچ یکی از آنهاست و می‌توان از تجربه‌های این شرکت و چالش‌هایی که در این مسیر با آنها روبرو بوده است، استفاده کرد.



مسعود خانی

صنعت برق با ویژگی‌های منحصربه‌فردی که دارد خیلی شبیه صنایع دیگر نیست که بتوان راهکارهای مشابه برای آن ارائه کرد. از دیدگاه توانیر، تامین مالی باید برای اجرای طرح‌هایی با هزینه‌های چند هزار میلیاردی صورت گیرد. در این طرح‌ها کارفرما شرکت‌های برق منطقه‌ای و شرکت‌های توزیع هستند. شرکت‌های توزیع غیردولتی هستند، برق را به قیمت واقعی از بازار خریداری کرده و به قیمت تکلیفی می‌فروشند لذا زیان‌ده هستند. این شرکت‌ها مشمول ماده ۱۴۱ بوده و دچار زیان انباشته چند هزار برابری سرمایه خود هستند که این زیان انباشته مانع بزرگی برای تامین مالی برای آنها هم از بازار پول و هم از بازار سرمایه است. این شرکت‌ها چند صد هزار میلیارد تومان دارایی دارند اما هیچکدام از این دارایی‌ها قابل وثیقه‌گذاری برای تامین مالی نیستند و شرط انتقال به غیر را ندارند. با توجه به ویژگی‌های مذکور، راهکار ارائه شده برای صنعت باید در چارچوب بوده و با مختصات این صنعت تطابق داشته باشد.



حمیدرضا صالحی

اقتصاد کشور در دوران گذار از اقتصاد نفتی بوده و منحنی تغییرات آن همه جانبه و متوازن با افزایش قدرت خرید در جامعه نیست، از طرفی بدون آگاهی از صنعت برق و اینکه در نگرش اقتصاد برق تغییری انجام نشود، نمی‌توانیم کشتی گرفتار این صنعت را در دریای متلاطم اقتصاد کشور به سر منزل مقصود برسانیم. از فرصت‌ها باید استفاده کرد بطور مثال حجم بدهی شرکت توانیر نسبت به دارایی‌اش در مقایسه با شرکت‌های دیگر مشابه در دنیا خیلی کمتر است، که همین نسبت ظرفیت خوبی برای استفاده از بازار پول و سرمایه ایجاد می‌کند. از سویی دیگر برای خلاصی از این اقتصاد یارانه‌ای اگر ما وضعیت صنعت برق را برای مردم تشریح کنیم و از آنها کمک بگیریم، آنها قطعاً همکاری خواهند کرد. صنعت برق امثال آقای بیات و شرکت پارس سوئیچ کم ندارد اما این صنعت را چه شده است که با این همه شکوه

و سرمایه با تهدیدات جدی روبرو شده و به اینجا رسیده است؟

در بحث ورود به بازار بورس و سرمایه اهلیت بسیار مهم است، کمیسیون انرژی اتاق ایران نیز برای تسهیل ورود و بررسی شرایط شرکت‌ها برای ورود به این عرصه جلسات مختلفی با سازمان بورس و نهادهای مرتبط تشکیل داده است. بورس فقط به دنبال جذب شرکت‌های تولیدی و سودده است اما اصرار ما بر این است که پیمانکارها نیز بتوانند از این ابزار برای تأمین سرمایه خود استفاده کنند. به اعتقاد من با ورود شرکت‌های دارای اهلیت و خوشنام به بازار، مردم با اطمینان بیشتری در این مسیر سرمایه وارد می‌کنند و ساختارهای بازار سرمایه هم محکم‌تر می‌شود. متأسفانه بعد از دهه ۷۰ و واگذاری‌ها موضوع اهلیت کنار گذاشته شد و این امر ضربه سنگینی به صنعت کشور وارد کرده است. با چارچوب‌هایی که در بازار بورس و فرابورس وجود دارد، بخش مهمی از منابع کشور بلااستفاده مانده است. شرکتی که برای اجرای پروژه دارای توجیه فنی و اقتصادی، با وزارت نیرو قرارداد بسته است چرا باید دنبال وثیقه باشد، تأمین این وثیقه‌ها مشکل‌ساز شده است.



علی جبل عاملی

برای ورود شرکت‌های بخش خصوصی صنعت برق به بازار سرمایه باید جذابیت‌هایی ایجاد کرد که تسویه بدهی‌ها، ارائه قیمت‌های جذاب، درگیر کردن بخش خصوصی در صادرات برق، کاهش آسیب‌پذیری شبکه و به دنبال آن توسعه تقاضا به خصوص تقاضای صنعتی از جمله راهکارهای عمومی برای این کار است. برای شرکت‌های کوچک با توجه به شرایط قانونی، هزینه‌ها و حجم مورد نیاز تأمین مالی، بازار پول بازار مناسب‌تری است اما شرکت‌های بزرگ و بعضاً متوسط می‌توانند با برنامه‌ریزی برای دوره طولانی و در بلندمدت وارد بازار سرمایه شوند و یا از روش‌های مبتنی بر بدهی مانند انتشار اوراق یا سرمایه مانند افزایش سرمایه با سلب حق تقدم، صندوق‌های پروژه و... برای تأمین مالی استفاده کنند. طبیعتاً شرکتی برای تأمین هزینه‌های انتشار اوراق و ارکان در رقم‌های پایین مثلاً ۲۰ میلیارد تومان نباید راهی در بازار پول داشته باشد که بتواند آن را در بازار سرمایه تأمین کند.

درباره انتشار اوراق بدهی شرایط سخت‌گیرانه‌تر است. اما برای شرکت‌هایی مثل مپنا، ایران ترانسفو و پارس سوئیچ بسیاری از روش‌ها و ابزارهای بازار سرمایه قابل انجام است. هر چه شرکت‌ها کوچک‌تر باشند و یا شرایط لازم را نداشته باشند، روش‌ها نیز محدودتر می‌شود. امروزه

زمین، ساختمان و ماشین‌آلات به عنوان مثال می‌توانند مبنای انتشار اوراق صکوک اجاره هم باشند. در زمینه انتشار اوراق مرابحه برای تأمین مالی مواد اولیه یا سایر موارد شرایط بهتر و سهل‌تر از قبل شده است، یعنی امروز اوراق منتشر و منابع جمع‌آوری می‌شود و این شرکت بعد از ۶ ماه موظف است گزارشی درباره مصارف تأمین مالی تهیه و ارائه دهد.

اوراق منفعت برای تولیدکننده‌هایی مثل شرکتی که کنتور تولید می‌کند قابلیت اجرایی دارد چرا که این شرکت می‌تواند منافع آتی حاصل از فروش کنتورهای خود را محاسبه کرده و مبنای انتشار اوراق قرار دهد و یا حتی یک هلدینگ می‌تواند بر مبنای سود حاصل از زیر مجموعه‌های خود این کار را انجام دهد. انتشار این نوع اوراق برای برخی از شرکت‌ها کاربرد دارد. مدل قراردادهای صنعت برق نیز باید طوری تهیه شود تا مشمول استفاده از این ابزارها قرار بگیرد. اوراق جعاله از ابزارهایی است که می‌تواند توسط دولت منتشر شده و پیمانکاران می‌توانند از منابع حاصل از آن استفاده کنند. اوراق وکالت امسال ابلاغ شده است، شرکت‌های مادر تخصصی می‌توانند اوراق وکالت منتشر کرده و منابع آن را به عنوان پول داغ یا پول در گردش (hot money) در هر پروژه‌ای که بخواهند تزریق کنند. اوراق وکالت به وکالت از سرمایه‌گذاران و برای شرکت‌های کوچکی است که نمی‌توانند به طور مستقیم وارد بازار سرمایه شوند و توسط یک تأمین سرمایه یا هلدینگ می‌توانند به کار برده شود.

یکی از راهکارهایی که در مورد ضمانت‌های لازم برای انتشار اوراق وجود دارد این است که قرارداد تضمین خرید برق، (PPA (Power Purchase Agreement) بتواند وثیقه قرار بگیرد که سازمان بورس باید این موضوع را بپذیرد که البته این مورد در قانون قید شده اما اجرا نمی‌شود. در استفاده از روش رتبه‌بندی که مخصوص شرکت‌های بزرگ است، هر شرکتی که دارای رتبه BBB باشد، می‌تواند تا ۶۰ درصد میانگین دو سال سوددهی خود را تأمین مالی کند، و با داشتن این رتبه شرط ضمانت و ضامن حذف می‌شود. یک پیشنهاد دیگر این بود که یک تأمین سرمایه تخصصی آب و برق تأسیس شود که همه شرکت‌های فعال دارای صلاحیت در آن عضو شده و این شرکت به صورت تخصصی با درک شرایط این صنعت، اقدام به انجام تأمین مالی و یا ارائه مشاوره به شرکت‌های فعال در صنعت کند که البته یکی از مجموعه‌ها هم پیشگام تأسیس تأمین سرمایه انرژی بود.



حسن مردانی

ورود به بازار سرمایه برای شرکت‌های بزرگ، سودده و دارای ضمانت مورد نیاز مناسب است و عملاً برای شرکت‌هایی که ویژگی‌های مذکور را ندارند، امکان تأمین مالی از بازار سرمایه وجود ندارد. معمولاً هزینه تأمین مالی از بازار سرمایه بالا بوده و زمان‌بر است. فلذا برای اکثر شرکت‌ها نسخه مناسبی نبوده و باید به عنوان یکی از راه‌حل‌های تأمین مالی و نه تنها راه‌حل، به سمت این بازار حرکت کرد. با شرایط و چارچوب پیچیده‌ای که این بازار تعریف کرده است، شرکت‌ها باید به سمت استفاده از سایر ابزارها برای تأمین نقدینگی حرکت کنند. نکته دوم اهمیت رتبه‌بندی و دسته‌بندی شرکت‌هاست که باید با شاخص‌های مختلف آنها را دسته‌بندی کرد. بازار سرمایه گزینه به حساب می‌آید اما همه گزینه‌ها نیست، وزارت نیرو می‌تواند به سمت جذب سرمایه مستقیم از مردم حرکت کند. برای این کار، وزارت نیرو می‌تواند پلتفرم خرید و فروش اسناد تجاری (بدهی شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و برعکس) راه‌اندازی کرده و از این طریق مشکل کمبود نقدینگی شرکت‌ها و پیمانکاران را حل کند. یکی از ریشه‌های کمبود نقدینگی به خصوص در شرکت‌های دولتی این است که مسئولان ما اعتقاد دارند که پروژه‌ها باید بصورت فاینانس و در قالب طرح تملک دارایی سرمایه‌ای اجرا شود. در صورتی که با نگاه استفاده اهرمی از سرمایه، ناچار به تغییر پارادایم از اجرای طرح‌ها از طریق فاینانس دولتی به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی هستیم.

خوان هفتم: بهره مندی از فرصت‌ها



مسعود خانی

راهکارهایی که ارائه شد مورد تایید ما هم هست اما از رویکرد دیگر و از نگاه بخش خصوصی هم باید این موضوع را مد نظر قرار داد. مثلاً شرکتی مانند ایران ترانسفو توانایی تامین مالی هزار میلیارد تومان دارد اگر تامین مالی اتفاق افتد این هزار میلیارد نقدینگی وارد شرکت شود اما وقتی سفارشی معادل آن از طرف کارفرما (شرکت‌های توزیع و برق منطقه‌ای) وجود نداشته باشد چه فایده‌ای دارد؟ فرایندهای تامین مالی باید مکمل هم باشند. پس وقتی کارفرما منابع مالی لازم را برای سفارش کار ندارد، موضوع ابتر می‌ماند. براین اساس برای ارائه راهکار باید کل این زنجیره را در نظر گرفت و راهکاری ارائه داد که همزمان برای هر دو طرف کارکرد داشته باشد. پس باید راهکارهایی پیدا کنیم که بخش کارفرما بتواند سفارش کار دهد. ما چندین پروژه به ارزش هزار میلیارد تومان روی زمین داریم و از این موضوع آگاه هستیم که انجام و اجرای این پروژه‌ها به پایبندی شبکه کمک کرده و به نفع صنعت برق است، اما وقتی منابع مالی نداریم نمی‌توانیم کار را به پیمانکار ارجاع دهیم.

راهکار ریشه‌ای، حل مسئله زیان‌ده بودن صنعت برق است که از اختلاف بین قیمت تمام شده و تکلیفی ناشی شده است. اما در شرایط فعلی سوال اینجاست که اگر سالی ۳ هزار میلیارد تومان کار سرمایه‌ای و طرح به بخش خصوصی ارجاع می‌دهیم در حالی که نیازمان ۱۵ هزار میلیارد است، چطور می‌توانیم این ۳ هزار میلیارد تومان را افزایش دهیم؟ با این وضعیت بخش کارفرمایی باید خود اقدام به تامین مالی کند اما امکان آن در حجم بالا از طریق بازار پول فراهم نیست چرا که شرکت‌های توزیع مشمول ماده ۱۴۱ هستند و شرکت‌های دولتی امکان وثیقه‌گذاری دارایی ندارند و برای دریافت تسهیلات بخش دولتی نیز مجوزهای پیچیده‌ای در نظر گرفته شده است. در بازار سرمایه شرکت دولتی باید در چارچوب قانون بودجه از این بازار استفاده کند. ظرفیتی که برای کل شرکت‌های دولتی تعریف شده، بسیار محدود است. شرکت توانیر امسال به دنبال این است که برای بخش شرکت دولتی، ۱۵۰۰ میلیارد تومان اوراق مالی در بازار سرمایه منتشر کند. در بند ط تبصره ۵ قانون بودجه سال ۹۹ آمده است که وزارتخانه‌های نفت، صنعت، معدن و تجارت و نیرو از طریق شرکت‌های تابعه و وابسته ذی ربط و با تصویب شورای اقتصاد، اوراق مالی اسلامی (ریالی یا ارزی) در سقف سی و پنج هزار میلیارد (۳۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال منتشر کنند، تا به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میدین مشترک وزارت نفت و طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای

وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو به مصرف برسد. بازپرداخت اصل و سود این اوراق را توسط شرکت‌های مذکور از محل افزایش تولید همان میدین (برای طرح‌های وزارت نفت) و عایدات طرح (برای طرح‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت نیرو) تضمین کنند.

اینکه ما بتوانیم با استناد به ظرفیت قانونی فوق ۴۰ درصد برای وزارت نیرو مجوز بگیریم و بخشی از آن را هم به حوزه انتقال اختصاص دهیم کار آسانی نیست از طرفی هم که خود وزارت نیرو دارای بخش‌های مختلف سدسازی، تولید حرارتی و نیروگاه‌سازی است که متقاضی استفاده از این ظرفیت هستند. وقتی گردش مالی صنعت از دریافتی مشترکین و درآمدها بالای ۲۰ هزار میلیارد تومان است، ۱۵۰۰ میلیارد تومان اوراق مالی که توانیر درصدد است در بازار سرمایه منتشر کند، رقم قابل ملاحظه‌ای نیست. پس ظرفیتی که برای بخش دولتی تعریف شده، مناسب نیست. برای همین ۱۵۰۰ میلیارد تومان هم نیاز به مجوزهای مختلف از وزارت دارایی و سازمان بورس داریم.

در بخش توزیع چون شرکت‌ها غیردولتی هستند، مستقیم باید به سراغ سازمان بورس برویم. اما این شرکت‌ها زیان انباشته شدید چندصد برابر سرمایه خود دارند، به طوری که زیان انباشته یک شرکت بالای هزار میلیارد تومان است و با این صورت مالی نمی‌توان سراغ تامین مالی رفت. ما برای شرکت‌های توزیع درخواست سرمایه ۲ هزار میلیارد تومانی دادیم تا به جای ماده ۱۴۱، خود توانیر با منابع در اختیار و از محل درآمد ریالی و ارزی - صادراتی، این شرکت‌ها را تضمین کند که این درخواست توسط وزیر نیرو به وزیر اقتصاد و دارایی ارسال شده است. نمونه این مورد در وزارت نفت هم با تضمین شرکت ملی نفت بورس اتفاق افتاده است. اگر این درخواست مورد موافقت قرار بگیرد، می‌توان در فرصت کوتاهی ۲ هزار میلیارد تومان منبع برای تعریف کار جدید برای شرکت‌ها در نظر گرفت.

برنامه دیگر ما این است در همین فرصت از ظرفیت‌های دیگر با منابع کم به صورت اهرمی کار تعریف کنیم. ما سال گذشته با عملیاتی کردن شکل جدیدی از قراردادها را با ارزش حدود ۶۵۰ میلیارد تومان منعقد کردیم. در این قراردادها قید شده است که مبلغ طی دو سال آتی پرداخت خواهد شد و طرف قرارداد اجازه دارد علاوه بر هزینه اجرای کار، هزینه تامین مالی را هم در قرارداد پیشنهاد دهد. از طرف دیگر این امکان را هم تعریف کردیم که در ازای تعهدات خود به بخش خصوصی، بتوانیم ضمانت تسهیلات و اوراق آنها را تقبل کنیم و این را هم در حقیقت به عنوان یکی از ابزارها برای بخش خصوصی بزرگ مطرح کردیم. مشکل ما در صنعت برق این است که چون سالها درآمدها و نقدینگی درون‌زای بالایی داشتیم، بخش خصوصی طرف ما خیلی به روش‌های پرداخت غیرنقدی عادت ندارد و متمایل به دریافت پول خود بلافاصله بعد از اجرای پروژه است.

نکته مهم در حوزه سرمایه‌گذاری در شرایط امروز اهمیت زمان است، ما صنعتی هستیم که مدام باید سرمایه‌گذاری کنیم لذا زمان برای ما مهم است و اگر امروز سرمایه‌ای جذب کنیم و پولی برای اجرای پروژه‌ها بدست آوریم از فردا بهتر است. بنابراین از هر ظرفیتی که بتواند توانمندی صنعت برق را برای تحرک بیشتر پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری بیشتر از طریق ارجاع کار به فروشندگان و پیمانکاران داخلی افزایش دهد، استقبال می‌کنیم.

بخش انتقال کاملاً حاکمیتی است، طبق گروه ج اصل ۴۴ قانون اساسی، سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت فعالیت‌های حاکمیتی منحصر در اختیار دولت است. مانع اصلی پروژه‌های ما این است که نمی‌توان آنها را در قالب پروژه سرمایه‌ای تعریف کرد، چون منافعی که ایجاد می‌کنند به قیمت پایین برق و توجیه اقتصادی نداشتن پروژه‌ها گره خورده است. اگر بخش خصوصی طرحی ارائه دهد که در قالب درآمدهای صنعت برق توجیه فنی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری داشته باشد، ما به شدت استقبال می‌کنیم و هیچ مانعی نداریم. ■

صنعت برق ایران امروز با مشکلاتی دسته و پنجه نرم می‌کند که حل آنها نیازمند شناسایی و ریشه‌یابی است. ساختار صنعت برق، اقتصاد برق و روابط حقوقی بین دولت و بخش خصوصی از جمله مهمترین چالش‌های این صنعت به شمار می‌روند. در گفتگویی با دکتر محمود رضا حقی فام، معاون سابق هماهنگی توزیع برق شرکت توانیر و استاد دانشگاه تربیت مدرس، با طرح چالش‌های صنعت برق به عنوان چالش‌های ماندگار، ریشه مشکلات اصلی صنعت برق و راهکارهای آن مورد بررسی قرار گرفت.



محمود رضا حقی فام | استاد برق دانشگاه تربیت مدرس

مساله؛ نبود مدلی کارا برای اقتصاد برق است

با وجود شرایط اقتصادی کشور هیچ پیمانکار و سازنده‌ای نمی‌تواند پیش‌بینی از تداومات بازار داشته باشد و برای فعالیت خود برنامه‌ریزی کند لذا با جهش قیمت‌ها پروژه‌ها متوقف می‌شوند. از طرف دیگر سازندگان و پیمانکاران صنعت برق که زنجیره تامین صنعت برق محسوب می‌شوند، در تامین تجهیزات و مواد اولیه خود به دلیل نوسانات شدید بازار و عرضه انحصاری آنها، دچار مشکل هستند. به نظر شما ریشه مسائل صنعت برق از منظر آسیب شناسانه چیست؟

طی سالیان متمادی صنعت برق ایران مدیران زیادی با گرایش‌ها و سلیقه‌های مختلف مدیریتی، اقتصادی و سیاسی تجربه کرده است، اما چالش‌های صنعت برق همواره استمرار داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این چالش‌ها مزمن بوده و نمی‌توان حل آنها را از تغییرات مدیریتی انتظار داشت. من این چالش‌ها را با عنوان «چالش‌های ماندگار صنعت برق» تعبیر می‌کنم که برای رفع آنها باید رویکرد دیگری داشت. با توجه به تجربیات خودم و مطالعات میدانی و تطبیقی که داشته‌ام، بیش از بیست چالش ماندگار را در صنعت برق ایران شناسایی کرده‌ام که امیدوارم در فرصت مناسبی تشریح و راه حل آنها را از دیدگاه خودم بیان کنم. پرداختن به این چالش‌ها، نیازمند یک متدولوژی برای اندازه‌گیری و تعیین میزان کارایی

صنعت برق ایران در بخش‌های مختلف است. این اقدام، آغاز یک طراحی درازمدت و برنامه محور برای ارتقای صنعت برق است. با مطالعات تطبیقی انجام گرفته کارایی صنعت برق ایران وضعیت مطلوبی ندارد. از این منظر نبود یک نظام موثر و فراگیر مدیریت دارایی فیزیکی، انسانی و اعتباری در صنعت برق ایران مشهود است. از طرفی پیچیدگی‌های کاملاً غیر ضروری ساختاری، نیروی انسانی انباشته غیر حرفه‌ای، روزمرگی و عدم تناسب اختیار در مقابل مسئولیت مدیران باعث ضعف و تداخلات و به تبع همه این عوامل عدم توازن اقتصادی را سبب شده است. در صورتی که ندانیم در کجا هستیم نمی‌توانیم مسیر حرکت خودمان را درست ترسیم کنیم. مثلاً ما در آستانه ۸۴ هزار مگاوات قدرت منصوبه هستیم در حالیکه به زحمت قادر به تامین ۶۰ هزار مگاوات در زمان پیک هستیم. ما در حدود ۱ درصد سهم انرژی‌های تجدید پذیر در قدرت منصوبه هستیم. ضریب بهره‌برداری نیروگاه‌ها، کنترل‌پذیری شبکه، ضریب بار شبکه، تلفات، عمر متوسط تجهیزات، میزان فرسودگی تجهیزات، عمق هوشمندسازی، وضعیت تحقیق و توسعه در صنعت برق، نظام تربیت نیروی انسانی حرفه‌ای و... می‌تواند به عنوان شاخص‌هایی برای این کار استفاده گردد.

در این بین یکی از پایه‌ای‌ترین چالش‌های ماندگار در صنعت برق ایران، ساختار نامتناسب با ماموریت‌های وزارت نیرو، همراه با پیچیدگی‌های زیاد و غیرشفاف است که ناکارآمدی اقتصادی صنعت برق نیز تأثیرگذار بوده است. در این ساختار، ارتباطات بین مجموعه‌های خصوصی و دولتی فعال به درستی تعریف نشده و رژیم حقوقی شفاف ندارد. فقدان یک سیاست مشخص در نحوه مداخله مدیران دولتی و نبود تمایز روشن بین وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری، صنعت برق را مستعد مشکلات عدیده‌ای کرده است. در ساختار پیچیده و غیرشفاف کنونی صنعت برق، وجود مجموعه‌های خصولتی بیشترین آسیب را وارد می‌کنند چرا که تکلیفشان مشخص نیست و به نوعی دوگانگی در آنها بصورت نهادینه وجود دارد. این مجموعه‌ها گاهی دولتی عمل می‌کنند و گاهی خصوصی، پس در چنین سیستمی که بخش خاکستری آن گسترده است نمی‌توان دنبال شفافیت و رژیم حقوقی تعریف شده و سیستم خود ارزیابی و خودکنترلی بود. ریشه بخش اعظم مشکلات صنعت برق در عدم حل این مشکل نهفته است. یکی از قربانیان این سیستم، پیمانکاران مالی پایین و ارتباطات ضعیف است.

صنعت برق ایران برای توسعه و نوآوری باید به سمت شفافیت ساختاری و ارتقای بخش توزیع حرکت کند. چرا که ۳۵ الی ۴۰ درصد دارایی فیزیکی صنعت برق متعلق به بخش توزیع است و معتقدم بدون ارتقای ساختاری و به تبع آن عملکردی بخش توزیع، نمی‌توانیم عملکرد صنعت برق را ارتقا دهیم. امروزه تولید غیر متمرکز برق، ریزشبکه‌ها، مدیریت مصرف، مدیریت بار، هوشمندسازی، همگی در بخش توزیع انجام می‌شود. بنابراین کاملاً ضروری است که ارتقای این بخش را جدی بگیریم.

در سایه ارتقای بخش توزیع می‌توان به افزایش کارایی صنعت برق امیدوار بود. در این رابطه مدیران صنعت برق باید برنامه مدون و قابل پیگیری داشته، از شتابزدگی و فعالیت‌های غیرهماهنگ ظاهری خودداری کنند. نگرش‌های خصولتی و ارتباطات حقوقی مترتب بر آن باید اصلاح شده و تناسب اختیار در مقابل مسئولیت باید برای حوزه ستادی صنعت و مدیران در بخش توزیع باز تعریف و اعمال شود. ارتباطات این بخش باید با مجموعه‌های شهری دوباره تعریف شود و به خصوص ساز و کار رعایت حقوق مشترکان و همچنین دیگر ذینفعان مانند پیمانکاران باید پیش‌بینی شود.

با توجه به گفته‌های شما

درباره ساختار نامتجانس

صنعت برق و ضرورت اصلاح

آن، آیا تغییرات ساختار در

اختیار و ید کنترل وزارت نیرو

نبوده است؟ آیا در این وزارت

اراده‌ای برای تغییر ساختار و

حل مشکلات ساختاری وجود

دارد؟

در گفتمان حاکم ریشه تمام

عارضه‌های کلیدی صنعت

برق را به قیمت برق گره

زده‌اند و بحث دارایی‌ها

و اداره کردن این صنعت

مغفول مانده است، در

حالی که عدم توجه به این

امر در بلندمدت آثار زیانباری

خواهد داشت. به نظر

شما چرا این مسئله در حل

مشکلات صنعت برق نادیده

گرفته می‌شود؟

خصوصی‌سازی در مجموعه صنعت برق از دو دهه پیش و مشابه بسیاری از صنایع دیگر با اشتیاق زیاد و با شتاب در بخش های تولید و توزیع شروع شد که در برخی موارد بخصوص تولید تا حدودی موفق ولی در توزیع به ایجاد بخش نه خصوصی نه دولتی شرکت‌های توزیع منجر شد و در نتیجه سهامداری و مدیریت شرکت های توزیع دستخوش دوگانگی قابل ملاحظه‌ای شدند.

از طرفی بخش پیمانکاری و تامین کالای خصوصی در برابر کارفرمایی قرار گرفتند که لزوما نه مثل بخش دولتی عمل می‌کرد و نه بخش خصوصی. در حال حاضر هم با وجود پیچیدگی های محیط پیرامونی این ساختارهای خصولتی علیرغم شنیدن زمره های متناقضی مانند اجرای لایحه مدیریت یکپارچه شهری و می‌توان گفت راهکار این موضوع لاینحل ایجاد یک مدل مشخص و همگرایی در دولت و مجلس است. در این راه وظیفه اصلی وزارت نیرو، تهیه یک مدل کارآمد برای اصلاحات ساختاری و اقتصادی با نظرات خبرگان صنعتی و دانشگاهی و در نظرگرفتن منافع عمومی و ذینفعان و همراه کردن نهادهایی چون سازمان خصوصی سازی، بورس و نیز مجلس شورای اسلامی برای کمک به تصویب و استقرار آن است.

همه می‌دانیم که مسئله اصلی صنعت برق، در ساختار و نبود مدل کارا برای اقتصاد آن است. بزرگی مشکل باعث شده در دوره های مختلف، مدیران چشم خود را به روی آن ببندند. غافل از اینکه با چشم بستن و نادیده گرفتن مشکل، آن مسئله به صورت خودکار حل نخواهد شد بلکه روز به روز بر شدت آن افزوده شده و مشکل حادتر می‌شود. مشکلی که ساختار پیچیده، ناکارآمد برق ایجاد کرده جدی است و باید حل شود. ما امروزه در صنعت برق نیاز به چابک‌سازی ساختار، آموزش های حرفه ای به نیروی انسانی شاغل، افزایش کارایی اقتصادی و استقرار سیستم های مدیریت دارایی و مدل تامین منابع پایدار مالی داریم. گام نخست این فرایند ارائه مدل اندازه گیری کارایی بخش ها، محاسبه قیمت تمام شده و هزینه‌های مورد قبول است. در گام بعدی برای حل مشکلات صنعت برق دو رویکرد وجود دارد؛ رویکرد اول به دنبال آن است که مسائل را به صورت ریشه‌ای و همه جانبه حل کند که اساسا حل بسیاری از مشکلات بدین شکل ممکن نیست. زمان در حال گذشتن و پیچیدگی‌ها روزافزون است!

در رویکرد دوم هدف آن است که مشکل را به گونه ای حل کنیم که آشفتهگی بیشتر از این نشود و به صورت تدریجی و با برنامه های گذار، به سمت استقرار مدل مناسب حرکت کنیم. مثل یک پازلی که می‌دانیم چه خواهد شد ولی اقدامات تدریجی و مرحله‌ای انجام می‌شود. مثلاً در حوزه رژیم حقوقی با بخش خصوصی، باید ساختار منظمی تهیه و درباره مدیریت آن تصمیم گرفته شود. به عنوان مثال در خصوص ساختار شرکت‌های توزیع این پرسش مطرح می‌شود که آیا تعداد شرکت های توزیع محدود به همین ۳۹ شرکت است؟ آیا امکان منطقه بندی های جدید و ایجاد شرکت های توزیع جدیدی وجود ندارد؟ اگرصنعت برق اجازه ورود بازیگر جدیدی را ندهد، تعریف بخش خصوصی چه معنی خواهد داشت؟ با توجه به اینکه در دنیا بحث های جدیدی در حوزه شرکت‌های توزیع در حال تعریف شدن است، اگر ما این قضیه را حل نکنیم از قطار توسعه صنعت برق در دنیا پیاده خواهیم شد.

اگر وزارت نیرو دست‌کم

در سطح داخلی بپذیرد

که مسئولیت حکمرانی و

تنظیم‌گری صنعت برق را بر

عهده داشته باشد و تا حد

ممکن از بنگاه‌داری کنار

بکشد، آیا امکانش هست که

فضای موجود تعدیل شده

و وزارت نیرو در سطح همان

حکمرانی به حل مسائل

بنیادی بادستگاه‌های

سیاستگذار بپردازد؟

در وزارت نیرو عزم و یا احتمالاً توان حل مشکلات کلان و ساختاری شرکت‌های توزیع

وجود ندارد اما اگر درباره ارتباط با این شرکت‌ها در وزارت نیرو رویکرد جدیدی شکل بگیرد،

بخشی از مشکلات حل شده و هزینه‌ها کاهش خواهد یافت. به عنوان مثال اگر در ابتدای

سال مالی برای هر شرکت بودجه عملیاتی تهیه شده و توانیر مقید به تامین منظم نقدبینگی

براساس شاخص های عملکردی شرکت های توزیع باشد و در تمام این مدت آنها را ملزم به

پاسخگویی در برابر اقداماتشان بکند، در هنگام بروز مشکل نیز نمی‌توانند به سراغ توانیر بروند.

چرا که ملزم هستند در چارچوب بودجه برای کل سال خود برنامه‌ریزی کنند.

اگر شرکت های توزیع را از نظر مالکیت خصوصی بنامیم اما در روند فعالیت و مدیریت شان

دخالت کنیم، بنگاه خصوصی به معنای واقعی شکل نمی‌گیرد. اگر این شرکت‌ها را بیش

از حد حمایت کنیم، فرصت رشد نخواهند یافت. لذا حداقل کاری که وزارت نیرو می‌تواند

انجام دهد این است که ارتباطات بین خود و مجموعه‌های خود در بخش خصوصی را در یک

محیط واقعی و بدور از رانت و پشتیبانی‌های غیراصولی و غیر شفاف تعریف کند. برای اینکه

بخش خصوصی بیش از این خفه نشود و ضربه نخورد، باید ارتباطات نهاد‌های موجود بین

آنها را سامان دهیم. تعریف ارتباط شرکت توزیع با توانیر، برق‌های منطقه‌ای با توانیر و بخش

خصوصی با شرکت‌های توزیع وضعیت امروز را بهبود می‌بخشد. نهاد‌ها و دستگاه‌های ذیربط

خصوصی و دولتی باید برای تک تک موارد صنعت برق مدل طراحی کنند و قدم به قدم در

مسیر حل مشکلات حرکت کنند چرا که همه مسائل به صورت یکجا و به یکباره قابل حل

نیستند.

در کشور ما در حوزه انرژی به صورت جزیره‌ای عمل می‌شود و سیاست‌های این حوزه به طور

مستقیم برصنعت برق نیز تأثیرگذار است. در حوزه انرژی سیاست‌گذاری و مدیریت صحیحی

که بتواند در فصول مختلف به استفاده درست از گاز و برق منجر شود، وجود ندارد و این امر

موجب شده این دو انرژی در فصل‌های مختلف تحت فشار قرار بگیرند. در واقع بین دوره‌های

پیک استفاده از این دو انرژی هماهنگی لازم وجود ندارد و باعث افزایش هزینه‌های تمام شده،

گشته است. در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر هم برنامه روشنی در کشور وجود ندارد، دولت در

حالی حرف از ۴ هزار مگاوات انرژی تجدیدپذیر می‌زند که فاصله خیلی زیادی با آن داریم گو

اینکه خود ۴۰۰۰ مگاوات هم در سبد کلی انرژی برق اصلا عدد قابل قبولی نیست.

سندیکای صنعت برق ایران هم به عنوان تشکل فعال در این صنعت می‌تواند با محوربندی

و دسته‌بندی مسائل مهم صنعت برق، هریک از موضوعات را به صورت موردی بررسی و با

حضور در جلسات نهاد‌های ذیربط مانند کمیسیون انرژی مجلس و مرکز پژوهش‌های مجلس،

آنها را منعکس کند تا در سیاست‌گذاری مربوط به حوزه انرژی و به خصوص صنعت برق

مورد استفاده قرار بگیرد. به نظرم الان فرصت خوبی ایجاد شده است و در مجلس جدید،

نمایندگانی که در حوزه انرژی، صاحب صلاحیت، تخصص، انگیزه بالا و بانشاط هستند که

با کمک آنها می‌توان قدم‌های اساسی برداشت به شرطی که وزارت نیرو برنامه روشنی داشته

باشد. ■

صفحه

۶۴ **ستبران ۱**

بهار ۰۹۹، دوره جدید

بهار ۰۹۹، دوره جدید

ستبران ۱

صفحه

چاه ویل کسری بودجه در صنعت برق

تعهدات، چه جنبه مثبت آن یعنی طلب و چه جنبه منفی آن یعنی دین، از جمله مباحث مهم در حقوق مدنی است. شرط مهم و اساسی برای مطالبه طلب، وجه منجز بودن آن است. بنابراین اگر مهلت و سررسید یک مطالبه فرا رسیده و یا از آن گذشته باشد و برای مطالبه آن هیچ گونه شرط و شروطی قید نشده باشد و منوط و معلق بر وقوع امر دیگری نباشد، عملاً دریافت مطالبه مذکور به یک چالش جدی بدل می شود.

مهمترین و اصلی ترین وظیفه کارفرما در قرارداد پس از تعریف شفاف و واقعی کار، تادیه مطالبات پیمانکار، سازنده یا مشاور است که این مهم در صنعت برق به درستی انجام نشده و نتیجه آن چند صد میلیارد تومان بدهی بخش دولتی است. این مساله به خوبی نشان می دهد که بار مالی قراردادهای تعریف شده در صنعت برق مازاد بر تحقق میزان نقدینگی بودجه تعریف شده و متاسفانه سال هاست برای این موضوع در وزارتخانه، هیات وزیران، سازمان برنامه، قوه مقننه، قوه قضاییه و سایر نهادها چاره اندیشی نشده است.

به نظر می رسد قراردادهای دولتی به راهی برای گذاشتن بار سنگین حاکمیت بر دوش بخش خصوصی تبدیل شده و جالب تر اینکه وقتی شرایط اولیه ارائه قیمت برهم می خورد، به جای حل مساله و جبران خسارات ایجاد شده، اقدامات حقوقی و تهدید به ضبط تضامین بخش خصوصی، به یک روش در بین کارفرمایان دولتی تبدیل شده است. در این ساختار تعهدات برای بخش خصوصی غالباً یکطرفه و الزامی و برای کارفرما اختیاری است.

حتی اگر از تاثیر رویدادهای مهمی مانند جهش های ارزی، تورم لجام گسیخته و تحریم ها که عملاً راهکار معمول و در دسترس ندارد، بگذریم باز هم قراردادهای دولتی جاری هستند و مبحث تادیه مطالبات و نیاز به تامین نقدینگی چند برابری و سرمایه در گردش شرکت ها، همچنان به عنوان یک چالش جدی باقی می ماند.

فقدان نقدینگی در بخش دولتی و در نتیجه نبود انضباط در تادیه مطالبات بخش خصوصی، به افزایش بدهی بخش خصوصی به بانک ها منجر شده است. معادل ۵۴ درصد سهم وام های بانکی در سال ۱۳۹۸ به منظور تامین



مهدی مسالی | عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

سرمایه در گردش بوده است که قطعاً بخش قابل توجهی از آن به دلیل عدم تادیه مطالبات بخش خصوصی از طرف کارفرمایان دولتی بوده که البته صنعت برق هم از این قاعده مستثنی نیست.

از سال ۱۳۹۰ به بعد که نرخ ارز جهش وارانہ رو به افزایش گذاشت، عکس العمل های بازار به گونه ای بود که بخش خصوصی طرف قرارداد با دولت مجبور به تامین نقدینگی بیشتر، متناسب با افزایش نرخ ارز و تورم های ریالی همراه آن شد. این مهم در کنار عدم ضمانت تادیه مطالبات از سوی کارفرمایان دولتی علاوه بر اینکه فعالان صنعتی را ناگزیر به اخذ تسهیلات کرده، در بسیاری از موارد آنها را ناچار به پرداخت خسارات دیرکرد بانکی و جرائم ناشی از آن کرده و همین مساله خود به دلیل برای تعدیل نیروهای انسانی، فروش اموال غیر منقول شرکت ها، افزایش چک های برگشتی و در یک کلام بی اعتباری در زنجیره تامین تبدیل شده است.

حدود دویست هزار نفر در این صنعت زیرساختی به طور مستقیم مشغول به کار هستند که متاسفانه در سال ۱۳۹۹ که با شیوع بیماری کرونا، افزایش چشمگیر تورم و نرخ ارز همراه بوده، هر روز برآمار تعدیل نیروی انسانی افزوده شده است. از دیگر پیامدهای عدم تادیه به موقع مطالبات بخش خصوصی، کاهش سرعت روند پیشرفت قراردادهای صنعت برق و بعضاً متوقف شدن برخی از آنها است.

در اواخر سال ۱۳۹۸ برای تادیه مطالبات فعالین صنعت برق کشور پیشنهادهای مبنی بر استفاده از ارز حاصل از صادرات برق به عراق مطرح شد که به دلیل تحریم های اقتصادی محقق نشد. البته ناگفته نماند که این پیشنهاد در صورت تحقق، هزینه پیش بینی نشده ای برای بخش خصوصی به همراه داشت که این مهم نیز موید فقدان نقدینگی بخش کارفرمایی صنعت برق است. دغدغه شرکت های کارفرمایی در هر ماه در فاز نخست پرداخت حقوق پرسنل آنهاست و سپس هرچه باقی ماند پس از بروکراسی های نفس گیر به بخش خصوصی طرف قرارداد خواهد رسید. این رویکرد کارفرمایان در قراردادها و همچنین تادیه مطالبات آن اثرات اجتماعی و خانوادگی را برای بخش خصوصی به دنبال داشته و عملاً ورود به مناقصات جدید را با تردید مواجه کرده است. این مساله حتی باعث انصراف برخی از اهالی بخش خصوصی از کار با شرکت های برق منطقه ای و توزیع و کوچ آنها به سایر صنایع مانند فولاد، نفت، گاز و مس شده و گاهی آنها را ناگزیر کرده که به کار مستقیم با بخش خصوصی تن دهند. خروج این ظرفیت ها از صنعت در دراز مدت با منافع ملی در تضاد خواهد بود و زمینه نیازمندی به کشورهای خارجی را فراهم خواهد کرد.

در پایان باید گفت که خروج از این شرایط تابع تغییر رویکرد طرفین این نامعاده است. بدین گونه که اول قراردادها از حالت نابرابری به حالت برد-برد تغییر کند و دوم اینکه تفکر اقتصادی فقط برای کارفرما صادق نباشد و باور شود که برهم خوردن شرایط موثر نظیر نرخ ارز، شرایط بین الملل، تورم، نرخ فلزات، نرخ نیروی انسانی، نرخ حمل و نقل و عواملی از این دست، قطعاً بخش خصوصی را تا مرز انحلال و ورشکستگی پیش خواهد برد. بنابراین لازم است پوشش های کاملی برای این موارد در قراردادها لحاظ شده و در نهایت انضباط مالی مبتنی بر پرداخت به موقع و نقد از طرف کارفرمایان جایگزین نگاه فعلی در تادیه مطالبات شود و این باور ایجاد شود که قرار نیست کارفرما به روش دلخواه و انتخابی خود و در زمان دلخواه مطالبات بخش خصوصی را پرداخت کند.



امیرحسین طاهرزاده | مدیرعامل و نایب رئیس هیات مدیره شرکت مهندسی توان گستر دقیق

در هزارتوی چالش‌ها

بزرگترین چالش و مشکل صنعت برق اقتصاد نامتوازن آن است و دلیل انباشت مطالبات از وزارت نیرو، ریشه در مشکلات پرتعدادی دارد که در ساختار اقتصادی آن ایجاد شده است. عدم تطابق قیمت تمام شده برق با قیمت فروش آن، چرخه معیوبی را شکل داده که منجر به ایجاد زیان انباشته در این صنعت شده است.

با نگاهی به آنچه تا امروز بر صنعت برق کشور گذشته، می توان مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت های سازنده و پیمانکاران را شناسایی کرد. به طور خلاصه تعریف پروژه های جدید بدون پشتوانه مالی، عدم بهره گیری از ابزارهای مالی نظیر گشایش اعتباری ریالی و کسری بودجه وزارت نیرو کدام یک اصلی ترین عامل انباشت مطالبات هستند. لذا عدم توازن بین درآمدها و هزینه های صنعت برق کاملاً هویداست و عوامل ایجاد این عدم توازن به این شرح است:

اول: برق به عنوان یک کالا (محصول) برای دولت و سایر ارکان حکومتی همانند مجلس شورای اسلامی، شناخته نمی شود. دیدگاه آنها به برق، فقط به عنوان یک ابزار زیرساختی و رفع نیاز مبرم مردم است که بایستی به هر شکل ممکن تامین شود، اما کیفیت، اقتصاد، میزان اشتغال زایی، پیامدهای خوب و بد آن تا کنون در نظر گرفته نشده، در واقع دیدگاهشان به برق بیشتر به عنوان ابزار است و نه کالا.

همواره دولت مسائل و مشکلاتی را به این صنعت تحمیل کرده است و در مقابل، وزارت نیرو نتوانسته، پیامدهای این مسائل و مشکلات تحمیلی را به درستی برای مسئولان اجرایی تبیین کند، تا این کالای ملی را از این وضعیت نجات دهد. به عنوان مثال نقدینگی حاصل از طرح هدفمندی یارانه ها شامل صنعت برق نشد و سالانه بیش از ۳۵۰۰ میلیارد تومان از درآمد حاصل این صنعت به پرداخت یارانه تخصیص یافت که طی چندین سال به

بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان نیز رسید. از سال ۱۳۸۸ و با شدت گرفتن تحریم ها، توجه لازم به صنعت برق صورت نگرفت که یکی از دلایل آن گزارشات نادرست مدیران وقت این صنعت در خصوص خود کفایی، اضافه تولید، نبود مشکل جدی در صنعت و... به مسئولین ذیربط بود.

دوم: مکانیزمی که برای قیمت گذاری برق به عنوان کالا (محصول) وجود دارد، به عدد مشخصی منتج نشده و همین موضوع باعث پیش بینی غیرواقعی درآمدها می شود و نهایتاً با پیش بینی غلط و محقق نشدن آن، کسری بودجه به وجود می آید. این عدم شفافیت ناشی از سطوح مختلف تعرفه ای و مصرفی (خانگی، صنعتی، کشاورزی و عمومی) است که نهایتاً، امکان برآورد دقیق (حتی نزدیک به واقعیت) را نمی دهد. در واقع میزان درآمدهای وزارت نیرو، بستگی به رفتار مصرفی مشتریانش دارد.

سوم: امکان دریافت قیمت واقعی برق از مشتریان وجود ندارد، به عنوان نمونه در کشورهای شرق آسیا، اروپا و آمریکا، قیمت هر کیلووات ساعت، برای مصارف صنعتی به صورت میانگین ۱۰ سنت دلار (۱۸۵۰ تومان) و خانگی ۱۵ سنت (۲۸۰۰ تومان) است. حال آنکه قیمت میانگین هر کیلووات ساعت در ایران برابر ۸۰ تومان محاسبه می شود. بنابراین و با توجه به قیمت تمام شده تولید که بدون سوخت حدود ۱۲۵ تومان است، ضرر سالانه آن حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان خواهد بود. متأسفانه با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور نیز امکان افزایش سریع قیمت ها، برای رسیدن به استاندارد جهانی و حتی نزدیک شدن به قیمت برق کشورهای منطقه هم وجود ندارد، هر چند که مطابق قانون هدفمندی یارانه ها و قانون برنامه ششم، زمان اصلاح حامل های انرژی ۵ ساله تعیین شده است.

چهارم: درآمدهای ناپایدار در برابر هزینه های پایدار کاملاً مشهود است.

علاوه بر درآمدهای عمومی و اختصاصی صنعت برق، افزایش درآمد در صنعت برق وجود دارد اما نه به جهت افزایش قیمت برق، بلکه به جهت افزایش میزان فروش این کالا. بر اساس بررسی های انجام شده، منابع درآمدی صنعت برق به شرح ذیل است:

- درآمد حاصل از فروش برق

به مشتریان داخلی

- درآمد حاصل از فروش برق صادراتی

- سایر درآمدهای عملیاتی و غیر عملیاتی

درآمد حاصل از دوردیف اول، مستقیماً به قیمت برق و میزان فروش آن بستگی دارد که عملاً مبلغی دقیق را در بودجه سالانه نمایش نخواهد داد. درآمدهای فوق با افزایش بسیار کمی تحصیل می شود (ضمن توجه به مشکلات کسری بودجه)، در صورتیکه افزایش هزینه های عملیاتی (به جز حقوق و سایر هزینه های غیر عملیاتی دولتی) بسیار بالاتر است.

پنجم: عدم امکان تامین منابع مالی و سرمایه گذاری لازم خود از مشکلات بسیار مهم است، زیرا از نظر ساختار اقتصادی، صنعت برق کشور مایک صنعت ورشکسته است، لذا بخش خصوصی و بانک ها تمایلی به سرمایه گذاری در این صنعت ندارند. در این شرایط به دلیل تحریم، امکان فاینانس خارجی نیز وجود ندارد و با توجه به تورم و کم ارزش شدن غیر قابل پیش بینی ریال، منابع داخلی نیز انگیزه کافی برای سرمایه گذاری در صنعتی که از لحاظ اقتصادی سود ده نیست، ندارند.

همچنین با توجه به تورم موجود در ایران و کاهش ارزش پول، عملاً درآمدی که طی ۱۰ سال به دست سرمایه گذار می رسد، شاید حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد ارزش اولیه خود را داشته باشد و این بدین معنی است که

بازگشت سرمایه می‌تواند تا ۱۵ سال به طول انجامد.

ضمناً با توجه به عمر مفید تجهیزات که نیاز به تعمیرات و یا جایگزینی دارند، عملاً صنعت برق بدون سود است که با سوء مدیریت و مصرف بدتر از آن، تبدیل به صنعتی زیانده و یارانه بگیر شده است. اینجاست که در پاسخ به شما می‌گویم، گشایش اعتبار اسنادی ریالی، جهت یک صنعت ورشکسته برای کدام یک از بانک‌ها توجیه اقتصادی دارد؟

ششم: کسری بودجه‌ای که دولت با آن دست به گریبان است. بخشی از بودجه صنعت برق از طریق بودجه عمومی است که از خزانه تامین می‌شود (از محل مالیات‌ها، عوارض و …) که عددی حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان است و نسبت آن در برابر بودجه عملیاتی‌اش کمتر از ۳۰ درصد تخمین زده می‌شود.

صنعت برق سالانه بین ۴ تا ۵ هزار میلیارد تومان جهت نگهداری از سیستم با کسری بودجه مواجه می‌شود که این موضوع به صورت همه جانبه به فعالان اقتصادی این صنعت (بخش خصوصی) منتقل می‌شود. معنی این مساله به طور عملی این است که بخش خصوصی مبلغ فوق را سالانه به صورت قرض الحسنه به دولت پرداخت می‌کند!

البته عدد فوق بدون در نظر گرفتن هزینه سوخت (گاز، مازوت و گازوئیل) است و اگر آن را هم در نظر بگیریم میزان کسری بودجه اعدادی به مراتب بالاتر خواهد بود.

طبق گزارشات سالانه حداکثر ۱۰هزار میلیارد تومان برای بخش توسعه و افزایش ظرفیت، سرمایه گذاری می‌شود و این در حالی است که حداقل باید ۲۵ هزار میلیارد تومان در این خصوص نقدینگی تزریق شود. دولت برای حل معضل کسری بودجه، مدتی از انواع اوراق استفاده کرد، در حالیکه اکثر بانک‌ها حاضر نیستند این اوراق را به

عنوان وثیقه بپذیرند و حتی تا چند سال قبل، خود شرکت‌های وابسته به وزارت نیرو نیز این اوراق را به عنوان تضمین قبول نمی‌کردند.

استفاده از اوراق خزانه که با توجه به نرخ تنزیل، در سال بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش ارزش دارد، نتوانست مشکل نقدینگی این صنعت را نیز جبران کند و عملاً فعالان اقتصادی از دریافت آنها امتناع می‌کنند زیرا زیان‌های زیادی را به ایشان تحمیل می‌کند.

غیر از موضوع انتشار اوراق خزانه به دلیل اینکه دولت مشکلات نقدینگی خود را به سال‌های بعد و احتمالاً دولت بعدی منتقل می‌کند، عملاً مشکل مالی در اکثر شرکت‌های اقتصادی صنعت برق حل نمی‌شود و فقط شرکت‌های بزرگ منوپل توانستند از آن استفاده کنند.

بنا به دلایل فوق، مشکل اصلی صنعت برق، اقتصاد آن است که آن هم متأثر از اقتصاد کلان کشور و سیاست‌های خارجی آن است. تحریم، امکان تامین مالی خارجی (فاینانس) را از بین برده است و صادرات انرژی و خدمات مهندسی را به حداقل ممکن رسانده و حضور تولیدکنندگان، تامین‌کنندگان و پیمانکاران را در مناقصات بین‌المللی غیرممکن کرده است.

تحریم‌ها باعث افزایش قیمت ارز (افزایش قیمت تمام شده برق)، قاچاق تجهیزات بی‌کیفیت و افزایش قیمت واردات شده است. و از همه مهم‌تر اثری که تحریم و اقتصاد برق بر این صنعت گذاشته، این است که تعداد قابل توجهی از نیروهای انسانی متخصص مهاجرت کرده‌اند و متأسفانه به راحتی نمی‌توان جای آنها را پر کرد.

البته ضمن پرداختن به مشکلات اقتصادی صنعت برق، نباید از سوء مدیریت‌ها هم غافل شد. بار مالی استخدام‌های غیرکارشناسی دولت‌های نهم و دهم در

صنعت برق، سالیان سال برگردن آن خواهد بود. این اقدام باعث شده است که تعدادی نیروی غیرکارشناس با حقوق‌های بالا به بدنه صنعت برق تحمیل شوند و ضمن افزایش هزینه‌های عمومی آن، راندمان و انگیزه را نیز پائین آورند.

علاوه بر این تلاش شاخصی برای کاهش هزینه‌ها، اصلاح الگوی مصرف و کاهش تلفات صورت نمی‌گیرد. به عنوان نمونه، از طریق صرفه‌جویی ۱۰ درصدی در مصرف سوخت نیروگاه‌ها که سالانه بیش از ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است، می‌توان منابع مالی عظیمی به دست‌آورد که تمام مشکلات صنعت برق را حل خواهد کرد همچنین برنامه‌ریزی مناسبی برای تعریف پروژه‌ها انجام نمی‌شود، پروژه‌ها را بدون پشتوانه مالی تعریف می‌کنند، پروژه‌هایی که طول آن گاهی به یک دهه می‌رسد و تغییر قابل توجهی هم در شبکه برق رقم نمی‌زند و حتی به بهره‌برداری هم نمی‌رسد. به دلیل اینکه مسئولان تراز اول صنعت برق تحصیلات عالیه با گرایش صنعت برق دارند، به صورت ناخودآگاه مسائل فنی را ارجح می‌دانند و مسائل اقتصادی، مدیریتی و برنامه ریزی در اولویت‌های آنها نیست، در حالیکه این افراد بایستی بیشتر به امور غیرفنی و کلان صنعت برق بپردازند.

همه این عوامل در کنار هم پیامدهای روشن و مشخص دارند که به طور قطع فقط مختص به یک شرکت نیست. واقعیت این است که عدم توازن درآمدها و هزینه‌های وزارت نیرو با تمام پیامدهایش به طور کامل به بخش خصوصی منتقل شده، با این تفاوت که مدیران و کارمندان بخش دولتی از آن آسیبی نمی‌بینند، اما در بخش خصوصی اولین قسمتی که آسیب می‌بیند، نیروی انسانی آن است.

جالب است که بسیاری از شرکت‌های برقی زیرمجموعه وزارت نیرو از بیستم هر ماه پرداختی ندارند تا مطمئن شوند که می‌توانند حقوق کارمندانشان قابل پرداخت

است و به صراحت نیز در وصول مطالبات طرف قراردادی خود، این موضوع را اعلام می‌کنند.

بسیاری از شرکت‌های صنعت برق ورشکست و یا کوچک‌تر از قبل شده‌اند، تمرکزشان به نیروی انسانی و کیفیت محصول یا خدمتی که ارائه می‌دهند کم شده است. نیروی انسانی کارآمد و متخصص این صنعت به دنبال شغل در صنایع دیگر است که درآمد پایدار و مناسبی به نسبت تخصص خود داشته باشد. شرکت‌هایی که هنوز در این صنعت پابرجا مانده اند عاشق این صنعت هستند و این مشکلات را تحمل می‌کنند.

بدهی‌های بانکی، مالیاتی، تامین اجتماعی و چک‌های برگشتی و بی‌اعتباری از پیامدهای انتقال مشکلات مطروحه از دولت به وزارت نیرو و نهایتاً به بخش خصوصی است. البته حتما مسئولین وزارت نیرو به این نکته هم توجه دارند که پیامدهای فوق، پروژه‌های آنها را نیز به خطر می‌اندازد و به دلیل تجمیع مشکلات مالی، عملاً کنترل نقدینگی از دست طرف دیگر قرارداد خارج می‌شود و احتمالاً پیمانکار یا سازنده هیچ کدام از پروژه‌های خود را نمی‌تواند در موعد مقرر به سرانجام برساند که نهایتاً منجر به اختلافات قراردادی و حتی ضبط ضمانتنامه‌ها می‌شود.

این روال ساختار اقدامات شرکت‌های سازنده و پیمانکار را مختل کرده است. امروز متأسفانه به جای آنکه دغدغه اول ما اجرای به موقع و با کیفیت پروژه‌ها باشد، بیشتر در حال مذاکره برای وصول مطالبات، جذب نقدینگی از بانک‌ها، رفع تنش‌های سازمانی از جهت عقب افتادگی حقوق چندین ماهه پرسنل، تقسیط بدهی‌ها به سازمان‌های تامین اجتماعی و مالیاتی، درخواست استمهال تسهیلات بانکی، مذاکره با تامین کنندگان و پیمانکاران خدماتی برای عقب انداختن پرداخت مطالبات ایشان و از این قبیل امور است.

نتیجه این امر این است که به جای وزارت نیرو، بهره بانکی می‌دهیم (در واقع آنها وام گرفته‌اند و بهره‌اش را ما پرداخت می‌کنیم)، اعتبارمان از بین رفته است، پرسنل مان ناراضی هستند و مدیریت شرکت نمی‌تواند برای خلق ارزش افزوده در شرکت اقدامی انجام دهد.

در کنار همه این مسائل اپیدمی کووید ۱۹ هم به مشکلات شرکت‌ها دامن زده است. بسیاری از شرکت‌ها به دلیل شیوع ویروس کرونا از ۲۲ اسفند سال ۹۸ تا اواسط خرداد ۹۹ به حالت نیمه تعطیل درآمده، در واقع بعد از تعطیلات نوروز به صورت دورکاری، فعالیت می‌کردند. حالا این بیماری عدم پرداخت حقوق پرسنل و توقف پیشرفت پروژه‌ها را هم به مشکلات ما افزوده است. از کارفرمایان درخواست کرده‌ایم که مطابق قوانین، شرایط فورس ماژور را بپذیرند و تاخیرات پروژه‌هایمان را مجاز اعلام کنند. به علاوه به دلیل نگرانی از آینده این بیماری و پیامدهای آن، در اکثر مناقصات ابتدای سال ۹۹، شرکت نکردیم.

ادامه همه گیری این ویروس، هزینه‌های جاری غیر عملیاتی شرکت و به خصوص کارگاه‌ها را بیشتر کرده است، نهایتاً هزینه‌های ثابت شرکت در دوران نیمه تعطیلی شرکت، به زیان پروژه‌ها، افزوده خواهد شد. در صورت ادامه شیوع بیماری و کمبود نقدینگی متأسفانه مجبور هستیم تا نسبت به تعدیل نیروی انسانی و کند کردن روند اجرایی پروژه‌ها اقدام کنیم.

نکته حائز اهمیت که در سطح کلان قابل طرح است، این است که اگر مطالبات بخش خصوصی پرداخت نشود، گرایش به این بخش اجباراً به سمت اخذ وام است، وامی که بازپرداخت آن عملاً ممکن نیست و نتیجه آن اقدام شرکت‌ها به تعدیل و افزایش مشکلات تامین اجتماعی و … خواهد بود. عدم وصول مطالبات بانک‌ها نیز منجر به از دست رفتن منابع کافی برای گردش مالی

و سرمایه‌گذاری است و نتیجه آن رواج بیش از پیش رکود است که نهایتاً به ادامه بنگاه داری بانک‌ها ختم می‌شود.

با این شرایط باید واقع بین باشیم و بپذیریم که دولت امکان سرمایه‌گذاری مستقیم از منابع مالیاتی و نفتی را ندارد، لذا راه‌حل‌های پیش‌روی دولت این گونه است که:

- ترغیب سرمایه‌گذار خصوصی و خارجی
- تامین مالی از راه درآمدهای صنعت برق که مشکوک الوصول هستند.
- جلوگیری از تعریف پروژه‌های جدید
- تحمیل هزینه‌های تامین مالی به بخش خصوصی به صورت رایگان

وزارت نیرو همیشه راه حل چهارم را در پیش خواهد گرفت و لازم است که فعالان بخش خصوصی ضمن حفظ انسجام خود، به این درک مشترک برسند که به درستی مسائل را تحلیل کنند، هزینه‌های تامین مالی را ببینند و سپس اقدام کنند. شایسته است که بخش خصوصی در مناقصات قیمت‌های واقعی را ارائه کرده و از رقابت‌های مخرب که نهایتاً به دلیل عدم انجام پروژه‌ها علاوه بر خود، مردم نیز متضرر می‌شوند، اجتناب کند.

من به سهم خودم از مسئولین محترم سندیکا کمال قدردانی را دارم، زیرا در جریان تلاش‌های ایشان برای پیگیری مشکلات اعضاء، به خصوص مسائل مالی هستیم. می‌دانم که بیشترین وقت و انرژی سندیکا برای رسیدگی به مشکلات اعضاء می‌گذرد و در جلساتی که با مدیران توانیر و وزارتخانه برگزار می‌شود، با جدیت حافظ منافع کل اعضاء هستند.انتظاری که دارم این است تا به تلاش‌ها و پیگیری مداوم خود، با همان جدیت ادامه دهند و در این راه سخت و فرسایشی دست از تلاش برندارند. ■

اعضا؛ روی خ

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

مطالبات معوق؛

کابوس تمام‌نشدنی

صنعت برق

رشد و شکوفایی در صنعت برق کشور امروز جای خود را به رکود و ورشکستی داده است. شرکت‌های تولیدی و پیمانکاری به دلیل مشکلات نقدینگی و عدم پرداخت مطالباتشان از سوی کارفرمایان دولتی روز به روز شکننده‌تر می‌شوند و با معضل ورشکستگی دست و پنجه نرم می‌کنند. به ناچار از بدنه صنعت برق جدا می‌شوند و در رشته‌های غیرتخصصی دیگر با ضریب اطمینان، حفظ سرمایه و سوددهی بیشتر مشغول به کار می‌شوند.

این مهم زنگ خطری جدی است که ضربه اصلی آن نهایتاً به پیکره صنعت برق کشور وارد شده و عدم تکمیل و تعطیلی تعدادی زیادی از پروژه‌های تخصصی وزارت نیرو را در پی خواهد داشت. هرچند ورشکستگی اقتصاد برق کشور ریشه در سیاست‌های کلان وزارت نیرو و توانیر دارد و این سیاست‌ها باعث ایجاد زیانی انباشته شده است از طرفی شیوه و مکانیزم تسویه مطالبات بخش خصوصی صنعت برق توسط وزارت نیرو مطلوب و کارآمد نیست.

از منظر کارشناسان، تحلیل‌گران و فعالان صنعت برق مکانیزم‌های تسویه مطالبات دارای نواقص و اشکالاتی است. در برخی از این مکانیزم‌ها فقط پیمانکاران بزرگ تحت پوشش قرار می‌گیرند و در این میان شرکت‌های کوچک و متوسط صنعت برق که مطالبات عدیده‌ای از دولت دارند، تضییع حقوق می‌شوند.

لازم است وزارت نیرو برای تسویه بدهی بخش خصوصی از راهکارهای جامع و فراگیرتری استفاده کند تا تمام صنعت برق را پوشش دهد. استفاده از ظرفیت‌های داخلی صنعت برق برای رفع مشکلات این صنعت ضروری است. اگر اقتصاد صنعت برق اصلاح شود و قیمت حامل‌های انرژی به قیمت واقعی خودشان نزدیک شود، بسیاری از چالش‌های صنعت برق از جمله مطالبات معوق و انباشته بخش خصوصی نیز رفع خواهند شد. در همین راستا نمایندگان شرکت‌های عضو سندیکا به ۶ سوال زیر پاسخ داده‌اند:

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

۴. کمبود نقدینگی به خصوص در شرایط رکود و شیوع ویروس کرونا چه مسائلی را برای مجموعه تحت مدیریت جنابعالی ایجاد کرده است؟

۵. از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای پیش‌روی فعالان صنعت برق برای تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیت‌هایشان چیست؟

۶. از دیدگاه شما اقدامات سندیکا در وصول مطالبات اعضا تا چه حد موثر بوده است و شما در پیگیری این موضوع چه انتظاری از این تشکل دارید؟

۴. کمبود نقدینگی به خصوص در شرایط رکود و شیوع ویروس کرونا چه مسائلی را برای مجموعه تحت مدیریت جنابعالی ایجاد کرده است؟

۵. از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای پیش‌روی فعالان صنعت برق برای تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیت‌هایشان چیست؟

۶. از دیدگاه شما اقدامات سندیکا در وصول مطالبات اعضا تا چه حد موثر بوده است و شما در پیگیری این موضوع چه انتظاری از این تشکل دارید؟

مینانیرو

عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران و مدیرعامل شرکت مینانیرو



کمبود نقدینگی؛

نقص سیستم ایمنی

صنعت برق

۵ مشکل اصلی انباشت مطالبات، کمبود نقدینگی وزارت نیرو و عدم عمل دولت به تعهد بودجه‌ای خود در خصوص پرداخت مابه التفاوت قیمت تمام شده و قیمت تکلیفی فروش برق است که با بدتر شدن وضعیت مالی دولت و ناتوانی در جبران مابه التفاوت دائماً رو به افزایش است. در شرایطی که وزارت نیرو از بدهکاران سیستم بانکی است چگونه می‌تواند از ابزار گشایش اعتبار رریالی برای جلوگیری از انباشت بدهی آن استفاده کند؟ در واقع برخورد دولت با وزارت نیرو مدل بزرگتری از برخورد کارفرمایان شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع با پیمانکاران است که با وجود کمبود نقدینگی توقع پیشرفت پروژه را دارند. مشکلاتی که شاید قابل حل بوده و باعث افزایش هزینه‌های پروژه‌ها و تشدید مشکل نقدینگی می‌شوند عبارتند از: مشخصات بالای فنی غیر ضروری پروژه‌ها که بعضاً قابل تعدیل است.

نبود شرایط قراردادی منصفانه که باعث بالا رفتن قیمت تمام شده خدمات فنی و مهندسی پیمانکاران به خاطر پوشش ریسک‌های ناشی از متن قرارداد می‌شود.

عدم تخصیص نقدینگی مناسب و عادلانه به پروژه‌های پیمانکاران مختلف و تطویل قراردادها به دلیل کمبود نقدینگی کارفرمایان که منجر به افزایش هزینه‌های خواب سرمایه و بالا رفتن قیمت کار می‌شود.

۵ بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت که توقف پروژه‌ها، عدم امکان شرکت در مناقصات جدید و افزایش قیمت پروژه‌ها با کم ارزش شدن پول دریافتی، کاهش حجم گردش مالی (به قیمت‌های ثابت) و در نهایت ورشکستگی شرکت‌های سازنده و پیمانکار اصلی‌ترین و مهمترین پیامدهای ناشی از انباشت مطالبات و استمرار کسری بودجه وزارت نیرو است.

۵ به نظر نمی‌رسد راهکارهای عملی برای این مسئله بخصوص وصول مطالبات از کارفرمایان دولتی وجود داشته باشد. به همین دلیل شاید یکی از راه‌های نجات رجوع به مناقصات بخش خصوصی و یا فعالیت‌های غیر تخصصی باشد. مورد اول بعضاً از عهده همه شرکت‌ها بر نمی‌آید، چرا که مناقصات بخش خصوصی معمولاً از ضوابط قابل اعتمادی برخوردار نیست و در انحصار بعضی شرکت‌های خاص قرار دارد. در مورد دوم نیز فعالیت‌های واسطه‌گری و دلالی می‌تواند راهکاری برای تامین نقدینگی باشد. ۵ کمبود نقدینگی برای شرکت‌ها همانند نقص سیستم ایمنی در بدن انسان است. شیوع ویروس کرونا منجر به ایجاد هزینه‌های بیشتر و توقف کار پروژه‌ها شد و بدن از پیش ضعیف شده شرکت‌ها را مورد حمله قرار داده است. برخورد کارفرمایان با مشکلات ناشی از این معضل گواه بر افزایش آشفستگی وضعیت قراردادی و توقف پروژه‌ها در آینده است.

۵ راه حل‌های احتمالی در کوتاه مدت کارساز نیست. جذب سرمایه در اولویت حل این معضل است. یکی از راه حل‌ها در جذب سرمایه همچنان که در مورد تولید برق به کار رفته محاسبه درآمد ناشی از هر پروژه است تا بتوان سرمایه‌گذاران را برای ساختن مثلاً یک پست قانع کرد همانند نیروگاه‌های خصوصی موجود که درآمد

صفحه

۷۳

ستبران ۱

بهار ۰۹۹، دوره جدید

صفحه

۷۲

ستبران ۱

بهار ۰۹۹، دوره جدید

اعضا؛ روی خ

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

آن‌ها از تولید يك كيلووات برق مشخص است. مثلاً می‌توان برای هر پست رقیمی در ازاء میزان برق توزیع شده تعیین کرد در این صورت ممکن است اجتماعی از پیمانکاران و سرمایه گذاران بتوانند با تعیین قیمت مناسب، نسبت به اجرای اقتصادی پروژه‌ها اقدام کنند.

ه واقعیت این است که نتایج اقدامات سندیکا بطور مجزا قابل ارزیابی نیست. به عنوان مثال کاهش مطالبات پیمانکاران ظرف دو سه سال گذشته می‌تواند به دلیل کاهش واگذاری پروژه‌های جدید و توقف پروژه‌های قدیمی باشد. یکی از اقداماتی که تاکنون در سندیکا مغفول مانده اقدامات قضایی برای دریافت مطالبات اعضاست. از آنجا که برای يك شرکت به تنهایی چنین اقداماتی (هر چند در مواردی استثنا کارفرمایان، پیمانکاران را به شکایت قضایی تشویق کرده‌اند تا مطالباتشان زودتر وصول شود.) ممکن است منجر به عکس‌العمل از جانب کارفرمایان شود. به نظر بنده، لازم است سندیکا اقدام به تشکیل يك دفتر حقوقی قوی برای انجام چنین اقداماتی کند..



بر احوال آن مرد باید گریست که دخلش بود نوزده، خرج بیست

آراد کاوش پی	احسان فکار	نایب رئیس کمیته برق آلات سندیکای صنعت برق ایران و رئیس هیات مدیره شرکت آراد کاوش پی
--------------	------------	---

ه انباشت مطالبات شرکت‌های بخش خصوصی صنعت برق را که شامل پیمانکاران، تولیدکنندگان و مشاوران است، ناشی از ناتوانی مدیریتی حاکم بر این صنعت که در انحصار دولت است، می‌دانم. البته این مدل مدیریتی نزد مدیران بالاسری ووزرات نیرو شایستگی به حساب می‌آید؛ هرمدیری که با بدهی بیشتر بتواند شرکت توزیع بخش خود را اداره کند، موفق تر بوده و سزاوار دریافت نشان افتخار است. عدم بازخواست مدیرانی که انباشت بدهی داشته‌ اند، گواه این موضوع است.

ه به کارگیری ابزارهای مالی نظیر گشایش اعتباری ریالی و تأمین کسری بودجه، سالیان طولانی است که از محل مطالبات بخش خصوصی برای وزارت نیرو تأمین شده و محلی برای پیشنهاد و ابزار مالی جدید پوششی نیست. همچنین دور از ذهن است که طراحان و استراتژیست‌های مالی در وزارت نیرو قراردادهای بانکی، مالی و اعتباری دردسرساز را بپذیرند و برای خود دیون و الزامات قانونی دست و پا گیر ایجاد کنند.عدم وصول مطالبات منجر به تعدیل نیروی ماهر و متخصص در صنعت برق، از دست رفتن منابع و اعتبار در بین ذینفعان این حوزه و شرکت‌ها شده است.

ه مشارکت با سندیکای صنعت برق، استقرار نیرو در مرکز مالی شرکت، صرف وقت و هزینه از جمله مواردی است که برای دریافت مطالبات وصول نشده و به منظور دستیابی به تنها بیست تا سی درصد آن در سال در نظر گرفته و جزء لاینفک ساختار شرکت شده است.

ه کمبود نقدینگی در شرایط پاندمیک کرونا ابزاری برای عدم پاسخگویی در وصول مطالبات از طرف وزارت نیرو شده است. کندی در پیگیری مطالبات و دیون معوقه منجر به ایجاد فرصت و تنفسی برای عدم پرداخت مطالبات بخش خصوصی از سوی وزارت نیرو و فروپاشی شرکت‌های پیمانکار حوزه صنعت برق شده است.

اقتصاد صنعت برق	مصاحبه مکتوب	(بازل بحران نقدینگی و بازارهای سرمایه)	مصاحبه مکتوب	اقتصاد صنعت برق
-----------------	--------------	--	--------------	-----------------

ه عمده بازار، متقاضی و مصرف کننده صنعت برق، وزارت نیرو و شرکت توانیر است. این واقعیت مشهود است که سیاست‌های این دو بخش، فعالان صنعت برق را متأثر کرده و این موضوع کاملاً قابل استناد است. سندیکای صنعت برق و اعضای کمیته‌های تخصصی آن تا کنون تلاش‌های فراوانی در خصوص وصول مطالبات انجام داده‌اند که نتایج آن قابل مشاهده است. حل بحران مالی ایجاد شده در صنعت برق نیازمند مشارکت و رساندن صدای بخش خصوصی به مدیران عالی رتبه صنعت برق و در ارتباط رودر روست.

ه واقعیت این است که از آنجایی که هریک از شرکت‌های فعال صنعت برق، مشارکت و حضور گسترده‌ای در بخش‌های مختلف و بدنه این صنعت دارند، مطمئناً شنیده شدن واقعیت و تبادل اطلاعات دست اول در این مسیر مفید فایده است. .

تابش تابلو	وحید الوندی	مسئول HSE و نماینده مدیریت شرکت تابش تابلو
------------	-------------	--

ه در حال حاضر یکی از مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار، گسترش روزافزون مشکلات اقتصادی کشور و در راس آن کسری بودجه است. وابستگی بودجه کشور به فروش نفت، مصائب ناهمگونی را بر شرایط بودجه‌ای کشور تحمیل کرده است. از سوی دیگر سابقه وزارت نیرو در بدهکاری گسترده در سنوات گذشته به پیمانکاران، تسهیل در امکان تسویه مطالبات کنونی پیمانکاران را ناممکن کرده است. در چنین وضعیتی دولت با تزریق پول بدون پشتوانه به جهت جبران کسری بودجه به افزایش نقدینگی دامن زده و موجب افزایش تورم شده است.

ه تعریف پروژه های جدید، بدون در نظر گرفتن پشتوانه های مالی و بی برنامهگی در تبیین صحیح مشکلات و نبود برنامه ریزی اصولی، فضا را برای فعالیت پیمانکاران سخت و ایشان را با مطالبات گسترده و انباشته مواجه کرده است.

ه از مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از سوی کارفرما برای مجموعه تابش تابلو، می‌توان به کمبود شدید نقدینگی و سرمایه در گردش اشاره کرد که این امر موجب کاهش قدرت ریسک پذیری مجموعه و فروش از دست رفته (به دلیل عدم توانایی شرکت در مناقصات جدید و یا دریافت و پیگیری سفارشات جدید) می‌شود. همچنین کاهش چشم‌گیر تولیدات و نبود پروژه‌های جدید، سبب تعدیل نیرو و افزایش نرخ بیکاری می‌شود.

ه این شرکت مانند سایر فعالان صنعت برق برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی همانند سنوات گذشته اقدام به پیگیری‌های متعدد از کارفرمایان کرده، با این اوصاف شرکت با شرایط سخت‌تری نسبت به قبل مواجه شده است. علی‌رغم همه این تلاش‌ها و پیگیری های گسترده همچنان وصول مطالبات نتیجه‌ای در بر نداشته و فرایند مذکور بی نتیجه مانده است.

ه کمبود نقدینگی در شرایط رکود و شیوع کرونا برای مجموعه تابش تابلو موجب کاهش چشمگیر

صفحه					
۲۵	ستبران ۱	بهار ۰۹۹، دوره جدید			صفحه

اعضا؛ روی خ

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

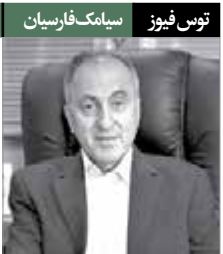
۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

فروش و دریافت سفارشات جدید شده است که این امر در صدر مشکلات شرکت قرار گرفته و راه را برای سپری کردن امورات روزانه ناهموار کرده است.

مهمترین راهکار پیش رو فعالان صنعت برق جهت تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیتشان توجه بیش از پیش دولت به صنعت برق و احصاء مشکلات پیمانکاران و سازندگان است که ضروریست جهت جلوگیری از گسترش روزافزون مشکلات این امر با سرعت و جدیت بیشتری پیگیری شود.

از دیدگاه اصولی به نظر می‌رسد ضروریست سندیکا نسبت به پیگیری وصول مطالبات اعضا اهتمام ویژه‌ای داشته باشد و از سوی دیگر تمرکز را صرفا معطوف به پیمانکاران نکند و مشکلات پیمانکاران ساخت و مطالبات این طیف گسترده که خود با مشکلات گسترده و مرتبط با تولید مواجه هستند به فراموشی سپرده نشود. ضرورت ارتباطات گسترده با بخش‌های مختلف زیرمجموعه وزارت نیرو به جهت تسهیل در فرآیند پرداخت مطالبات و همچنین ارتباط با کمیسیون انرژی مجلس دوازدهم از مهمترین خواسته‌های پیمانکاران است. •



چراغ نیم سوز تولید رو به خاموشی است

توس فیوز سیامک فارسیان رییس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت توس فیوز

از عمده ترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده باید ایجاد پروژه‌های جدید بدون پشتوانه مالی از سوی شرکت‌های خریدار و نیز عدم مدیریت بر منابع مالی از سوی آنها اشاره کرد. این عوامل در کنار یکدیگر به ایجاد بحران نقدینگی در صنعت برق منجر شده اند.

یکی از مهمترین پیامدهای عدم تسویه مطالبات سازندگان، پیمانکاران و سایر فعالان صنعت برق از سوی شرکت‌های خریدار که عمدتاً زیرمجموعه وزارت نیرو هستند، عدم تامین به موقع عوامل تولید است که در نهایت به تعطیلی شرکت‌ها منجر شده و ظرفیت‌های تولید را از بین می‌برد. برای وصول مطالبات از شرکت‌های خریدار و کارفرما اقداماتی همچون مکاتبات؛ مذاکرات حضوری و تلفنی مستقیم با طرف‌های قرارداد و شرکت مادر تخصصی توانیر و وزارت نیرو صورت گرفته که متاسفانه هیچگونه نتیجه روشنی که بتواند چراغ تولید را روشن نگه دارد، حاصل نشده است.

در سال ۱۳۹۹ تنها عاملی که منجر به نابودی شرکت تولیدی توس فیوز شد، عدم پاسخگویی شرکت‌های بدهکار به تعهدات خود بود که شیوع ویروس کرونا هم بهانه‌ای برای لاپوشانی سوء مدیریت مدیران این شرکت‌ها شده است. در وضعیت بی‌ثبات اقتصاد کشور، تامین منابع مالی از محل مطالبات یکی از مهمترین پارامترهای مالی جهت دوام شرکت‌های تولیدی است. شرکت‌های خریدار در مدیریت و تامین منابع می‌بایست بسیار سنجیده عمل کنند. در غیر این صورت حیات شرکت‌های تامین‌کننده با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد.

طی چندین سالی که سندیکای صنعت برق عضو بوده ایم، مشکلات عدیده‌ای با طرف‌های قرارداد و سایر ارگان‌های دولتی داشتیم و متاسفانه هیچگونه حمایت و پیگیری‌ای برای حل این مشکلات از سندیکا شامل حال ما نشد. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد موضوعات مبتلا به این شرکت برای سندیکای محترم اهمیت پیگیری نداشت. •

۴. کمبود نقدینگی به خصوص در شرایط رکود و شیوع ویروس کرونا چه مسائلی را برای مجموعه تحت مدیریت جنابعالی ایجاد کرده است؟

۵. از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای پیش‌روی فعالان صنعت برق برای تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیت‌هایشان چیست؟

۶. از دیدگاه شما اقدامات سندیکا در وصول مطالبات اعضا تا چه حد موثر بوده است و شما در پیگیری این موضوع چه انتظاری از این تشکل دارید؟

رهشاد الکتریک

حامد کرشاسبی

مدیرعامل شرکت رهشاد الکتریک



وحدت و همدلی اعضا؛ گام موثری در رفع مشکل مطالبات

تعریف پروژه‌های جدید بدون پشتوانه مالی اصلی‌ترین عامل انباشت مطالبات است. وزارت نیرو در حوزه برق، بدون داشتن ردیف‌های بودجه‌ای مشخص اقدام به تعریف پروژه‌های جدید و به تبع آن ایجاد بدهی‌های انباشته می‌کند، حال آنکه این وزارتخانه بیش از چند ده هزار میلیارد تومان بدهی معوق دارد. در کنار این مساله نبود گشایش اعتباری ریالی و کسری بودجه هم مزید علت شده‌اند. البته به طور قطع بی‌تدبیری و بی‌توجهی به فشار وارده بر عناصر زنجیره تأمین برق و عدم تعامل مناسب با کشور عراق به عنوان مهمترین مقصد صادراتی محصولات و خدمات صنعت برق هم به این چالش‌ها به شدت دامن زده است. این موضوع عاملی برای کاهش قدرت مالی، افزایش نرخ ارز، رکود تورمی فزاینده، کاهش سرمایه در گردش و عدم تمایل به حضور در پروژه‌های جدید است.

همانطور که اشاره شد کاهش قدرت مالی، افزایش نرخ ارز، رکود تورمی فزاینده، کاهش سرمایه در گردش و در نهایت عدم تمایل به حضور در پروژه‌های جدید اصلی‌ترین پیامدهای عدم وصول مطالبات محسوب می‌شوند. در این شرایط تغییر راهبردهای شرکت و گسترش حجم صادرات آن و تغییر بازار هدف به خارج از مرزهای کشور بزرگترین راهکاری است که در پیش‌روی خود قرار داده‌ایم و تاکنون از نتایج به دست آمده در این راه راضی بوده‌ایم.

کمبود مواد اولیه در خطوط تولید، تعدیل نیروی انسانی و تقلیل ساعات کاری از چند شیفت به صورت تمام وقت به یک شیفت به صورت نیمه وقت، عدم پاسخگویی شرکت‌های تابعه توانیر به علت حضور یک سومی نیروهای این شرکت‌ها در دوران شیوع ویروس کرونا و به تعویق افتادن کلیه فرآیندهای عقد قرارداد، امور فنی و مهندسی و پیگیری‌های مالی مربوط به آنها تنها بخشی از پیامدهای ناشی از شیوع ویروس کرونا برای شرکت‌های فعال صنعت برق بوده است.

یکپارچگی در سندیکای صنعت برق ایران؛ با توجه به بحران بزرگی که پیش‌روی شرکت‌ها است، برای حل چالش‌های موجود از اهمیتی حیاتی برای اعضا برخوردار است. در این شرایط سندیکا باید با ایجاد وحدت، همدلی و یکپارچگی در بین فعالان صنعت برق، برای احصای نتیجه مناسب تلاش و برنامه ریزی کند.

سندیکای صنعت برق ایران در این خصوص زحمات فراوانی را متحمل شده است و همواره آگاه هستیم که عدم حصول نتیجه دلیل بر بی‌توجهی سندیکا به این مهم نبوده و نیست. لذا نیاز به هماهنگی‌ها و تشکل‌گرایی بیشتری در بین اعضای سندیکا احساس می‌شود. ما در اتاق ایران نمونه‌های موفق زیادی در همین خصوص داشته‌ایم که این موفقیت‌ها متاثر از همین وحدت، همدلی و یکپارچگی بیشتر و تجمیع برآیند قوای عناصر آن تشکل‌ها حاصل شده است. •

اعضا؛ روی خ

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

۴. کمبود نقدینگی به خصوص در شرایط رکود و شیوع ویروس کرونا چه مسائلی را برای مجموعه تحت مدیریت جنابعالی ایجاد کرده است؟

۵. از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای پیش‌روی فعالان صنعت برق برای تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیت‌هایشان چیست؟

۶. از دیدگاه شما اقدامات سندیکا در وصول مطالبات اعضا تا چه حد موثر بوده است و شما در پیگیری این موضوع چه انتظاری از این تشکل دارید؟

نیرو افشان برق فارس**مسعود صادقی زاده جهومی****رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت نیرو افشان برق فارس**

وصول قطره چکانی و بلندمدت مطالبات

« تجربه نشان داده که وزارت نیرو همیشه با کسری بودجه مواجه بوده و مطالبات پیمانکاران را با تاخیر طولانی پرداخت می‌کند و در حقیقت می‌توان گفت که اکثر پروژه‌های صنعت برق با سرمایه بخش خصوصی اجرا و راه‌اندازی می‌شوند. لذا با توجه به اینکه وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه آن، اطلاع کامل از وضعیت عدم نقدینگی پروژه‌های خود دارند، روزانه شاهدیم که پروژه‌های جدیدی تعریف می‌کنند و آگهی مناقصات آنها را در نشریات و سایت‌ها اعلام می‌کنند. پیمانکاران و سازندگان در این مناقصات شرکت کرده و گرفتار مشکلات نقدینگی و عدم پرداخت مطالبات می‌شوند و مجبور خواهند شد به خاطر حفظ اعتبار و آبروی خود و شرکت با استفاده از تسهیلات بانکی با سود ۱۸٪ به بالا و فروش املاک و دستگاه‌های شرکت نسبت به پرداخت این بدهی‌ها اقدام کنند و در انتظار وزارت نیرو بمانند که بعد از چند سال نسبت به پرداخت مطالباتی که ارزش آن از یک سوم قیمت پروژه هم کمتر شده، اقدام کنند.

طی چند سال اخیر پرداخت‌ها نیز به صورت نقدی انجام نمی‌شود، یا اسناد خزانه اسلامی با سررسید چند ساله است و یا تهاتر با سیمان، فولاد و... که به دلیل مشکلات نقدینگی ناچار می‌شویم با تنزیل ۱۵ تا ۳۰ درصد و یا بیشتر فروخته و بدهی‌ها را پرداخت کنیم. مساله این است که تنزیل فروش باعث ضرر و زیان برای بخش خصوصی است.

نهایتاً می‌توان گفت وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه بدون پشتوانه مالی اقدام به تعریف پروژه‌های جدید می‌کنند که باعث کم‌رنگ شدن حضور بخش خصوصی در مناقصات شده و نتیجه آن ناتمام ماندن بسیاری از پروژه‌ها و حتی عدم شروع پروژه‌های جدید شده است.

« عدم وصول مطالبات مشکلات عدیده‌ای برای بخش خصوصی ایجاد کرده و نهایتاً باعث ورشکستگی و تعطیلی شرکت‌هایی شده که سالیان طولانی در بخش صنعت برق فعالیت کرده‌اند. از دیگر پیامدهای انباشت مطالبات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برگشت چک‌های مالیات بر ارزش افزوده، صورت وضعیت‌هایی که توسط کارفرمایان پرداخت نشده، بسته شدن حساب‌های بانکی شرکت، ممنوع‌الخروج شدن اعضای هیات مدیره و سهامداران شرکت توسط سازمان امور مالیاتی

- عدم پرداخت بدهی‌های بیمه به سازمان تامین اجتماعی باعث برداشت از حساب‌های شرکت و در صورت عدم موجودی توقیف اموال و بستن حساب‌ها می‌شود.

- برگشت چک‌های خرید تجهیزات مصرف شده در پروژه‌ها که باعث از بین رفتن اعتبار کاری شرکت می‌شود.

- عدم پرداخت دستمزد شاغلان پروژه‌ها

- عدم پرداخت حقوق کارمندان شرکت

مشکلات نقدینگی کارفرمایان که منجر به عدم پرداخت به موقع مطالبات شده، مشکلات مالی، بدهی‌ها و چک‌های برگشتی شرکت‌ها را به دنبال داشته است. این مساله شرکت‌ها را ناگزیر می‌کند نسبت به تهاتر مطالبات با اسناد خزانه اسلامی، سیمان، ترانس، فولاد و... اقدام کنند. حتی در بعضی موارد به دلیل اینکه

مطالبات توسط کارفرمایان به صورت قطره چکانی طی مدت طولانی پرداخت می‌شود و شرکت جوابگویی بدهی‌ها نیست و بناچار مجبور به اخذ تسهیلات بانکی با سود ۱۸ درصد به بالا می‌شود که با سود تک رقمی که در زمان پیشنهاد قیمت مناقصه پیش‌بینی شده نهایتاً باعث ضرر و زیان شرکت خواهد شد. این مساله در طی این مدت باعث شده قدرت پرداخت اقساط را از دست بدهیم و مجبور به تمدید و پرداخت سودهای بیشتری به بانک‌ها خواهیم شد.

« در شرایط موجود که روزانه شاهد گسترش و همه‌گیری ویروس کرونا هستیم کمبود نقدینگی ناشی از عدم پرداخت مطالبات باعث توقف پروژه‌ها و عدم پیشرفت فیزیکی قابل توجه شده که هم‌زمان با شیوع این ویروس، رشد نرخ ارز نیز باعث افزایش شدید قیمت تجهیزات و دستمزد گروه‌های اجرایی شده و حتی سازندگان داخلی و خارجی از ساخت سفارشات قبلی نیز منصرف شده‌اند. ضرر و زیان همه این موارد برای بخش خصوصی است؛ آنقدر که حتی قادر به پرداخت چک‌های خود بابت مالیات، بیمه و خرید تجهیزات نبوده و این امر باعث افزایش تعداد بدهی شرکت‌ها شده است.

« در شرایط بحرانی که در حال حاضر شاهد آن هستیم و در جواب پرسش‌های قبلی نیز به آن اشاره شد؛ بخش خصوصی بخاطر حفظ اعتبار و ماندگاریش در صنعت برق، تمام سرمایه و نقدینگی خود را در جهت قراردادهایی که در دست داشته صرف کرده و بدلیل مشکلات مالی توان ادامه فعالیت‌های تعهدی خود را ندارد.

« با فرض اینکه کارفرمایان طرف قرارداد نسبت به پرداخت کل مطالبات اقدامی کنند و از طرفی جبران پرداخت خسارت افزایش قیمت‌ها صورت پذیرد، امید آن خواهد بود که طرح‌های ناتمام تکمیل و قراردادهای متوقف مجدداً فعال شوند، در غیراینصورت کلیه پروژه‌های ناتمام بایستی خاتمه یابد.

« سندیکای صنعت برق ایران به عنوان یک تشکل صنفی توانمند در صنعت برق کشور همیشه در کنار فعالان اقتصادی خود بوده و حمایت‌های لازم را انجام داده و در بخش وصول مطالبات نیز قدم‌های مثبتی برداشته که در سال‌های گذشته نیز بخشی از مطالبات از طریق وزارت نیرو و شرکت‌های توانیر برای اعضای دریافت شده است که جای تشکر و قدردانی دارد. امید است در سال جاری نیز درصد بیشتری از مطالبات اعضا از طریق پیگیری‌های سندیکا وصول شود. »

شایان تکین**علی امین****مدیرعامل شرکت مهندسی شایان تکین**

جذب سرمایه گذاران خارجی؛ راهی برای خروج از بحران

« در کشورهای در حال توسعه هماهنگی نظام بانکی با کارفرمایان دولتی و خصوصی می‌تواند شاخصه احداث پروژه‌ها را تا حد قابل قبولی حفظ کند و با توجه به اینکه بازار سرمایه در ایران دستخوش دخالت دلالان و سفته بازان است و سیاست کلان اقتصادی موثری را نیز دنبال نمی‌کند، به رغم انباشت نقدینگی در کشور مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار پرداخت نشده و مثل سنوات گذشته دلال‌های اقتصادی به جای فعالان صنعتی از سودهای گزاف بهره‌مند می‌شوند.

« طبعاً عدم وصول مطالبات هر بنگاه اقتصادی عواقبی همچون تعویق در پرداخت مطالبات اشخاص حقیقی و حقوقی را به همراه دارد و گرفتاری‌های مدیران هر بنگاه اقتصادی را چند برابر می‌کند ولیکن تا این لحظه با تلاش مدیران این شرکت هنوز تعدیل نیروی انسانی برای شرکت

اعضا؛ روی خ

۱. از دیدگاه شما مهمترین دلایل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار چیست؟

۲. مهمترین پیامدهای عدم وصول مطالبات از شرکت‌های کارفرمایی برای شرکت شما چه بوده است؟

۳. در شرکت خود برای وصول مطالبات و تامین نقدینگی چه راهکارهایی پیش گرفته‌اید و چه نتیجه‌ای از این فرایند حاصل شده است؟

۴. کمبود نقدینگی به خصوص در شرایط رکود و شیوع ویروس کرونا چه مسائلی را برای مجموعه تحت مدیریت جنابعالی ایجاد کرده است؟

۵. از دیدگاه شما مهمترین راهکارهای پیش‌روی فعالان صنعت برق برای تامین مالی پروژه‌ها و عدم توقف فعالیت‌هایشان چیست؟

۶. از دیدگاه شما اقدامات سندیکا در وصول مطالبات اعضا تا چه حد موثر بوده است و شما در پیگیری این موضوع چه انتظاری از این تشکل دارید؟

مهندسی شایان تکین اتفاق نیفتاده است. اما به هر حال نمی‌توان این مساله را انکار کرد که اوضاع اقتصادی مطلوب نیست و این مساله خسارات جبران‌ناپذیری را به شرکت‌ها وارد می‌کند.

■ استفاده از سایر منابع مالی و بهره‌مندی هوشمندانه از بازار سرمایه، کمک موثری برای شرکت مهندسی شایان تکین در حل و فصل بخشی از مشکلات مالی بوده است.

■ تعویق در پرداخت مطالبات کارکنان و مالیات بر ارزش افزوده سال ۹۷ و مطالبات برخی پیمانکاران جز (دست دوم) و سازندگان از پیامدهای شیوع ویروس کرونا و رکود حاکم بر اقتصاد کشور بویژه صنعت برق بوده است. ضمناً در پنج ماه گذشته به جهت همه‌گیر بودن این ویروس و تعطیلی سایر کشورها امکان استفاده از منابع دیگر نیز بسیار سخت و حتی غیرممکن شده است.

■ ایجاد سازوکار و بستر مناسب جهت بهره‌مندی از منابع مالی خارجی و ساختارسازی جهت جلب اطمینان تامین‌کنندگان منابع مالی خارجی، بهترین روش برای حل مشکل مالی صنعت برق است.

■ انصافاً سندیکا در انجام مکاتبات و مراودات با کارفرمایان مختلف نقش ارزنده‌ای داشته است و در مراجعه به کارفرمایان اثر بخشی اقدامات سندیکا کاملاً محسوس و مشهود است. لیکن مشکلات صنعت برق صرفاً با مکاتبه و پیگیری حل نخواهد شد و نفوذ کلام متولیان امر در سندیکا در مواجهه با دولت و قانع کردن آنها به بهره‌گیری از راهکارهای ارائه شده توسط سندیکا موثرتر خواهد بود. در هر صورت عملکرد سندیکا قابل قبول و تحسین برانگیز بوده و مستحق قدردانی است. ■

شعاع گسترش



پروژه‌های بدون پشتوانه؛ بلای جان صنعت برق

مدیرعامل شرکت شعاع گسترش

■ مهمترین دلیل انباشت بدهی‌های وزارت نیرو به شرکت‌های سازنده و پیمانکار کسری بودجه شدید این وزارتخانه است. در این شرایط کاهش درآمدهای شرکت‌ها و افزایش هزینه‌های پروژه‌ها به دلیل عوامل مختلف اقتصادی اعم از نوسانات قیمت‌ها، هزینه‌های بیشتری را به پروژه‌ها و کارفرمایان دولتی تحمیل می‌کند. آن‌هم در شرایطی که آنها بودجه مناسبی در اختیار ندارند.

شایان ذکر است، کاغذبازی در ادارات و ارگان‌های دولتی سبب تطویل بررسی وضعیت‌ها حتی در صورت عدم مشکل نقدینگی شده است. لذا هزینه تمام شده پروژه‌های دولتی بسیار بیشتر از پروژه‌های مشابه در بخش خصوصی است.

■ از مهمترین پیامدهای این موضوع ورشکستگی بسیاری از شرکت‌ها به واسطه افزایش هزینه‌های بالاسری است. یکی از اصلی‌ترین این هزینه‌ها سود و جرایم تسهیلات بانکی است.

متأسفانه این شرکت برای اجرای پروژه‌های خود اقدام به اخذ تسهیلات از سیستم بانکی کرده که موجب افزایش و استمرار هزینه‌های بالاسری شده است. به علاوه با سررسید این تسهیلات عمدتاً گران قیمت و عدم پرداخت مطالبات توسط کارفرمایان، مشکلات دو چندان شده است.

■ برای این مشکل دو راه حل کوتاه و بلندمدت می‌توان تدوین کرد. در راهکار بلندمدت باید کاهش

حجم دولت و هزینه‌های آن، اصلاح ساختارها در جهت افزایش درآمدها و همچنین واقعی شدن قیمت ارز و حامل‌های انرژی مد نظر قرار گیرد.

به علاوه می‌توان ایجاد یک تناسب منطقی بین هزینه‌های بالاسری دستگاه‌ها و حجم ریالی پروژه‌ها را نیز به عنوان مهمترین راهکار کوتاه مدت مد نظر قرار داد. به این ترتیب اقدامات شرکت‌های کارفرمایی باید به نحوی تعریف و برنامه‌ریزی شود که به عنوان مثال هزینه ستاد معاونت طرح و توسعه معادل A درصد از پروژه‌های اجرایی آن باشد. البته منوط کردن حقوق دستگاه‌ها به تسویه با پیمانکاران هم می‌تواند به عنوان یک راهکار موثر در کوتاه مدت در پیش گرفته شود.

■ مهمترین انتظار ما به عنوان اعضای سندیکا از این تشکل این است که از انعقاد قراردادهای بدون پشتوانه مالی جلوگیری کند. به علاوه پیگیری مستمر جهت تشکیل جلسات با مسئولین دولتی و برجسته کردن عوارض حل نشدن مشکلات هم می‌تواند برای شرکت‌های عضو کارساز واقع شود. ■

مقره سازی ایران

محمد رضا اسخی نژاد

کارشناس بازرگانی شرکت مقره سازی ایران



زنجیره چالش‌ها،

از کسری بودجه تا

جرایم بانکی بخش خصوصی

■ مهمترین عامل انباشت مطالبات شرکت‌های سازنده و پیمانکار، اجرای مناقصات خرید از سوی شرکت‌های تابعه وزارت نیرو با وجود کسری بودجه این وزارتخانه است.

■ عدم وصول مطالبات موجب کمبود نقدینگی برای خرید مواد اولیه و به تبع آن عدم تامین به موقع سفارشات خریداران شده است. این موضوع تاخیر در تحویل مقره در مناقصات شرکت‌های برق منطقه‌ای را به دنبال داشته و در نهایت شرکت‌ها ناگزیر به پرداخت جریمه دیرکرد تحویل مقره کرده است.

■ پیگیری تلفنی و مکاتبات متعدد با شرکت‌های طرف حساب و حضور چند روزه نماینده شرکت در محل شرکت‌های برق جهت وصول مطالبات تنها بخش کوچکی از اقدامات ما برای پیگیری مطالبات بوده است. این مساله فارغ از هزینه سفر و اقامت، در شرایط کنونی در شیوع ویروس کرونا، برای نمایندگان شرکت بسیار مخاطره آمیز نیز است.

■ بی‌ثباتی قیمت‌ها در بازار و روند رو به افزایش آن و همچنین خرید مواد اولیه از تامین‌کنندگان داخلی به صورت نقدی مسائلی است که در طول این مدت ما را با مشکلات جدید و بزرگی مواجه کرده است. این چالش‌ها در کنار پرداخت اعتباری و درازمدت شرکت‌های برق باعث بروز تاخیر در پرداخت حقوق ماهیانه کارگران زحمت کش این شرکت، تاخیر در پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی از بانک‌ها و تحمیل جرایم سنگین مالی به این مجموعه شده است.

■ مهمترین راهکار برای تامین مالی پروژه‌های صنعت برق، تخصیص بودجه کافی به وزارت نیرو متناسب با پروژه‌های آن است.

■ سندیکا به مثابه پل ارتباطی بین سازندگان و وزارت نیرو ست؛ شایسته است تلاش و کوشش مضاعفی در زمینه وصول مطالبات اعضا انجام دهد. ■



آمیزه‌های پلیمری ابهر
ABHAR POLYMER
COMPOUNDS

افتخاری دیگر...

شرکت آمیزه‌های پلیمری ابهر، از معدود مجموعه‌های تولیدی در سطح ملی است که تمامی تولیدات آن در زمره محصولات دانش بنیان قرار دارد.

محصول دانش بنیان

برتری‌های تکنولوژیکی محصولات

آمیزه پلیمری پیشرفته مقاوم در برابر آتش

- مقاوم در برابر ترک
- مقاومت بسیار بالا در برابر اشتعال پذیری

آمیزه پلیمری پیشرفته برای پوشش کابل‌های قدرت مقاوم به UV

- خواص الکتریکی عالی در جریان‌های DC
- مقاوم در برابر ترک خوردگی ناشی از محیط‌های مهاجم (بالتر از ۲۰۰۰ ساعت)

آمیزه پلیمری پیشرفته برای عایق کابل‌های قدرت

- خواص مکانیکی بالا
- فرآیند پذیری مناسب

آمیزه پلیمری پیشرفته برای تولید لوله‌های ۵ لایه مقاوم در برابر گرما

- مقاومت عالی در برابر دما تا ۹۰ °C، خراش و سایش
- مقاومت فوق‌العاده بالا در برابر ترک ناشی از تنش‌های محیطی و آب و هوایی (ESCR)

آمیزه پلیمری پیشرفته برای پوشش لوله‌های فولادی مقاوم به UV

- استحکام و چقرمگی عالی در محدوده وسیع دمایی (۳۰- تا ۸۵ درجه سانتی‌گراد)
- خواص مکانیکی بسیار خوب و مقاوم در برابر تنش‌های ناشی از خاک و عوامل محیطی

راهنمای اشتراک

از فعالان صنعت برق و انرژی کشور دعوت می‌شود در صورت تمایل به اشتراک نشریه ستبران، ضمن تکمیل فرم ذیل، بهای اشتراک را براساس تعرفه، به حساب شماره ۱۴۷۵۱۸۱۷/۰۸ بانک ملت جاری جام، شعبه امیراتابک به نام سندیکای صنعت واریزو رونوشت فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به شماره نامبر ۶۶۹۴۹۶۷ دبیرخانه سندیکا دورنگار نمایید.

هزینه اشتراک یک ساله:	پست عادی: ۱۰۰,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۱۲۰,۰۰۰ تومان
هزینه اشتراک دوساله:	پست عادی: ۲۰۰,۰۰۰ تومان	پست پیشتاز: ۲۴۰,۰۰۰ تومان

- دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه‌ها با ارسال کارت یا گواهی نامه معتبر از ۱۰ درصد تخفیف برخوردار می‌شوند.
- خواهشمند است، مشترکین محترم در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایند.
- با توجه به اینکه تنها عدم وصول مجلاتی که بصورت پیشتاز ارسال می‌شوند قابل پیگیری است لذا توصیه می‌شود از خدمات پست پیشتاز استفاده شود.

لطفاً در مستطیل روبرو چیزی ننویسید

مشترک حقیقی	مشترک حقوقی
نام	نام شرکت/سازمان
نام خانوادگی	نام متقاضی
شغل	نام خانوادگی متقاضی
تحصیلات	سمت
تعداد نسخه درخواستی از هر شماره:	
نوع اشتراک: <input type="checkbox"/> اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک	
نشانی	محل امضا
تلفن	شماره فیش
استان	مبلغ
شهر	بانک
کدپستی	تاریخ واریز هزینه اشتراک

SIMCO

Manufacturer of Wire & Cable

www.simcocable.com

کیفیت اصل ماندگاری است

- اولین تولید کننده کابل های فشار قوی ۶۳ کیلوولت

- اولین تولید کننده کابل های فشار قوی ۱۳۲ کیلوولت

- تولید کننده کابل های فوق فشارقوی تا ۴۰۰ کیلوولت

- تنها تولید کننده کابل های ضد آب با پودر جاذب آب به روش استاتیکی

- تنها تولید کننده هادی های میلیکن با شش سکتور

- دارنده دو خط عایق کابل های فوق فشار قوی CCV تا سطح ولتاژ ۴۰۰ کیلوولت

- دارنده دو آزمایشگاه فوق پیشرفته فشار قوی و همکاری با توانیر در انجام آزمون های تایپ

- دارنده اتاق تمیز جهت تولید کابل های فوق فشار قوی با مواد SUPER CLEAN

- دارنده واحد گرانول سازی پیشرفته با قابلیت تولید انواع گرانول های PVC

